



تاریخ سیاسی معاصر ایران

۱۰۱/۶

پژوهشکده تحقیقات اسلامی



نماینده ولی فقیه در سپاه

نام کتاب: تاریخ سیاسی معاصر ایران	کد: ۱۰۱/۶
نویسنده: مهدی نظریور	
تهیه کننده و ناشر: پژوهشکده تحقیقات اسلامی	
حروفچینی و صفحه‌آرایی: پژوهشکده تحقیقات اسلامی	
لیتوگرافی:	
چاپ:	
نوبت چاپ: چهارم	
تیراژ: ۲۰۰۰	

فهرست

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
درس اول: دوره‌های تاریخ ایران تاریخچه اجمالی پادشاهان قاجاریه	
دوره‌های تاریخ ایران.....	۹
تاریخچه اجمالی پادشاهان قاجار.....	۱۰
درس دوم: جنگ‌های ایران و روس	
جنگ اول.....	۱۸
جنگ دوم.....	۲۱
درس سوم: رقابت بیگانگان در ایران	
امتیازات اقتصادی انگلستان.....	۲۶
امتیازات اقتصادی روسیه.....	۲۹
قراردادهای سیاسی.....	۳۱
درس چهارم: نهضت تنباکو	
زمینه واگذاری امتیاز تنباکو.....	۳۵
اقدامات عملی برای تحقق قرارداد.....	۳۶
مقاومت مردم در شهرها و آغاز قیام.....	۳۸
صدور فتوای تحریم تنباکو.....	۴۱
پیروزی نهضت و لغو امتیاز.....	۴۱
ویژگیهای نهضت تنباکو.....	۴۲
درس پنجم: نهضت مشروطیت (۱)	
زمینه‌های نهضت مشروطیت.....	۴۴
درس ششم: نهضت مشروطیت (۲)	
جرقه‌های نهضت.....	۵۲
مهاجرت صغری.....	۵۴
مهاجرت کبری و اوج‌گیری مبارزات.....	۵۶
پیروزی نهضت و صدور فرمان مشروطیت.....	۵۷
حوادث بعد از مشروطیت.....	۵۸
درس هفتم: دوره رضاخان	
اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در اواخر سلطنت احمد شاه.....	۶۱
کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش.....	۶۳
نخست‌وزیری رضاخان و شعار جمهوری خواهی.....	۶۴
انقراض قاجاریه و به قدرت رسیدن پهلوی.....	۶۴
سیاست و حکومت در سالهای پادشاهی رضاخان (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰).....	۶۵
درس هشتم: مدرس و رضاخان	
چگونگی حضور مدرس در مجلس.....	۶۹
تلاشهای مدرس در جنگ اول جهانی برای حفظ استقلال ایران.....	۷۰
مدرس و کودتای سیاه سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش.....	۷۱

دستگیری امام و قیام سراسری پانزده خرداد ۱۱۴
ویژگیهای قیام پانزده خرداد ۱۱۶

درس چهاردهم: رهبری امام خمینی(ره)

در دورهٔ اختناق

تصویب لایحه کاپیتولاسیون و آغاز مرحلهٔ جدید
مبارزه ۱۱۹
استمرار رهبری از تبعیدگاه ۱۲۱
طرح تئوری، حکومت اسلامی (ولایت فقیه) ۱۲۱
نقش امام در رهبری و تشکیل گروههای مسلمان ۱۲۲
پیامهای مهم امام از نجف ۱۲۳
پیام امام به دانش آموزان و دانشجویان و بسیج آنها ۱۲۴
پیام امام به مناسبت جشنهای شاهنشاهی ۱۲۵
پیام امام به مناسبت تشکیل حزب واحد رستاخیز ۱۲۵

درس پانزدهم: اوج گیری مبارزات

جرقه های انقلاب در سال ۵۶ ۱۲۷
سال ۵۷، سال سرنوشت ۱۲۹

درس شانزدهم: انقلاب اسلامی

ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۶
از پیروزی انقلاب تا استعفای دولت موقت ۱۳۷
از استعفای دولت موقت تا آغاز جنگ تحمیلی ۱۳۸
از آغاز جنگ تا ریاست جمهوری آیه الله خامنه ای
مد ظله العالی ۱۴۰
از ریاست جمهوری آیه الله خامنه ای مد ظله تا ارتحال
حضرت امام(ره) ۱۴۱
رهبری حضرت آیه الله خامنه ای مد ظله العالی ۱۴۲

درس هفدهم: مروری بر آنچه گذشت

نتیجه گیری کلی از حرکت های سیاسی تاریخ معاصر ۱۴۴
سیاست داخلی سلسله های قاجار و پهلوی ۱۴۴
روابط خارجی در دوران قاجاریه و پهلوی ۱۴۶
نهضتها و مقاومت های مردمی در دویست سال اخیر
ایران ۱۴۷
انقلاب اسلامی ایران ۱۴۸
منابع ۱۵۰

از تبعید تا نیابت مجلس ۷۱
اولین اعتراض به سردار سپه ۷۲
مدرس و نخست وزیری رضاخان ۷۳
مدرس بر هم زندهٔ جمهوری ۷۳
استیضاح از دولت سردار سپه ۷۵
تبعید و شهادت ۷۶

درس نهم: نهضت ملی شدن نفت ایران (۱)

زمینه های ملی شدن صنعت نفت ایران ۷۹
نقش آیه الله کاشانی و فداییان اسلام در ملی شدن
نفت ۸۲
تصویب طرح اجرایی ملی شدن نفت در ایران ۸۴
پیروزی نهضت و تشکیل دولت ملی مصدق ۸۵

درس دهم: نهضت ملی شدن نفت ایران (۲)

اقدامات دولت ایران و شرکت نفت انگلیس پس از ملی
شدن ۸۷
قیام سی تیر و نتایج آن ۹۰
اختلاف بین سران نهضت و دلایل آن ۹۱
کودتای ۲۸ مرداد و کنسرسیوم نفت ۹۴

درس یازدهم: ظهور آمریکا در صحنهٔ سیاسی ایران

جنگ جهانی دوم و ورود آمریکا به صحنهٔ سیاسی
ایران ۹۶
میانجیگری آمریکا در مسأله ملی شدن نفت ایران ۹۹
نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۰۰
امریکا و کنسرسیوم نفت ایران ۱۰۲

درس دوازدهم: قیام پانزده خرداد (۱)

انجمن های ایالتی و ولایتی، نخستین گام ۱۰۳
انقلاب سفید شاه و فرارندوم آن ۱۰۶
عزای عمومی نوروز ۱۳۴۲ ه. ش ۱۰۹
فاجعهٔ خونین فیضیه ۱۱۰

درس سیزدهم: قیام پانزده خرداد (۲)

حوادث محرم ۱۳۸۳ ه. ق. / ۱۳۴۲ ه. ش ۱۱۱
سخنرانی امام(ره) در روز عاشورا (قم) ۱۱۳

پیشگفتار

تعلیم و تربیت دینی و انقلابی کارکنان سپاه در جهت تقویت و ارتقای معرفت، ایمان و توانمندسازی و توسعه دانش و بینش آنان رسالتی است بس بزرگ که برعهده معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نهاده شده است.

تحقق عمده این مأموریت خطیر در پرتو نظام آموزش کارآمد و بالنده امکان پذیر می شود تا زمینه ارتقای روحی و معنوی و تقویت دانش، بینش و منش اسلامی کارکنان سپاه را فراهم آورد و پاسدارانی مؤمن، بصیر، شجاع و آگاه تربیت کند که از ایمان و معنویت، معرفت دینی و بصیرت انقلابی لازم برخوردار باشند.

چنانکه مقام معظم رهبری فرموده اند:

مسئله آموزش در همه جا مهم است ولی در سپاه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. اگر در سپاه پاسداران آموزشهای قوی در مسایل عقیدتی سیاسی وجود نداشته باشد دیگر سپاه را به عنوان بازوی توانای انقلاب اسلامی نمی توان مطرح ساخت حرکت سپاه یک حرکت مستمر است و اگر قرار باشد این حرکت باقی بماند افراد سپاه باید آموزش دیده باشند و کسانی که این مهم را به عهده دارند شما هستید.^۱

با توجه به اجرای «نظام تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه» از سالیان اولیه تأسیس این نهاد انقلابی و ضرورت بازنگری و بهینه سازی آن در چارچوب تدابیر فرمانده معظم کل قوا حضرت آیه الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) و براساس راهبردهای تحول و تعالی سپاه، نظام

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵/ ۳/ ۱۳۶۳.

تربیت و آموزش مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گرفت. نظام جدید گرچه به امر خطیر آموزش و تقویت دانش عقیدتی سیاسی پاسداران توجه کافی مبذول شده است اما رویکرد اصلی آن تربیت محوری و معنویت‌افزایی بوده و سرفصلهای آموزشی آن نیز بر این اساس تنظیم شده است. یکی از دوره‌های مهم آموزشی که در نظام جدید مورد توجه قرار گرفته است آموزشهای طولی پاسداران، بسیجیان و سربازان است که به معرفت‌افزایی نسبت به معارف پایه‌ای اسلام و مباحث بنیادی با رویکرد تربیتی می‌پردازد.

هم‌اکنون کلیه دوره‌های آموزشی سپاه در حال بازنگری و بازبینی است و طبیعی است که در تدوین موضوعات و سرفصلهای آموزشی، ارزشیابی، بازخوردگیری، و در نهایت اصلاح یا تغییر سرفصلهای آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. کتاب حاضر تا قبل از بازنگری و تدوین متون جدید در دوره‌های طولی سپاه تدریس می‌شود.

مسئولیت تهیه و تدوین متون آموزشی مورد نیاز نمایندگی ولی فقیه در سپاه به عهده پژوهشکده تحقیقات اسلامی است. این متون با توجه به سطح معلومات، نیازها و تخصص نیروهای آموزشی، در گروههای تحقیقاتی پژوهشکده تدوین و پس از طی مراحل اعتباربخشی محتوایی و شکلی به تأیید نماینده ولی فقیه در سپاه و یا نماینده ایشان می‌رسد.

پیشنهادهای و تجربیات مربیان ارجمند و متریان گرامی، در رفع کاستی‌های متون آموزشی راهگشا و مشوق ما در رفع کاستی‌های متون آموزشی خواهد بود.

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مقدمه

تاریخ ملت‌ها سند اعتبار و گنجینه هویت و چراغ راه آینده آنهاست. همه رویدادها، فراز و نشیب‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها و سرافرازی‌ها در تاریخ آنها ثبت است. تاریخ پند دهنده، آموزنده، هشدار دهنده و هوشیارکننده است و پیوند فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی میان نسل امروز با گذشته و نسل آینده با امروز است؛ به همین دلیل لازم است تاریخ ایران به طور کلی و تاریخ سیاسی معاصر به ویژه مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل دقیق واقع شود.

در این کتاب دویست سال تاریخ معاصر ایران از این جهت مورد مطالعه قرار می‌گیرد که در طی این مدت، حوادث و رویدادهای مهمی در ایران رخ داده است. سرآغاز این دوره، در ایران همراه با تحولات مهم سیاسی - اجتماعی در اروپا و آغاز مرحله جدیدی از رقابت کشورهای بزرگ آن قاره بر سر تصرف یا افزایش مستعمرات در سایر نقاط جهان به ویژه در آسیاست که ایران در هر کدام از آن سیاست‌ها از جایگاه ممتازی برخوردار بود.

ظهور حکومت قاجاریه با کشتارها خونریزی‌های داخلی و خارجی همراه بود. به دنبال آن، آغاز دوره طولانی جنگ‌های ایران و روس بود که هرکدام چندین سال طول کشیده، سرانجام منجر به تحمیل قراردادهای صلح گلستان و ترکمنچای شد، که به موجب این دو معاهده کلیه مناطق حاصلخیز قفقاز برای همیشه از خاک ایران جدا شد. علاوه بر این، جدایی افغانستان و ترکستان و تعیین حدود فعلی مرزهای ایران در این دوره از تاریخ شکل گرفته است. حوادث و رویدادهای مهمی همچون دیکتاتوری پنجاه ساله ناصرالدین شاه، نهضت تنباکو، اعطای امتیازات به بیگانگان، سفرها و خوشگذرانی‌های دولتمردان به اروپا، انقلاب مشروطیت، استبداد صغیر، جنگ اول جهانی و اشغال ایران، انقراض قاجاریه، دیکتاتوری رضاشاه، جنگ

دوم جهانی و تبعید رضا شاه، نهضت ملی شدن نفت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش و آغاز تسلط همه جانبه آمریکا بر ایران، قیام پانزده خرداد، تصویب کاپیتولاسیون و تبعید امام (ره) و سرانجام پیروزی انقلاب اسلامی کبیر مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) و سقوط شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله همه از حوادث این دوره از تاریخ ایران است.

هدف از مطالعه تاریخ دو بیست ساله اخیر ایران این است که با ظلم، ستم، بی عدالتی، تبعیض و غارتگری ها آشنا شده، حرکت ها، نهضت ها و قیام های اسلامی را ارزیابی کنیم و علل شکست ها و پیروزی ها را شناخته و از گذشته درس بگیریم و از تکرار اشتباه ها جلوگیری کرده و آینده را بهتر بشناسیم.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

درس اول

دوره‌های تاریخ ایران تاریخچه اجمالی پادشاهان قاجاریه

در طول دویست سال تاریخ معاصر ایران، بویژه در زمان حکومت پادشاهان قاجاریه تحولات مهمی در صحنه سیاسی ایران رخ داده است. در این دوره که همزمان با تحولات و پیشرفتهای مهم در صنعت، علم و تکنولوژی در اروپاست؛ ایران به دلیل استبداد، کشت و کشتار و هرج و مرج و ظلم و ستم پادشاهان از یک سو و آغاز رقابت سیاسی قدرتهای بزرگ اروپایی از سوی دیگر، با اروپا فاصله زیادی پیدا کرد و دچار رکود در زمینه‌های مادی و معنوی شد.

دوره‌های تاریخ ایران

بطور کلی در یک تقسیم بندی اجمالی، تاریخ ایران را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد.

الف - تاریخ ایران قبل از اسلام

این دوره از زمان ورود آریاییها به ایران شروع شده و تا زمان آخرین پادشاه ساسانی (یزدگرد سوم) ادامه می‌یابد. از این تاریخ به بعد، اسلام به عنوان دین رسمی کشور، در ایران رواج پیدا کرد و بتدریج فرهنگ و تمدن و ملیت ایران را تحت تأثیر خود قرار داده و جزو جدایی‌ناپذیر زندگی مردم ایران گردید.

ب - تاریخ ایران بعد از اسلام

تاریخ ایران بعد از اسلام نیز خود به دو دوره تقسیم می‌شود:

۱- **عهد میانه (وسط):** این دوره از زمان سقوط ساسانیان در سال ۳۱ ه. ق / ۶۵۱ م، شروع شده و تا پایان حکومت زندیه ادامه داشته است (۱۲۰۹ ه. ق / ۱۷۹۳ م / ۱۱۷۲ ه. ش). در این دوره امویان، عباسیان، طاهریان، علویان، صفاریان، سامانیان، آل زیار، آل بویه، غزنویان، سلجوقیان،

اتابکان، خوارزمشاهیان، ایلخانیان (مغولان)، تیموریان، صفویه، افشاریه و زندیه هر کدام بر تمام یا بخشی از ایران حکومت کرده‌اند.^۱

۲- **تاریخ معاصر (عهد معاصر):** این دوره از زمان به قدرت رسیدن آغا محمد خان قاجار در سال ۱۲۰۹ ه. ق شروع شده و تا زمان حال ادامه دارد. این دوره، با حکومت قاجاریه شروع و با سرنگونی رژیم شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ه. ش به پایان می‌رسد.

تاریخچه اجمالی پادشاهان قاجار

همه مورخان، اتفاق نظر دارند که اصل و نسب ایل قاجار ترک بوده و به وسیله مغولان از حدود آسیای میانه به ایران آورده شدند^۲ و در ارمنستان که در آن روز جزئی از ایران بود، سکونت گزیدند. و بعدها به علت ضعف حکومت مغولان در ایران به سوریه رفته، در آنجا ساکن شدند، دوباره در زمان حکومت تیموریان، به وسیله امیر تیمور لنگ، به ایران آورده شدند و در حدود آذربایجان و قفقاز پراکنده شده، مذهب تشیع را قبول کردند. شاه عباس صفوی آنها را به سه دسته تقسیم کرد؛ دسته اول را در مرو، دسته دوم را در گرجستان، آذربایجان و ایروان و دسته سوم را در دو طرف رودخانه گرگان مستقر کرد.

ایل قاجار از دسته سوم هستند. آنان مردمی شجاع و جنگجو بوده و از شاهان صفوی حمایت می‌کردند؛ به همین دلیل شاه عباس آنها را در آن مناطق قرار داد تا ایران را از تاخت و تاز ترکمنها و ازبکها در امان دارند.^۳ جهت آشنایی با این فصل از تاریخ ایران مرور کوتاهی بر زندگی پادشاهان قاجار می‌شود و ضمن آن مهمترین حوادث سیاسی و اجتماعی این دوره بررسی می‌گردد.

الف - آغا محمد خان

آغا محمد خان فرزند محمد حسن خان از طایفه قاجار بود. وی در سن پنج سالگی به دستور عادل شاه افشار مقطوع النسل شد. او پس از قتل پدرش به دست کریم خان زند مدت پانزده سال

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، سید جلال الدین مدنی، ج ۱، ص ۶، دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۶۹ و جزوه درسی تاریخ معاصر ایران، میر مطهری، تدریس شده در دانشکده تربیت مربی قم، ۱۳۷۰.

۲. تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، سعید نفیسی، ج ۱، ص ۵، انتشارات بنیاد، اسفند ۱۳۶۱، چاپ چهارم.

۳. نسخ التواریخ سلاطین قاجاریه، محمد تقی لسان الملک سپهر، ج ۲، ص ۸-۹، انتشارات کتابفروشی اسلامیة ۱۳۵۳.

به عنوان گروگان نزد وی به سر برد. وی مردی کینه‌توز، شجاع و جنگجو بود و در زمان پادشاهی خود توانست استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران را حفظ کند.^۱ حوادث مهم دوره وی عبارتند از:

۱. آغا محمد خان پس از سرکوبی همه مدعیان حکومت، به کرمان که مردمش، لطف‌علی خان زند را پناه داده بودند، حمله کرد و پس از چند ماه محاصره، آنجا را تصرف نمود و قتل عام فجیعی به راه انداخت. او تمام مردان کرمان را کور کرد، و لطف‌علی خان را پس از دستگیری ابتدا نابینا کرد و بعد به قتل رساند.^۲

۲. در عصر پادشاهی آغا محمد خان هنوز قفقاز جزئی از ایران بود، اما حاکمان شهرهای آن منطقه نافرمانی کرده، به دولت ایران مالیات نمی‌پرداختند. از این رو، آغا محمد خان به آنجا حمله کرد و با آنکه مردم تفلیس پایتخت گرجستان به استقبال او آمده بودند، دستور قتل عام آنها را صادر کرد و عده زیادی از مردم آنجا را به قتل رسانده، یا به اسارت درآورد. بعدها این قتل عام یکی از عوامل جدایی قفقاز از ایران شد.^۳

۳. خراسان یکی از ایالت‌های مستقل ایران محسوب می‌شد و شاه‌رخ از نوادگان نادر در آنجا حکومت می‌کرد. آغا محمدخان از یک طرف برای افزایش قدرت خود و از طرف دیگر، برای به دست آوردن جواهرات نادر، به آنجا حمله کرد و ضمن شکنجه‌های طاقت‌فرسا، شاه‌رخ را به قتل رساند و بر اقتدار و حیثیت خود افزود.^۴

۴. روسیه که در زمان حمله آغا محمد خان به گرجستان، نتوانسته بود به حاکم آنجا کمک کند. تصمیم گرفت آنجا را تصرف و ضمیمه خاک خود کند. به همین دلیل به گرجستان حمله کرد؛ در حین این حمله کاترین دوم امپراتور روسیه، درگذشت. جانشین او پل اول، دستور عقب‌نشینی نیروهای روسی را از خاک ایران صادر کرد. آغا محمدخان دوباره به گرجستان حمله برد و گرجستان، قلعه شوشا و شیروان را به تصرف درآورد. ولی به هنگام بازگشت از این سفر جنگی به دست نوکرش به قتل رسید.^۵

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، سید جلال الدین مدنی، ج ۱، ص ۱۴، دفتر انتشارات اسلامی.

۲. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۵۰-۵۱.

۳. همان، ص ۵۰-۵۳.

۴. تاریخ ایران، سرپرسی سایکس، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۲، ص ۴۵۳، شرکت انتشارات کتب ایران،

چاپ سوم، بی‌تا. ۵. ناسخ التواریخ سلاطین قاجاریه، ص ۳۳-۸۴.

ب - فتحعلیشاه

چون آغا محمد خان فرزندی نداشت برادر زاده اش، باباخان را به ولایتعهدی خود انتخاب کرد و به حکومت آذربایجان گمارد. پس از قتل آغا محمد خان، مدتی هرج و مرج ایران را فرا گرفت، اما سرانجام باباخان خود را از تبریز به تهران رساند و با نام فتحعلی شاه زمام امور را به دست گرفت و مدت ۳۷ سال بر ایران حکمرانی کرد. وی یکی از فاسدترین و بی‌لیاقت‌ترین پادشاهان تاریخ ایران است. مهمترین تحولات ایران در زمان فتحعلیشاه عبارتند از:

۱. در زمان فتحعلی شاه، دو جنگ بین ایران و روس به وقوع پیوست. هر چند مردم ایران به فرماندهی عباس میرزا ولیعهد فتح علی شاه و با کمک علما و روحانیون، رشادتهای زیادی به ویژه در جنگ دوم از خود نشان دادند، اما در نهایت هر دو جنگ به شکست ایران منجر شد. شکست در جنگ اول باعث انعقاد عهد نامه صلح «گلستان» و در جنگ دوم باعث انعقاد عهدنامه ترکمنچای گردید؛ نتیجه این جنگها جدایی کل قفقاز و تحمیل کاپیتولاسیون به ایران بود.^۱
۲. همزمان با حکومت قاجاریه در ایران، با آغاز تحولات سیاسی - اجتماعی در اروپا رقابت شدیدی بین فرانسه و انگلیس بر سر هندوستان شروع شد و روسیه نیز قصد دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس را داشت. به همین علت، ایران به دلیل موقعیت جغرافیای سیاسی خود، بیشتر مورد توجه هر سه کشور قرار گرفته، دستخوش مرحله تازه‌ای از رقابت بیگانگان شد.^۲
۳. حمله به افغانستان یکی دیگر از حوادث زمان این شاه قاجار بود. زمان شاه، پادشاه افغانستان که به پشتیبانی از تپیو سلطان حاکم ایالت میسور هند، علیه انگلیسها در هندوستان می‌جنگید و در آستانه ورود به دهلی و شکست کامل انگلیس بود، به علت حمله ایران به افغانستان و محاصره هرات، از آنجا عقب‌نشینی کرد.^۳
۴. در زمان فتح علی شاه بین ایران و عثمانی جنگهایی در سه مرحله رخ داد که در هر سه نوبت به پیروزی ایران انجامید.

۵. یکی از حوادث مهم دوره فتح علی شاه قتل گریبایدوف بود. پس از انعقاد قرارداد صلح ترکمنچای، گریبایدف به عنوان سفیر به ایران فرستاده شد. وی رفتاری خشن و متکبرانه با ایرانیان داشت و خواهان بازگشت زنان گرجی مسلمان شده به روسیه بود. از این رو مردم با حکم علما علیه او شوریدند و او و همراهانش را، جز یک نفر به قتل رساندند.^۴

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۵-۱۶. ۲. همان، ص ۱۶-۱۷.

۳. ناسخ التواریخ سلاطین قاجاریه، ص ۳۴-۸۴.

۴. تاریخ ایران در دوره قاجاریه، کلمنت مارکام، ترجمه میرزا رحیم فرزانه، ص ۶۶ چاپ آسمان.

ج - محمد شاه

پس از فوت عباس میرزا، فتح علی شاه بیاس خدمات چهل ساله او در دربارش، فرزندش محمد میرزا را به ولایتعهدی انتخاب کرد. محمد میرزا پس از فوت فتحعلی شاه با حمایت سفیران روس و انگلیس و با همراهی آنها از تبریز به تهران آمد و به سلطنت رسید.^۱ محمد شاه پس از مدتی با توطئه انگلیس و اطرافیانش، دستور قتل صدر اعظم خود میرزا ابوالقاسم قائم مقام را که فردی لایق و شایسته بود، صادر کرد و حاج میرزا آغاسی را به مقام صدارت انتخاب نمود که لیاقت و شایستگی این مقام را نداشت.^۲ حوادث دوره محمدشاه عبارتند از:

۱. مهمترین مسأله دوران پادشاهی محمد شاه، هرات بود. هرات همیشه جزئی از ایران بود اما حاکم آن شهر، مدتی بود که از دربار ایران سرپیچی می‌کرد. محمد شاه دستور حمله به آنجا را داد؛ سربازان ایران چندین ماه آنجا را در محاصره خود داشتند که سرانجام با تهدید و اشغال جنوب ایران (جزیره خارک) به وسیله انگلیس، از محاصره آنجا دست کشیدند.^۳
۲. همچنین فتنه آقا خان محلاتی، پیشوای فرقه اسماعیلیه و سید علی محمد باب شیرازی (بابیه) نیز از حوادث مهم دوران پادشاهی محمد شاه است.^۴

د - ناصرالدین شاه

پس از فوت محمد شاه، ناصرالدین میرزا ولیعهد هیجده ساله او با لیاقت و کاردانی امیر کبیر به تهران آمده، با نام ناصر الدین شاه به پادشاهی رسید و مدت پنجاه سال بر ایران حکومت کرد.^۵ وی با توجه به شناختی که نسبت به امیر کبیر داشت، او را به صدارت رساند. اما عده‌ای از درباریان و اطرافیان شاه از روز اول شروع به مخالفت با امیر کردند، اما وی که از پیشرفت و ترقی ملت‌های مغرب زمین اطلاع کامل داشت، دست به اصلاحات و سיעی در ایران زد. از جمله اقدامات مهم او تأسیس دارالفنون، انتشار روزنامه، اعزام دانشجویان به اروپا جهت فراگیری علوم جدید، ایجاد امنیت در سراسر کشور، جلوگیری از تعدی و ظلم، تعادل بودجه، نظم دادن به نیروهای نظامی کشور، ترویج کشاورزی و صنعت، از میان برداشتن رشوه خواری، محدود ساختن نفوذ

۱. تاریخ ایران، ص ۵۱۳-۵۲۸.

۲. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، مدنی، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۵۴.

۳. همان، ص ۲۶۵-۲۶۵.

۴. همان، ص ۳۰۵-۳۰۸.

۵. همان، ص ۳۲۶.

روس و انگلیس در ایران و صدها اقدام دیگر را می‌توان نام برد که در مدت سه سال صدارت خود انجام داد. سرانجام با توطئه اطرافیان شاه، بویژه مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه، از صدارت عزل و به کاشان تبعید شد و به قتل رسید.^۱ مهمترین حوادث دوره ناصرالدین شاه عبارتند از:

۱. با آنکه اکثریت قریب به اتفاق جمعیت ایران از فقر و گرسنگی رنج می‌بردند، اما ناصرالدین شاه و اطرافیانش در طول ۲۵ سال آخر پادشاهی خود، سه بار به اروپا مسافرت کردند و هر بار چندین ماه با پولهایی که از کشورهای بیگانه قرض گرفته بودند به خوشگذرانی پرداختند و هزینه کلانی را به مردم فقیر ایران تحمیل کرده، باعث وابستگی بیشتر کشور به بیگانگان شدند.^۲

۲. در دوران حکومت پادشاهان قاجار، امتیازات زیادی به بیگانگان داده شد، تا جایی که بعضی از مورخان، آن دوره را تاریخ امتیازات ایران نامیده‌اند.^۳ تعداد زیادی از این امتیازات در زمان پادشاهی ناصرالدین شاه به بیگانگان واگذار شد. شرایط بعضی از آنها، چنان خفّت بار بود که مردم ایران و علما زیر بار آن شرایط نرفتند و در مقابل آنها قیام کرده، باعث لغو آنها شدند. مهمترین این امتیازات عبارتند از:

اول، امتیاز رویتر: این امتیاز در سال ۱۸۷۲ م به یک فرد انگلیسی به نام «بارون ژولیوس دو رویتر» داده شد. به موجب این امتیاز، انحصار ایجاد راه آهن از دریای خزر تا خلیج فارس، استخراج همه معادن کشور بجز طلا، نقره و جواهرات، استفاده از جنگل‌های ایران، تأسیس بانک، ایجاد پُست و... به این فرد داده شد. اما چون اجرای چنین امتیازی به معنای فروش کامل ایران بود، با مخالفت مردم و علما بویژه ملا علی کنی رو به رو شد و به ناچار لغو گردید.^۴

دوم، امتیاز رژی: به موجب این قرارداد، خرید و فروش توتون و تنباکو در ایران و خارج به مدت پنجاه سال به «ماژور تالبوت» انگلیسی داده شد. اعطای این قرار داد استعماری منجر به نهضت تنباکو و فتوای مشهور مرجع شیعیان آیت‌الله میرزای شیرازی و در نهایت، لغو آن شد.^۵

سوم، امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی: به موجب این امتیاز، حق تأسیس بانک و انتشار اسکناس به مدت شصت سال به بارون ژولیوس دورویتر داده شد. وی با این امتیاز می‌توانست علاوه بر تهران در شهرستانهای ایران نیز شعبه بانک دایر کند و به عملیات بانکی مبادرت ورزد.^۶

۱. همان، ص ۳۲۹-۳۳۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۸.

۳. در این باره کتابی به نام «عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات ایران توسط ابراهیم تیموری به رشته تحریر درآمده است».

۴. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۴۷.

۵. همان، ص ۲۳-۳۰.

۶. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۴۱۳-۴۱۴.

سرانجام، ناصرالدین شاه هنگامی که در صدد برگزاری جشن پنجاهمین سال سلطنت خود بود در حرم حضرت عبدالعظیم، به دست میرزا رضا کرمانی، یکی از شاگردان سید جمال‌الدین اسدآبادی به قتل رسید.

هـ - مظفر الدین شاه

او فرزند بزرگ و ولیعهد ناصرالدین شاه بود. وی به علت طولانی بودن پادشاهی پدرش چهل سال از جوانی خود را به عنوان ولیعهد در تبریز گذراند. و زمانی که به پادشاهی رسید، مردی ضعیف النفس و مریض و علیل بود. مظفرالدین شاه به علت بیماری و ناتوانی اش، تحت نفوذ شدید روسها و اطرافیانش قرار داشت و به همین علت نمی توانست تصمیمات مفید و قاطع در زمینه اصلاحات امور سیاسی - اقتصادی کشور بگیرد.^۱ حوادث زمان پادشاهی وی عبارتند از:

۱. مهمترین حادثه دوران پادشاهی مظفرالدین شاه، پیروزی انقلاب مشروطه بود. مردم ایران که از ظلم و ستم پادشاهان قاجار و از دخالت بیگانگان در امور کشور به ستوه آمده بودند، و از طرفی هم از نظر اقتصادی تحت فشار و در فقر به سر می بردند، با کمک و رهبری روحانیون و ملیون خواستار ایجاد عدالتخانه و مجلس شورا و حکومت مشروطه شدند. مظفرالدین شاه بناچار فرمان مشروطیت را در سال ۱۲۸۵ ه. ش، صادر و با این فرمان رژیم استبدادی شاهنشاهی در ایران تبدیل به مشروطه سلطنتی شد.

۲. قرارداد داری: این امتیاز در سال ۱۲۸۰ ه. ش، و در زمان مظفرالدین شاه به «ویلیام ناکسی داری» انگلیسی واگذار شد و کشف، استخراج و بهره‌برداری و لوله کشی نفت و قیر در تمام ایران به غیر از پنج استان شمالی و همسایه روسیه به مدت شصت سال به داری و واگذار گردید.^۲

و - محمدعلی شاه

پس از مظفرالدین شاه، فرزند بزرگش که با نام «محمد علی میرزا» به عنوان ولیعهد در تبریز حکومت می کرد، به تهران آمده و به پادشاهی رسید. وی ابتدا از مشروطیت و مشروطه خواهان به دلایل مختلف حمایت می کرد. اما وقتی که به قدرت رسید، با مشروطه به مخالفت برخاست. محمدعلی شاه به شدت طرفدار روسیه بود و با کمک «کلنل لیاخوف» روسی مجلس شورای ملی را به توپ بست و استبداد را دوباره برقرار ساخت (استبداد صغیر)، اما سرانجام آزادی خواهان

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۰-۲۱.

۲. تاریخ روابط خارجی ایران، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ص ۱۷۵-۱۷۶، امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۹.

از تبریز، رشت و اصفهان به سوی تهران حرکت کرده، آنجا را تصرف نموده، محمد علی شاه را از سلطنت خلع کردند و به روسیه پناهنده شد.^۱

مهمترین حادثه دیگر زمان وی، تقسیم ایران به سه منطقه تحت نفوذ روس، انگلیس و بی طرف بود. این تقسیم بین روسیه و انگلیس در سال ۱۲۸۶ ه. ش / ۱۹۰۷ م انجام شد. به موجب آن دو کشور اختلافات خود را در آسیا حل کردند و به قرار داد ۱۹۰۷ م مشهور شد.^۲

ز - احمد شاه

آزادینخواهان پس از فتح تهران، محمد علی شاه را برکنار و پسر دوازده ساله او احمد میرزا را با نام احمد شاه را به پادشاهی برگزیده و عضدالملک رئیس ایل قاجار را به نیابت سلطنت انتخاب کردند. (۱۲۸۸ ه. ش). مهمترین حادثه زمان وی، جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط متفقین بود که به همین علت هرج و مرج و قحطی کشور را فرا گرفت. سرانجام، احمد شاه و حکومت قاجاریه در سال ۱۳۰۴ توسط رضا خان سرنگون شد.^۳

پرسش

۱. تقسیم‌بندی تاریخ ایران را نوشته و به اختصار توضیح دهید.
۲. اقدامات آغا محمدخان برای سرکوبی سرکشان و تمرکز قدرت در ایران را توضیح دهید.
۳. جنگهای ایران و روس در زمان حکومت کدام پادشاه اتفاق افتاد و چه منطقه‌ای از ایران جدا شد؟
۴. صدر اعظم لایق و شایسته ناصرالدین شاه چه کسی بود؟ اصلاحات او را نام ببرید.
۵. واگذاری امتیازات به بیگانگان در زمان کدام پادشاه قاجار رخ داد؟ آنها را شرح دهید.
۶. انقلاب مشروطیت در زمان کدام پادشاه اتفاق افتاد؟ علل کلی آن را بنویسید.

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۱.

۲. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۱۷۹ - ۱۸۳.

۳. همان، ص ۱۸۸ - ۱۹۶.

درس دوم

جنگهای ایران و روس

دوران جنگهای ایران و روس یکی از حساسترین، غم‌انگیزترین و پُرمخاطره‌ترین لحظه‌های تاریخ سیاسی معاصر ایران است. این دوره که حدود سالهای ۱۱۷۹ هـ. ش / ۱۸۰۰م تا ۱۲۰۹ هـ. ش / ۱۸۳۰م را در بر می‌گیرد، همزمان با پادشاهی فتحعلیشاه از سلسله قاجاریه در ایران است. اروپا نیز در این زمان شاهد تحولات سیاسی بزرگی بود که در وقایع ایران بی تأثیر نبود. رواج و گسترش افکار آزادی‌خواهی بعد از انقلاب کبیر فرانسه از یک سو و پیروزیهای ناپلئون در اروپا از سوی دیگر، موجب وحشت و ترس امپراتورها و پادشاهان اروپا شده، آنها را به فکر چاره‌اندیشی و اتحاد با دیگر کشورها انداخت.

کشور انگلستان که در این دوران به فکر مستعمره خود، هندوستان بود، خواستار یک دولت و کشور ضعیف در ایران بود. روسیه در پی سیاست توسعه‌طلبانه رسیدن به آبهای گرم، چشم طمع به سرزمین ایران داشت. ناپلئون در فرانسه قصد داشت به وسیله اتحاد با روسیه، از راه ایران، هندوستان را از چنگ انگلیس خارج کند. به همین دلیل ایران به علت موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی خود، در سیاستهای هر یک از قدرتهای بزرگ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود.

فتحعلیشاه که فاقد خصوصیات یک سیاستمدار آگاه و شجاع بود، نتوانست ایران را در این سیاست متعارض بیگانگان حفظ کند. بدین جهت، کشور ما دستخوش رقابتهای شدید بیگانگان شد و دو جنگ خانمان‌سوز به ایران تحمیل گردید. حکومت ایران، بویژه فتحعلیشاه در این جنگها که زمانی متکی به فرانسه و زمانی دیگر متکی به انگلیس بود، نتوانست در مقابل امپراتوری روسیه مقاومت کند، و هر دو جنگ منجر به شکست کامل ایران و قرار دادهای صلح تحمیلی شد.

جنگ اوّل

الف - وصیت پتر کبیر، عامل اصلی جنگ

روسیه تزاری از زمانهای گذشته با همه وسعتی که از نظر جغرافیایی داشت، به علّت موقعیت ویژه خود به دریای آزاد مناسب، راه نداشت. این کشور هر چند به دریای سیاه، خلیج فنلاند، سواحل شمالی اقیانوس کبیر و منجمد شمالی دسترسی داشت، ولی این دریاها و اقیانوسها در موقعیتی بود که نمی توانست اهداف این کشور را تأمین کند. زمامداران روسیه از دیر باز به منظور اجرای سیاستهای توسعه طلبانه بازرگانی، سیاسی و نظامی خود در صدد بودند که این کمبود بزرگ کشور خود را به شکلی بر طرف کنند. پتر کبیر که بخوبی به اهمیت این موضوع پی برده بود، به فکر چاره افتاد و چهار روش را برای راه یابی به آبهای گرم پیشنهاد کرد که مهمترین آنها، رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس بود.^۱ وی در زمان امپراتوری خود موفق به این کار نشد، از این رو وصیت کرد که بعد از او این سیاست ادامه پیدا کند.

روسیه بعد از پتر کبیر به دلیل مشکلات داخلی و خارجی به مدت هفتاد سال نتوانست این سیاست را دنبال کند، تا اینکه کاترین دوم در زمان آغا محمد خان قاجار و بعد از کشتار و قتل عام او در گرجستان تصمیم به اجرای وصیت پتر کبیر گرفت، اما مرگ به وی فرصت چنین کاری را نداد. پُل اول نیز که بعد از او به قدرت رسید، در مقابل ایران سیاست سازش و مسالمت را در پیش گرفت. وی بعد از مدّت کوتاهی به قتل رسید تا اینکه پسرش الکساندر اوّل در سال ۱۸۰۱ م / ۱۱۸۰ هـ. ش، قدرت را در دست گرفت. وی بر خلاف پدرش سیاست توسعه طلبی (وصیت پتر کبیر) را در مقابل ایران در پیش گرفت.^۲

ب - الحاق گرجستان به روسیه، آغاز رسمی جنگ

بعد از مرگ هرا کلیوس (آرا کلی خان) حاکم گرجستان، پسرش گرگین خان جانشین پدر شد. روسها به بهانه قرضه هایی که به گرگین خان داده بودند، تفلیس پایتخت گرجستان را اشغال و گرگین خان و خانواده اش را به روسیه تبعید کردند و یک ژنرال روسی به نام «سیسیانف» را که از نژاد گرجی بود، به فرمانداری کلّ گرجستان منصوب کردند. در سال ۱۱۷۹ هـ. ش / ۱۸۰۰ م گرگین خان در زیر فشار و تهدید روسها مجبور به امضای قرار دادی شد که به موجب آن از حکومت

۱. تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، سعید نفیسی، ج ۱، ص ۲۶۴-۲۶۷، انتشارات بنیاد، ۱۳۶۱، بی جا.

۲. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۹۴.

گرجستان به نفع روسیه تزاری دست کشید. در سال ۱۱۸۱ ه. ش / ۱۸۰۲ م الکساندر اول، گرجستان را جزئی از خاک روسیه اعلام کرد و بدین شکل، قسمتی از خاک ایران، ضمیمه روسیه شد. تزار روس یک سال بعد، گنجه را نیز تصرف و دستور حمله به دیگر شهرهای ایران در قفقاز را صادر کرد. بدین ترتیب، جنگ اول ایران و روسیه به طور رسمی آغاز شد.^۱

فتحعلیشاه که در این زمان سرگرم سرکوبی اولاد نادر شاه بود، مطلع شد که روسها به قفقاز حمله کرده‌اند و بعد از تصرف گرجستان متوجه ایروان و قره باغ (قراباغ) و گنجه شده، پس از تصرف این شهرها با مسلمانان وحشیانه رفتار می‌کنند. وی به عباس میرزا - ولیعهد - دستور داد که جهت مقابله با روسها با سپاهی عازم قفقاز شود. جنگ در سال ۱۱۸۴ ه. ش / ۱۸۰۵ م شدت بیشتری به خود گرفت و روسها با کوراه به تصرف درآورده و به انزلی دست درازی کردند.^۲

فتحعلیشاه که از سیاستهای روز اروپاییان بی‌خبر بود، تصور می‌کرد با اتحاد با آنها می‌تواند روسها را از خاک ایران خارج کند، از این رو ابتدا قصد اتحاد با انگلستان را داشت، اما به علت شرایط سنگین انگلیس، از آن منصرف شده به ناپلئون، امپراتور فرانسه روی آورد. وی که منتظر فرصتی بود تا از طریق اتحاد با ایران بتواند به هندوستان حمله کند، معاهده «فین‌کین‌اشتاین»^۳ را با ایران منعقد کرد. (۱۱۸۶ ه. ش / ۱۸۰۷ م.) به دنبال این عهدنامه دولت فرانسه یک هیأت نظامی به ریاست ژنرال «گاردان» به ایران فرستاد. این مستشاران ابتدا تلاشهایی جهت سازماندهی و آموزش نیروهای ایران انجام دادند، اما به علت اتحاد فرانسه و روسیه بر طبق معاهده صلح «تیل‌سیت»^۴ (۱۱۸۶ ه. ش / ۱۸۰۷ م.)، ایران را در مراحل حساس جنگ تنها گذاشته و از همراهی در جنگ خودداری کردند.^۵

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزده، محمود محمود، ج ۱، ص ۴۷، چاپ چهارم، اقبال، تهران، ۱۳۵۳.

۳. فین‌کین‌اشتاین نام محلی در لهستان است که در آن زمان مقر فرماندهی ناپلئون بود. به موجب این معاهده فرانسه گرجستان را جزئی از ایران دانسته و تعهد می‌کند دولت روسیه را وادار کند که آنجا و سایر شهرهای تصرف شده ایران را تخلیه کند و همچنین توپ و تفنگ و کارشناس در اختیار ایران قرار دهد. ایران هم تعهد می‌کند که با انگلستان قطع رابطه کرده و به آن دولت اعلام جنگ دهد و در لشکر کشی فرانسه به هندوستان بنادر و خاک خود را در اختیار فرانسه قرار دهد.

۴. به موجب معاهده صلح تیل‌سیت (Tilsit)، الکساندر تزار روسیه تصرفات اروپایی ناپلئون را به رسمیت شناخت و در مقابل به روسیه اجازه داده شد که شهرهای تصرف شده ایران را در اختیار خود نگه دارد.

۵. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۱۱۷.

بعد از معاهده صلح «تیل سیت» و عدم همکاری مستشاران فرانسوی در جنگ، ایران در وضعیت نامناسبی قرار گرفت. این بار فتحعلیشاه دست به سوی انگلستان دراز کرد. با خروج هیأت فرانسوی از ایران راه برای همکاری و اتحاد با انگلستان فراهم شد. هر چند شرایط انگلستان برای صلح بمراتب دشوارتر از قبل بود، ولی ایران برای دفع تجاوز و پس‌گیری شهرهای خود چاره‌کار را پذیرش این شرایط می‌دانست.^۱ در این زمان، معاهده «مُجْمَل» ۱۱۸۸ هـ. ش / ۱۸۰۹ م بین دو کشور ایران و انگلستان منعقد شد که مدتی بعد با پیمان دیگری به نام «مُقَصِّل» تکمیل شد به موجب پیمان مُقَصِّل علاوه بر تعهدات قبلی، انگلستان پذیرفته بود که سالیانه به جای ۱۲۰/۰۰۰ تومان، مبلغ دویست هزار تومان به ایران در جنگ با روسیه کمک کند اما انگلیسیها برخلاف تعهدات و قراردادهای خود، در مرحله حساس این جنگ به ایران خیانت کرده و از کمک به ایران در جنگ سر باز زدند.^۲

در طول سالهای جنگ، روسیه به علت گرفتاریها و مشکلاتی که در جبهه اروپا و عثمانی داشت، چندین بار درخواست صلح با ایران را کرد، ولی شرایط ایران برای صلح، مبنی بر تخلیه کلیه شهرهای اشغالی مورد موافقت روسها قرار نگرفت. فتحعلیشاه فکر می‌کرد با پشتیبانی اروپاییان می‌تواند روسیه را شکست داده، شهرهای اشغال شده را پس بگیرد، اما خیانتهای متحدان اروپایی او (فرانسه و انگلیس) و مشکلات و گرفتاریهای داخلی ایران باعث شد که کشورمان شکستهای سختی را متحمل شود.^۳

ج - عهدنامه صلح گلستان

روسیه با پیدا کردن فرصت مناسبی که بر اثر قراردادهای صلح تیل سیت و بُخارست^۴ فراهم آمد، حمله‌های سنگینی را علیه ایران سازماندهی کرد. بر اثر این حمله‌ها شهرهای اصلاندوز و لنکران تصرف شده، تمام سواحل غربی دریای خزر در قفقاز به دست روسها افتاد و ارتش ایران متحمل شکست سنگینی شد.^۵

۱. این شرایط عبارت بود از: واگذاری جزیره خارک به انگلیس، اجازه ایجاد پنج تجارت‌خانه در سواحل خلیج فارس و ایجاد استحکامات نظامی در آنجا، باطل کردن همه قراردادهای دولتهای اروپایی از سوی ایران و عدم انعقاد قرارداد جدید به ضرر انگلیس.

۲. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۱۳۱.

۴. این معاهده به دنبال شکست عثمانی از روسیه بین آن دو کشور منعقد شد.

۵. تاریخ روابط ایران و انگلیس در قرن نوزده، ج ۱، ص ۱۵۱.

به دنبال شکست ایران توسط روسیه از یکسو، و فشار و تهدید انگلستان از سوی دیگر، فتحعلیشاه موافقت خود را با مذاکرات صلح اعلام داشت. گفتگوهای صلح، در روستای گلستان واقع در کنار رود «سیوا» در «قره باغ» انجام شد. انگلستان که در این زمان با روسیه علیه ناپلئون متحد شده بود، اصرار زیادی نسبت به صلح بین روسیه و ایران داشت و کوچکترین تلاشی برای باز پس گیری شهرهای ایران انجام نمی داد.^۱

سرانجام مذاکرات ایران و روسیه با میانجیگری دولت انگلستان در سال ۱۱۹۲ ه. ش / ۱۸۱۳ م. منجر به تحمیل انعقاد صلح گلستان شد. به موجب این عهدنامه، شهرهای دربند، باکو، شیروان، شکلی، قراباغ، گنجه، موقان و طالش علیا به روسیه واگذار شد و ایران از تمامی ادعاهای خود در گرجستان و داغستان صرف نظر کرد و حق کشتیرانی انحصاری روسیه در دریای خزر را بطور ضمنی پذیرفت.^۲

جنگ اول ایران و روسیه در سال ۱۸۱۳ میلادی پس از ده سال فراز و نشیب به پایان رسید. با پایان جنگ و امضای قرارداد صلح، انگلیس به موفقیت بزرگی دست یافت و توانست با سپاهیان آزاد شده روس، اروپا را بر ضد فرانسه یکپارچه سازد. بررسی اجمالی پیمان صلح گلستان نشان می دهد که این پیمان بطور کامل به نفع دولت روسیه و به ضرر دولت ایران است. بعضی از مواد آن چنان گنگ و مبهم است که حتی در همان زمان، امضا کنندگان آن نمی توانستند به مفهوم درست آن پی ببرند. در واقع روسها از همان زمان این ابهامات را برای سوء استفاده بعدی در عهدنامه گنجانده بودند.^۳

جنگ دوم

الف - نقض عهدنامه گلستان و شروع جنگ دوم

بعد از پایان جنگ اول ایران و روس، به مدت سیزده سال بین دو کشور آتش بس و صلح برقرار بود. فتحعلیشاه در این سالها تلاش زیادی کرد تا از راههای مسالمت آمیز و سیاسی شهرهای تصرف شده را به آغوش ایران بازگردانده، کسب حیثیت کند، اما همه کوششهای او، به علت

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. تاریخ ایران، ج ۲، ص ۴۹۱.

۳. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۱۵۶.

سرسختی و لجاجت روسها در بازپس دادن شهرهای ایران نقش بر آب شد.^۱ کمیسیون مرزی ایران و روسیه طبق عهدنامه صلح گلستان یک سال بعد از انعقاد صلح (۱۱۹۳ ه. ش / ۱۸۱۴ م.) تشکیل شد و چندین بار در ایران و روسیه تشکیل جلسه داد، ولی موفق به تعیین حدود مرزها نشد. ننگ جدایی چندین شهر حاصلخیز ایران از یکسو و فشار افکار عمومی داخلی از سوی دیگر، دولتمردان ایران بویژه فتحعلیشاه و عباس میرزا را وادار کرد که در صدد استرداد مناطق اشغال شده بر آیند. به همین دلیل، وقوع جنگ دوم اجتناب ناپذیر شد.^۲

روسها برای ادامه سیاست توسعه طلبی خود، تعیین حدود مرزها را در عهدنامه گلستان بعمد مبهم گذاشته بودند؛ به همین دلیل طی فاصله دو جنگ همواره به دنبال فرصت مناسبی بودند تا اهداف و مقاصد توسعه طلبی خود را در خاک ایران دنبال کنند. اختلافهای قدیمی مرزی و مذهبی بین ایران و عثمانی بهانه لازم را به روسها داد تا دو کشور را به جنگ و درگیری کشانده، از موقعیت پیش آمده سوء استفاده کنند. به دنبال شروع جنگ ایران و عثمانی، ژنرال «یرمولوف» از فرصت استفاده کرد و چندین نقطه از خاک ایران را در «بالغ لو» و «گوگ چای» تصرف کرد (۱۲۰۴ ه. ش / ۱۸۲۵ م.) دولت ایران این تجاوز را نقض آشکار عهدنامه صلح گلستان می دانست و بطور جدی به آن اعتراض کرد، اما مذاکرات دو طرف در این مورد نتیجه ای نداد و جنگ دوم ایران و روس در سال ۱۲۰۵ ه. ش / ۱۸۲۶ م آغاز شد.^۳

ب - مراحل جنگ دوم

جنگ دوم ایران و روس به مدت ۱/۵ سال طول کشید و دارای سه مرحله جدا بود. مرحله اول - اعلام جهاد و پیروزی ایران: روسها با استفاده از ابهامهای صلح گلستان به سرحدات ایران تجاوز کرده، به آزار مردم مسلمان پرداختند. مردم ایران و شهرهای تصرف شده که از این وضع خیلی نگران بودند و شاه و درباریان را نیز از حل آن عاجز می دیدند، به روحانیون و علما که همیشه در لحظه های سخت پشتیبان مردم بوده اند، متوسل شدند. به همین علت آقای سید محمد طباطبایی مجتهد که از علمای شیعه در کربلا بود، حوزه درس را تعطیل کرده، به ایران آمد و به اتفاق مراجع بزرگ، حکم جهاد علیه روسیه را صادر کردند.^۴

۱. همان، ص ۱۷۳.

۲. همان، ص ۱۷۴.

۳. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۱۲۶.

۴. تاریخ روضه الصفا ناصری، رضا قلی خان متخلص به هدایت، ج ۹، ص ۴۵۶، چاپ حکمت قم، ۱۳۳۹.

جنگ حالت حماسی و مقدس به خود گرفت و با شرکت علمای طراز اول ایران در آن، شور و شوق وصف ناپذیری پیدا کرد. مردم شهرهای اشغالی نیز با فتوای علما قیام کردند. مبارزه جهادی با روسها باعث شد که در کمتر از حدود دو ماه، همه جبهه‌های جنگ شاهد پیروزی سپاهیان ایران شود. اغلب ناحیه‌ها و شهرهای ایران که به موجب عهدنامه گلستان از ایران جدا شده بود، دوباره به آغوش کشورمان بازگشت. همه رزمندگان که از سراسر کشور جهت رهایی مردم مسلمان در بند حرکت کرده بودند، به رهبری علما و فرماندهان خود یک هدف را دنبال می‌کردند و آن شکست دشمن متجاوز و پیروزی اسلام بود.^۱

مرحله دوم - رکود و شکست: حرکت سراسری مردم در مرحله اول جنگ که با فتوای علما و مراجع بزرگ و تعطیل درس حوزه و حضور در جبهه جنگ و شور و حال حماسی که داشت، با فرماندهی و مدیریت صحیح می‌توانست منجر به پیروزی نهایی ایران و شکست کامل روسها شود، اما حوادثی چند باعث شد که دولتمردان ایران نتوانند از این موقعیت بی‌سابقه و استثنایی استفاده کنند. که به مهمترین موارد آن در اینجا اشاره می‌شود.

اشتباههای عمده و غیر قابل جبران عباس میرزا: اشتباه اول وی تأخیر در فتح قلعه استراتژیک و حساس شوشی بود. این اشتباه باعث شد که روسها نیروی زیادی در آنجا متمرکز کنند. اشتباه دوم مهلت دادن به فرمانده روسی قلعه شوشی بود که در مرحله‌های بعدی جنگ مشخص شد که فرمانده روسی قصد فریب عباس میرزا را داشته تا بتواند تجدید قوا کند و از همین جا صحنه جنگ عوض شد.^۲

توسل به راههای دیپلماتیک: یکی دیگر از علتهای رکود جنگ در این مرحله، توسل به راههای دیپلماتیک و سیاسی برای پایان جنگ با روسیه بود. بطوری که روسیه از رکود و اشتباهات غیر قابل جبران ایران در جنگ استفاده کرده، قوای زیادی در جبهه‌های جنگ متمرکز ساخت و سپس به نیروهای ایران در گنجه حمله برده و آنجا را تصرف کرد. به دلیل اشتباههای مزبور، فتح و پیروزی و حالت تهاجمی در مرحله اول به رکود و حالت تدافعی و بسنده کردن به راههای دیپلماتیک تبدیل شد.^۳

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۱۸۵ - ۱۹۰.

۲. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳. تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ج ۲، ص ۱۴۸.

مرحله سوم - پیروزی روسیه: اشتباهها و تعلل ایران در جنگ، موجب شد تا روسها عملیات تهاجمی را در جبهه‌های جنگ شروع کنند. در این مرحله از جنگ عباس میرزا ابتدا توانست در چند نقطه از جبهه‌ها روسها را شکست دهد و در صورت ادامه می‌توانست از پیشروی آنها جلوگیری کند، اما برای ادامه عملیات نظامی احتیاج شدیدی به کمک مالی و مهمات داشت، که فتحعلیشاه از ارسال آنها خودداری کرد. عباس میرزا که در این زمان از هر جهت در تنگنا قرار گرفته بود، از جنگیدن با روسها دلسرد شد و به دلیل آنکه نتوانست اداره جنگ و نیازهای غذایی و تسلیحاتی نیروهای ایران را تأمین کند، عده زیادی از سربازان خود را از پادگانها مرخص کرد و این مسأله لطمه شدیدی روحی به جنگجویان ایران وارد ساخت.^۱

روسها که از طریق جاسوسان خود از اختلافهای عباس میرزا و فتحعلیشاه مطلع شده و از عدم همکاری آنها از پشتیبانی نیروهای رزمنده ایران در جبهه‌ها آگاه گشته بودند از موقعیت پیش آمده استفاده کرده، تهاجم همه جانبه و وسیعی را علیه ایران شروع کردند. آنها ضمن تصرف «ایروان»، از رود ارس گذشته و عازم تسخیر تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان شدند. با سقوط تبریز استقلال و تمامیت ارضی ایران به خطر افتاد. علاوه بر این، روسها تهدید کرده بودند که به زودی تهران را هم فتح خواهند کرد. بدین ترتیب جنگی که در مرحله اول با پیروزی کامل ایران آغاز شده بود به شکست ایران انجامید. در این زمان، فتحعلیشاه خود مشغول جمع آوری نیرو شد تا با روسها بجنگد، اما با تصرف شهرهای اردبیل و طالش توسط قوای روس و پیشروی آنها تا قافلان کوه، تلاشهای وی ناکام ماند.^۲

ج - عهدنامه صلح ترکمنچای

در این زمان انگلستان مسأله اشغال تبریز و شهرهای دیگر آذربایجان و تهدید به تصرف تهران از سوی روسیه را تهدیدی برای هندوستان تلقی می‌کرد و به وحشت افتاد. به همین دلیل، واسطه صلح بین ایران و روسیه شد. سرانجام، همانند عهدنامه صلح گلستان با وساطت و پا در میانی انگلیس، مقدمات صلح تحمیلی دیگر فراهم شد. نمایندگان ایران روس در قریه ترکمنچای - اطراف میانه - جمع شده، قرارداد صلح را با حضور نمایندگان انگلیس امضا کردند که شرایط آن بمراتب بدتر از عهدنامه گلستان بود.^۳

۱. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۱۳۹.

۲. تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ج ۲، ص ۱۴۱.

۳. تاریخ معاصر ایران، پیتراوری، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، ج ۱، ص ۹۶، چاپ حیدری، تهران، ۱۳۶۹.

به موجب این معاهده، امتیازات زیادی به روسیه متجاوز واگذار شد. علاوه بر شهرهایی که طبق معاهده گلستان از ایران جدا شده بود، «ایروان» و «نخجوان» نیز به روسیه واگذار شد، خط مرزی بین دو کشور رود ارس قرار گرفت، ایران متعهد شد مبلغ پنج میلیون تومان غرامت به روسیه پرداخت کند، کشتیرانی نظامی انحصاری در دریای خزر به روسیه واگذار شد، دخالت در امور داخلی ایران از طریق حمایت از ولایتعهدی عباس میرزا، برای روسیه فراهم شد، برقراری قضاوت کنسولی - کاپیتولاسیون - برای اتباع روسی در داخل ایران و اعطای امتیازات تجاری، که دو مورد آخر لطمه‌های زیادی به سیستم قضایی و اقتصادی ایران وارد کرد و بعدها باعث سوء استفاده کشورهای دیگر گردید. به طور کلی این معاهده ناعادلانه و به نفع کامل روسیه بود و ایران هیچ امتیازی در آن نداشت.^۱

پرسش

۱. علل اصلی شروع جنگ اول ایران روس چه بود؟ شرح دهید.
۲. جنگ اول چند سال طول کشید و واکنش متحدین ایران در این مدت چگونه بود.
۳. به موجب عهدنامه گلستان چه شهرهایی از ایران جدا شد.
۴. دلیل اصلی شروع جنگ دوم ایران و روس را بنویسید.
۵. مراحل جنگ دوم ایران و روس را شرح دهید.
۶. به موجب عهد نامه صلح ترکمنچای چه امتیازاتی به روسیه داده شد.

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۲۰۶.

درس سوم

رقابت بیگانگان در ایران

رقابت بیگانگان در ایران از زمان صفویه کم و بیش وجود داشت، اما به دنبال انقلاب کبیر فرانسه و تحولات مهم اروپا در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم وارد مرحله جدیدی شد. هر چند این رقابتها با حضور چند کشور قدرتمند آن زمان در ایران ادامه داشت، ولی رقابت دو کشور همسایه شمالی و جنوبی یعنی روس و انگلیس ملموستر و شدیدتر بود و به همین دلیل فقط به رقابت آن دو کشور در ایران می پردازیم.

روس و انگلیس در نتیجه رقابت در ایران، توانستند امتیازات اقتصادی، سیاسی و نظامی زیادی کسب کنند که ما از میان آنها فقط به امتیازات مهم اقتصادی و قراردادهای سیاسی که باعث غارت منابع ملی و تقسیم کشور به دو حوزه نفوذ و اشغال ایران در جنگ جهانی اول شد اشاره می کنیم.

هر چند این امتیازات هر کدام در جای خود مهم بودند، ولی بعضی از آنها مهمتر از بقیه بوده و اثرات تخریبی بیشتری بر نظام اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران داشتند. از این رو، از میان امتیازات کسب شده توسط روس و انگلیس تنها به مهمترین آنها که اثرات داخلی و خارجی جبران ناپذیر داشتند، اشاره می شود.

امتیازات اقتصادی انگلستان

الف - امتیاز رویترا

یکی از اولین و مشهورترین امتیازاتی که در ایران به بیگانگان داده شد، امتیاز «رویترا» بود. این امتیاز از آن جهت با اهمیت است که سرآغاز فصل جدیدی از کسب امتیازات اقتصادی و تجاری

بود و به دنبال آن امتیازات دیگری به روسیه و انگلستان واگذار شد که هر کدام از آنها خسارتها و مشکلات زیادی را برای ایران به وجود آورد.^۱

به موجب این امتیاز، بهره برداری و استخراج کلیه معادن ایران از جمله معادن ذغال سنگ، آهن، مس، سرب، نفت و هر معدن دیگری که در ایران قابل بهره برداری بود - به استثنای طلا، نقره و سنگهای قیمتی و معادن متعلق به افراد - به مدت هفتاد سال و با شرایط آسان به «بارون جولیس دو رویتر» یهودی آلمانی تبار که به تابعیت انگلیس در آمده بود، در سال ۱۲۵۰ ه. ش / ۱۸۷۲ م واگذار شد.^۲

این امتیاز که در زمان ناصر الدین شاه و صدارت «میرزا حسین خان سپهسالار» و با واسطه گری و دلالتی میرزا ملکم خان به انگلیسیها داده شد و به معنای فروش کامل ایران و غارت منابع و ثروت ملی مردم ایران بود، با مخالفت شدید روسیه از یک سو، و مردم و علمای شیعه از داخل به ویژه مجتهد بزرگ «حاج ملا علی کنی» از سوی دیگر، رو به رو شد و بناچار قبل از اجرا، لغو شد و تلاش رویتر برای اجرای آن به جایی نرسید.^۳

ب - امتیاز بانک شاهنشاهی ایران

بعد از لغو امتیاز استخراج معادن ایران توسط ناصر الدین شاه، رویتر از این امر نگران بود. وی از طرح دعوا علیه ایران به خاطر لغو امتیازش دست برد نداشت و این موضوع را به مدت هفده سال دنبال کرد تا سرانجام توانست امتیاز بانک شاهنشاهی را در سال ۱۲۶۸ ه. ش / ۱۸۸۹ کسب کند.^۴ ناصر الدین شاه سالها قبل از ایجاد بانک شاهنشاهی توصیف بانکهای اروپایی و نقش آنها را در پیشرفت اقتصادی شنیده بود و تمایل داشت چنین مؤسسه‌هایی در ایران نیز تشکیل شود. زمانی که وی در تدارک سفر دوم خود به اروپا بود، نیاز شدید به پول پیدا کرد تا هزینه عیاشیها و مخارج بیهوده خود را تأمین کند. به همین جهت با دادن امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی به رویتر موافقت کرد تا هم هزینه سفارش فراهم شود هم به دعاوی هفده ساله رویتر خاتمه دهد.^۵

به موجب این امتیاز به «رویتر» و شریکان او، اجازه تأسیس بانک شاهنشاهی ایران با داشتن حق انحصاری انتشار اسکناس به مدت شصت سال در ایران داده شد. وی حق داشت علاوه بر تهران در شهرستانها نیز شعبه‌های بانک دایر کند. رویتر نیز متعهد شد پس از تشکیل بانک وامی

۱. عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات ایران، ابراهیم تیموری، ص ۹۷، چاپ اقبال، تهران، ۱۳۳۲.

۲. همان، ص ۱۱۹ - ۱۵۰.

۳. همان، ص ۱۰۹.

۴. عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات ایران، ص ۱۷۸.

۵. همان، ص ۱۷۸.

به مبلغ چهل هزار لیره انگلیسی به مدت ده سال با بهره شش درصد به ناصر الدین شاه - جهت سفر به اروپا - قرض بدهد. این بانک علاوه بر انجام عملیات بانکی می‌توانست با هزینه خود یا دیگری در تمام کارهای صنعتی و تجاری سرمایه‌گذاری کند؛ همچنین حق استخراج و بهره برداری از تمام معادن ایران بجز معادن فلزات قیمتی و معادنی که قبلاً به دیگران واگذار شده بود، را دوباره به دست آورد.^۱

ج - امتیاز تنباکو (رژی)

در سال ۱۲۶۹ ه. ش / ۱۸۹۰ میلادی هنگامی که ناصر الدین شاه و صدر اعظم او در مسافرت سؤم در لندن به سر می‌بردند، نیاز شدید به پول پیدا کردند. سیاستمداران انگلیس که منتظر چنین فرصتی بودند تا امتیاز دیگری بگیرند، پیشنهاد دریافت امتیاز توتون و تنباکوی ایران را ارائه کردند که مورد موافقت شاه و صدر اعظم او - امین السلطان - قرار گرفت.^۲

ناصر الدین شاه پس از بازگشت به ایران «ماژور تالبوت» را به ایران دعوت کرده، خرید و فروش توتون و تنباکوی ایران را در داخل و خارج به مدت پنجاه سال به او واگذار کرد. تالبوت در پی این امتیاز، شرکت رژی را تشکیل داده، در شهرهای بزرگ شروع به فعالیت کرد. خسارتهای اقتصادی به دولت و ملت ایران، بویژه به تاجران و کشاورزان و بازاریان جزء از یک سو، و فعالیتهای فرهنگی و ضد اسلامی و رواج فساد و بی‌بند و باری عاملان شرکت از سوی دیگر، باعث نهضت تنباکو در شهرهای بزرگ ایران از جمله تهران، فارس، اصفهان، تبریز و ... شد.^۳ مردم شهرهای بزرگ که از مبارزات خود نتیجه‌ای نگرفته بودند؛ متوسل به علمای نجف بخصوص آیت الله العظمی میرزا حسن شیرازی شدند و با ذکر ضررهای مادی و معنوی مردم مسلمان، خواستار اقدام جدی از سوی وی شدند. این عالم بزرگ پس از اینکه نتیجه‌ای از اقدامات مسالمت آمیز خود نگرفت، فتوای منع استعمال دخانیات را صادر کرد. پس از صدور فتوای تحریم تنباکو، مردم ایران بطور یکپارچه از ایشان اطاعت کرده سرانجام ناصر الدین شاه مجبور به لغو آن شد و پانصد هزار لیره وام با بهره شش درصد از بانک شاهنشاهی انگلیس جهت پرداخت به شرکت رژی دریافت کرد، در ضمن کُل گمرکات جنوب به عنوان ضمانت پرداخت وام در اختیار انگلیس قرار گرفت.^۴

۱. همان، ص ۲۰۴.

۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۳.

۳. تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۲۳ - ۸۰، کتابهای جیبی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۱.

۴. همان، ص ۲۱۰.

د - امتیاز داری

در سال ۱۲۸۰ ه. ش / ۱۹۰۱ میلادی امتیاز استخراج و بهره برداری از نفت ایران به استثنای پنج استان شمالی ایران - آذربایجان، گیلان، مازندران، گرگان و خراسان - به مدت شصت سال به یک فرد انگلیسی به نام «ویلیام ناکسی داری» واگذار شد. وی پس از کسب این امتیاز، شرکتی در ایران تأسیس کرده، شروع به حفاری در نقاط مختلف ایران کرد، تا اینکه در سال ۱۲۸۷ ه. ش / ۱۹۰۸ م برای اولین بار در مسجد سلیمان به نفت فراوان دست یافت. پس از آن، شرکت نفت ایران و انگلیس تشکیل شد و در لندن به ثبت رسید که سهام عمده آن متعلق به دولت انگلیس بود. این شرکت کلیه عملیات استخراج، بهره‌برداری، صدور و تصفیه نفت ایران را در دست گرفته و در مقابل متعهد شد سالی بیست هزار لیتره وجه نقد و و معادل همین مبلغ سهام و شانزده درصد از سود سالیانه‌اش را به دولت ایران بپردازد.^۱

امتیازات اقتصادی روسیه

الف - امتیازات شیلات شمال

سواحل جنوبی دریای خزر که متعلق به ایران بود، نسبت به سواحل شمالی که در اختیار روسیه قرار داشت، مزیت بهتری از نظر آب و هوا، عمق آب و ماهیگیری داشته و دارد. این امتیازها از گذشته‌های دور باعث شده روسها چشم طمع به سواحل ایران داشته باشند و گاه و بی‌گاه آنجا را مورد تجاوز قرار دهند. در عهدنامه صلح ترکمنچای، امتیازات زیادی به روسها در این مورد داده شده بود، اما آنها به این هم اکتفا نکرده، خواستار تسهیلات بیشتری بودند تا این ثروت خدادادی مردم ایران را غارت کنند.^۲

اختلافاتی که بین اتباع روس و ایران بر سر ماهیگیری در دریای خزر به وجود می‌آمد و سوء استفاده‌هایی که دولت روسیه به واسطه داشتن حق کاپیتولاسیون طبق عهدنامه تجاری ترکمنچای می‌کرد، مشکلات فراوانی را برای دولت ایران فراهم آورده بود.^۳ سرانجام، ناصرالدین شاه تصمیم گرفت شیلات شمال را به «میرزا حسین خان سپهسالار» اجاره دهد. وی نیز امتیاز شیلات را طبق قراردادی در سال ۱۲۵۵ ه. ش / ۱۸۷۶ م به یک بازرگان روسی به نام «استپان لیانازوف» واگذار کرد.^۴

۱. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۱۷۵ - ۱۷۶.

۲. عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات ایران، ص ۲۷۴.

۳. همان، ص ۲۷۵.

۴. همان، ص ۲۹۳.

این امتیاز طی سالهای طولانی به علت اینکه روسها از تجهیزات صید بهتری برخوردار بودند و سود بیشتری می بردند، مشکلات فراوانی برای ایران فراهم کرد و یک بار نیز در سال ۱۲۹۷ ه. ش / ۱۹۱۷ میلادی به واسطه انقلاب روسیه لغو شد. ولی دو سال بعد دوباره به فرد دیگر روسی واگذار شد سپس در سال ۱۳۰۶ ه. ش / ۱۹۲۷ م امتیاز شیلات به یک شرکت مختلط ایران و شوروی به مدت ۲۵ سال واگذار شد که در سال ۱۳۳۳ به پایان رسید و ایران از تجدید آن خودداری کرد.^۱

ب - امتیاز بانک استقراضی (رهنی)

بعد از اینکه انگلیسیها امتیاز بانک شاهنشاهی ایران را کسب کردند روسها نیز در نظر داشتند امتیاز مشابهی را به دست آورند. در سفر سؤم ناصرالدین شاه به اروپا، زمانی که وی در روسیه بود، آنها از او چنین درخواستی را تقاضا کردند. روسها برای اینکه خود بطور مستقیم وارد مسأله نشوند، یک نفر روسی به نام «ژاک پالیاکف» را به شاه ایران و امین السلطان معرفی کردند. وی پس از بازگشت ناصرالدین شاه، به ایران آمد و پیشنهاد یک مؤسسه استقراضی را کرد که مورد موافقت قرار گرفت.^۲ سرانجام پس از مذاکراتی در تهران بین پالیاکف و دولت ایران، در سال ۱۲۷۰ ه. ش / ۱۸۹۱ این امتیاز به او واگذار شد. و چندی بعد با اجازه دولت ایران نام «بانک» بر آن گذاشته شد. بانک استقراضی پس از تأسیس دست به معاملات مالی و اقتصادی زد و نفوذ زیادی در امور تجاری ایران پیدا کرد. هر چند امتیاز این بانک را یک فرد روسی گرفته بود، اما دولت روسیه خود معاملات بانک را تضمین کرده، آن را شعبه‌ای از بانک دولتی روسیه در ایران قرار داد. بدین ترتیب، دولت روسیه در پناه بانک، دست به کارهای تجاری و اقتصادی وسیعی در ایران زد و مشکلات و خسارتهای فراوانی برای ایران فراهم کرد.^۳

ج - امتیاز راههای شوسه شمال ایران

یکی از امتیازهایی که همیشه مورد نظر روسیه تزاری بود، ایجاد راههای شوسه و راه آهن و توسعه تسهیلات حمل و نقل در استانهای شمالی ایران بود. این توجه از نظر روسها به دو علت بود؛ اول توسعه راهها برای گسترش روابط تجاری و بازرگانی روسیه با استانهای شمالی ایران، دوم سیاست توسعه طلبی نظامی در ایران که ایجاد راههای ارتباطی نقش مؤثری در آن داشت.^۴

۱. همان، ص ۳۰۵-۳۰۸.

۲. تاریخ ایران، ج ۲، ص ۵۸۵.

۳. عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات ایران، ص ۳۳۶-۳۴۹.

۴. همان، ص ۳۵۰.

روسها و انگلیسیها در راستای اهداف سیاسی و نظامی خود گاه گاهی به دولت ایران فشار می‌آوردند که طبق نقشه آنها راههایی را در ایران احداث کند. دولت ایران به جهت ضعف مالی از یکسو، و نیاز کشور به این راهها از سوی دیگر، امتیازات زیادی جهت احداث و ساختن راه شوسه و راه آهن به این دو دولت واگذار کرد. روسها در این جهت امتیاز راههای شوسه زیادی را در شهرهای شمالی ایران از دولت ایران کسب کرده اند که به ذکر چند مورد آن اشاره می‌شود. اعطای امتیاز به کمپانی راه آذربایجان در سال ۱۲۸۶ ه. ش / ۱۸۸۹ م، امتیاز بیمه و حمل و نقل در ایران، امتیاز راه رشت - قزوین، امتیاز ساختن راه قزوین - تهران، امتیاز ساختن راه قزوین - همدان و امتیاز احداث راه شوسه تبریز - قزوین از جمله این امتیازات می‌باشد که در اواخر سلطنت ناصر الدین شاه و اوایل حکومت مظفر الدین شاه به روسها واگذار شده است.^۱

قراردادهای سیاسی

الف - قرارداد ۱۲۸۶ ه. ش / ۱۹۰۷ م

هر چند روسیه و انگلیس در ایران با هم رقابت شدیدی داشتند، اما وقتی با قدرت سومی رو به رو می‌شدند، با یکدیگر به تفاهم می‌رسیدند. در واقع، وجود آنها در ایران برای یکدیگر قابل تحمل بود، ولی قدرت سوم را نمی‌توانستند تحمل کنند. در چنین حالتی در مورد ایران با هم به توافق می‌رسیدند که چند مورد آن را در درسهای گذشته در معاهدات صلح تحمیلی ذکر کردیم.

دولتهای روس و انگلیس در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با قدرت رو به گسترش امپراتوری آلمان^۲ روبه رو شدند. آلمان ضمن سیاست برتری و تفوق در اروپا، خواهان توسعه منافع خود در سایر نقاط جهان، از جمله در حوزه اقیانوس آرام، امپراتوری عثمانی، خاورمیانه و آفریقا بود. روس و انگلیس تنها با حل اختلافات و وحدت نظر می‌توانستند به مقابله با سیاستهای آلمان بپردازند.^۳

سرانجام، روسیه و انگلستان با میانجیگری فرانسه، به رقابت دیرینه خود در آسیا و خاورمیانه خاتمه دادند و قرار داد ۱۹۰۷ م را در «سن پترزبورگ» روسیه امضا کردند. به موجب

۱. عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات ایران، ص ۳۵۱-۳۵۸.

۲. در این زمان آلمان پس از شکست فرانسه، دانمارک و اتریش و وحدت خود تبدیل به یک امپراتوری قدرتمند شده، و در اروپا نفوذ زیادی پیدا کرده بود و خواهان گسترش نفوذ خود در آسیا، آفریقا و خاورمیانه بود.

۳. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۱۵۶.

این قرار داد - قسمتی که مربوط به ایران بود - شهرهای شمالی ایران تحت نفوذ روسیه و شهرهای جنوبی و شرقی ایران که با افغانستان و هندوستان هم مرز بود، تحت نفوذ انگلیس قرار گرفت و قسمت مرکزی ایران که شامل مناطق کویری و بی آب و علف و فاقد هرگونه اهمیتی بود، منطقه بی طرف و متعلق به دولت ایران شناخته شد.^۱

این قرارداد که بعدها به «قرار داد تقسیم ایران به مناطق تحت نفوذ» جهت امتیازات اقتصادی معروف شد، اوایل سلطنت محمد علی شاه شکل گرفت و پس از انتشار و اطلاع مردم از آن، موجی از مخالفتها و تظاهرات علیه روس و انگلیس برانگیخته شد. و نمایندگان مجلس ایران به اتفاق آراء، قرار داد دو دولت خارجی در مورد ایران را مردود و بدون اعتبار اعلام کردند.^۲

ب - قرار داد ۱۲۹۴ هـ. ش / ۱۹۱۵ م

قرار داد ۱۹۰۷ روس و انگلیس که زمینه اتحاد این دو کشور را فراهم کرده بود، سرانجام منجر به اتفاق مثلث - روس، انگلیس و فرانسه - در مقابل اتحاد مثلث آلمان، اتریش - هنگری و ایتالیا در جنگ اول جهانی شد. پس از شروع جنگ جهانی، ایران از شمال و جنوب توسط روس و انگلیس متفق و از غرب و شمال غرب توسط عثمانی (متحد آلمان) مورد حمله قرار گرفته، بی طرفی ایران نادیده گرفته شد. دو کشور روس و انگلیس به دلیل اینکه حضور خود را در ایران مشروع و قانونی جلوه دهند، عهد نامه سری قسطنطنیه را در سال ۱۹۱۵ م بین خود منعقد کردند.

به موجب این قرار داد سری، دو منطقه نفوذ روس و انگلیس در سال ۱۹۰۷ م لغو گردید و مقررات جدیدی به شرح زیر وضع شد:

ایران بطور کلی دو منطقه تحت اشغال روس و انگلیس بوده، نام کشور ایران و حاکمیت سیاسی آن از صحنه روابط بین المللی حذف گردید. همچنین این دو کشور حق داشتند در مناطق تحت اشغال خود نیروی نظامی و پلیس به هزینه ایران داشته باشند. در این راستا روسها نیروی قزاق را در شمالی ایران و انگلیسیها نیروی پلیس جنوب را که از قبل تشکیل داده بودند گسترش داده، عهده دار اداره مناطق تحت اشغال خود شدند. متفقین یک سال بعد، ایران را از وجود چنین توافق سری آگاه کرده، خواستار تصدیق آن شدند؛ نخست وزیر وقت ایران - میرزا حسین خان

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۱۶۱.

۲. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۱۸۰.

سپهسالار - با قید کلمه «زور» آن را امضا کرده، به صورت سند رسمی در آمد. سرانجام این قرار داد در سال ۱۹۱۷ م. و پس از انقلاب روسیه و سقوط روسیه تزاری لغو شد.^۱

ج - قرار داد ۱۲۹۸ هـ. ش / ۱۹۱۹ م

نقشه تجزیه و تصرف ایران که روسیه و انگلستان طبق قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ در سر داشتند، با پیروزی انقلاب روسیه در سال ۱۲۹۶ هـ. ش / ۱۹۱۷ م و سرنگونی رژیم تزاری و به قدرت رسیدن کمونیستها از بین رفت. پس از پایان جنگ جهانی اول، پیروزی متفقین بر متحدین از یکسو و انقلاب روسیه از سوی دیگر، باعث شد انگلستان یکه تاز میدان سیاست آسیا و خاورمیانه بویژه ایران شود و دیگر نیرویی که بتواند در برابر توسعه طلبیهای او مقاومت کند یا به رقابت بپردازد، وجود نداشت.^۲ از این رو، انگلستان در صدد برآمد که با ایران وارد مذاکره شده، به وسیله قرار داد رسمی ایران را تحت نفوذ کامل خود در آورد. در این راستا در سال ۱۹۱۹ م قرار دادی در تهران بین «وئوتوق الدوله» نخست وزیر ایران و «سرپرسی سایکس» وزیر مختار انگلیس به امضا رسید.^۳

به موجب این قرار داد کلیه تشکیلات مالی و نظامی ایران در دست مستشاران انگلیس قرار گرفت و در مقابل، دولت انگلستان استقلال و تمامیت ارضی ایران را به رسمیت شناخت و قرضه‌هایی به ایران داد و خسارتهای جنگی ایران را جبران کرده، در احداث راه آهن و تجدیدنظر در تعرفه‌های گمرکی ایران به طور یک جانبه اقدام می کرد.^۴

به دلیل امضای چنین قرار دادی توسط ایران، کنفرانس صلحی که بعد از جنگ جهانی اول جهت تعیین خسارتهای جنگ در «ورسای» فرانسه تشکیل شده بود، به ایران اجازه شرکت داده نشد، زیرا اعضای شرکت کننده در کنفرانس معتقد بودند که ایران طبق این قرار داد خود را تحت الحمايه انگلیس قرار داده است. انگلستان نیز خود را قیّم ایران می شناخت و حضور خود در کنفرانس را به منزله حضور ایران تلقی می کرد.^۵

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۲۸۵ - ۲۸۷.

۲. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۲۰۰.

۳. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۳۱۴.

۴. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۲۰۰ - ۲۰۱.

۵. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۳۱۳.

پس از انتشار قرار داد، توفانی از خشم و غضب در میان مردم و نمایندگان مجلس به وجود آمد. همه آنها خواهان لغو قرار داد و مجازات امضاکنندگان آن بودند. مخالفت‌های مردم و نمایندگان آنها در مجلس، بویژه شهید مدرس از یکسو، و مخالفت‌های دولتهای فرانسه، امریکا و شوروی و فشار سفارت خانه‌های آنها در تهران از سوی دیگر، باعث شد که سرانجام مجلس چهارم ایران آن را تصویب نکرده، قرار داد قبل از اجرا لغو شود.^۱

پرسش

۱. امتیازات اقتصادی که انگلیس از ایران کسب کرده را نام برده بطور خلاصه شرح دهید.
۲. روسها بر اثر رقابت با انگلیس چه امتیازاتی را کسب کردند؟
۳. قرار داد روس و انگلیس در مورد تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ را شرح دهید.
۴. بر اساس چه قرار دادی ایران به دو منطقه تحت تصرف روس و انگلیس تقسیم شد.
۵. قرارداد وثوق‌الدوله کاکس را شرح داده، واکنش داخلی و خارجی در مقابل آن را بنویسید.

درس چهارم نهضت تنباکو

در نیمه دوم قرن نوزدهم حوادث و اتفاقاتی در ایران رخ داد که چهره آینده کشورمان را تا حدودی متحول و دگرگون کرد. هر یک از این حوادث برگهای زرینی در صفحات تاریخ این مرز و بوم بوده، درخشندگی خاص خود را دارند، اما نهضت تنباکو در میان اینها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این قیام از یکسو، اولین تجربه مبارزه با استعمار با ماهیت اسلامی بود و از سوی دیگر، در اوج استبداد داخلی پادشاهان قاجاریه - ناصرالدین شاه - به وقوع پیوست و پرده ظلمانی ترس و وحشت را از دل ملتی که شاهد چپاول و غارت ثروتهای مادی و معنوی خود بود، بیرون انداخت.

قیام امت اسلامی به رهبری مرجع بزرگ آیت الله میرزا حسن شیرازی علیه توطئه مشترک داخلی و خارجی ضربه محکمی بر پیکر استبداد داخلی و استعمار خارجی وارد کرد تا امتیاز ننگین و شرم آور تنباکو که بیش از پیش نفوذ کفار را در کشور اسلامی ایران توسعه می داد، لغو کنند. حمایت بی دریغ و همه جانبه مردم ایران از حکم عالمی بزرگ، ثابت کرد که اسلام و روحانیت نفوذ عمیقی در دلهای مردم مسلمان ایران داشته و قادر به مقاومت در برابر هر توطئه‌ای می باشند. قیام اسلامی تنباکو را می توان اولین نهضت بیداری مردم ایران برای به دست آوردن حقوق خود از بیگانگان و استبداد پادشاهان ایران دانست که خود طلیعه نهضت مشروطیت شد؛ نهضتی که باعث تحولات سیاسی و اجتماعی چشمگیری در تاریخ ایران گردید.

زمینه واگذاری امتیاز تنباکو

استعمال تو تون و تنباکو از زمان صفویه، بویژه از زمان شاه عباس کبیر، در ایران رواج پیدا کرد. وی هر چند می خواست استفاده از آن را منع کند، اما موفق به این کار نشد. از آن

زمان کم کم تعداد معتادان به توتون و تنباکو افزایش پیدا کرد تا اینکه در زمان ناصر الدین شاه به چند میلیون نفر رسید. به همین دلیل یکی از وزیران^۱ ناصر الدین شاه به فکر انحصار آن افتاد تا برای افزایش مالیات، آن را در اختیار و کنترل دولت قرار دهد. وی قانون پیشنهادی خود را به نام «قانون اداره انحصاریه توتون و تنباکو» ارائه داد که مورد تصویب ناصر الدین شاه قرار نگرفت. سرانجام وی در سال بعد مقررات دیگری را تهیه کرد و به تصویب ناصر الدین شاه رساند و شاه دستور اجرای آن را به «میرزا علی اصغر خان امین السلطان» صدر اعظم داد، اما به علت مخالفت علما که این عمل را غیر شرعی و بدعت در دین می دانستند اجرا نشد.^۲

ناصر الدین شاه در سال ۱۲۶۸ ه. ش / ۱۸۸۹ میلادی برای سومین بار تصمیم گرفت، به بهانه بازدید از پیشرفت کشورهای اروپایی، از طریق خاک روسیه عازم اروپا شود. روسها ابتدا اجازه چنین سفری را از خاک خود نمی دادند، اما با گرفتن امتیازاتی اجازه عبور به هیأت ایرانی داده شد.^۳

انگلیسیها اصرار داشتند که این سفر انجام شود. هدف آنها، گرفتن امتیازات بیشتر از شاه ایران بود و به همین علت از شاه و همراهانش بویژه امین السلطان، وزیر اعظم، بگرمی استقبال و پذیرایی کردند و بزرگترین نشانه‌های رسمی دولت انگلستان را به آنها اهدا کردند. در این سفر انگلیسیها پیشنهادهای زیادی به شاه ایران دادند که از جمله آنها امتیاز توتون و تنباکوی ایران بود.^۴

دولت انگلستان مانند سایر امتیازات برای مصونیت از خطرهای احتمالی، خود بطور مستقیم دخالت نکرد، بلکه یکی از افراد تبعه خودش به نام «ماژور تالبوت» را به عنوان طرف معامله به ایران معرفی کرد. تالبوت با پیشنهاد رشوه به شاه و صدر اعظم، موافقت آنها را جلب کرده، ناصر الدین شاه قبول کرد که پس از برگشت، وی را به ایران دعوت کند.^۵

اقدامات عملی برای تحقق قرارداد

الف - دعوت تالبوت به ایران و واگذاری امتیاز

همان طور که ناصر الدین شاه در سفر به لندن قول داده بود پس از بازگشت، به ایران از تالبوت دعوت کرد تا به ایران بیاید. وی پس از ورود به تهران با کمک سفارت انگلیس و اعضای آن،

۱. ابن فرد محمد حسن خان اعتماد السلطنه وزیر انطباعات و دارالترجمه ناصر الدین شاه بود.

۲. تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۹-۲۲.

۳. نهضت تنباکو، اداره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش، ص ۱۶، بی جا، بی تا.

۴. تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۲۳-۲۴.

۵. همان، ص ۲۴.

متن امتیاز نامه را تهیه کرده، نزد «امین السلطان» فرستاد. صدر اعظم با تغییرات جزئی در متن قرار داد، آن را جهت امضا نزد ناصر الدین شاه برد و پس از تعریف و تمجید فراوان از قرار داد و شرح مزایای چنین امتیازی آن را به امضای شاه رساند و از او تقدیر نامه‌ای نیز دریافت کرد.^۱ به موجب این امتیاز خرید و فروش کل توتون و تنباکوی ایران در داخل و خارج به مدت پنجاه سال از تاریخ ۱۲۶۹ ه. ش / ۱۸۹۰ م به «ماژور تالبوت» انگلیسی واگذار شد و در مقابل صاحب امتیاز متعهد گردید که هر سال مبلغ پانزده هزار لیره انگلیسی و $\frac{1}{4}$ از سود شرکت پس از کسر مخارج و کسر پنج درصد، به دولت ایران بپردازد.^۲

اعطای چنین امتیازی به یک فرد بیگانه خسارت‌های جبران ناپذیری به دولت و ملت ایران وارد می‌کرد، زیرا به موجب این امتیاز هیچ کس حق خرید و فروش توتون و تنباکو و سیگار در ایران را نداشت، مگر با اجازه صاحب شرکت. ورود لوازم و وسائل شرکت از عوارض گمرکی و مالیات معاف بود و هیچ کس حق وارد کردن توتون و تنباکو به ایران را نداشت. فصل هشتم این امتیاز خاطیان از این فرمان را تهدید به کیفر می‌کرد و طبق فصل دهم کشاورزان ایران متعهد بودند که مقدار محصول خودشان را به نزدیکترین عامل شرکت اطلاع دهند.^۳

ب - تشکیل شرکت و آغاز فعالیتهای اقتصادی و فرهنگی

پس از بازگشت ناصر الدین شاه از انگلستان، تالبوت به اتفاق چند نفر و با کمک دولت انگلیس، شرکتی را با نام «رژری» با سرمایه اولیه ۶۵۰۰۰۰ لیره در لندن تشکیل داد. وی پس از کسب امتیاز در صدد برآمد که شرکت را در سایر مناطق کشورمان گسترش دهد. در این راستا ابتدا باغی را در یکی از بهترین مکانهای تهران در آن زمان (خیابان فردوسی فعلی) خریده، ساختمان بزرگی برای اداره مرکزی شرکت در وسط آن بنا کرد. شرکت دیوار محکم و بلندی در اطراف باغ کشید و آن را به شکل قلعه جنگی و نظامی درآورد.^۴

شرکت پس از تأسیس اداره مرکزی در تهران تصمیم گرفت، شعبه‌های آن را در سایر شهرهای ایران، بویژه شهرهایی که در آنها محصولات توتون و تنباکو بیشتر کشت و تولید می

۱. تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۲۷.

۲. بررسی تاریخی تنباکو، جمال الدینی حسینی، ص ۳۱، بی جا، بی تا، بی نا.

۳. پیکار پیروز تنباکو، محمد نهاوندیان، ص ۱۷، بی نا، بی جا، بی تا.

۴. تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۴۲.

شد راه اندازی کند. در این راستا تصمیم گرفته شد نمایندگان به تبریز، مشهد، شیراز، و اصفهان اعزام کند تا در آنجا به تشکیل شرکت مبادرت کرده، فعالیتهای خود را آغاز کنند.^۱

پس از احداث ساختمان مرکزی شرکت در تهران و آغاز فعالیت آن در ایران، چند هزار نفر از مردان و زنان و دختران فرنگی در مدت کوتاهی به عنوان کارکنان شرکت وارد ایران شدند بطوری که در هر شهری تعداد زیادی از افراد بیگانه اقامت داشتند. این افراد که تحت پوشش شرکت رژی وارد ایران شده بودند، شروع به فعالیتهای فرهنگی کرده، فرهنگ مسیحیت و غرب را در ایران رواج می دادند. نفوذ در بازار مسلمانان استفاده از دختران برای افزایش فروش، اشاعه فساد از طریق ایجاد رقااص خانه و قمار خانه، فروش و مصرف مشروبات الکلی، استفاده از مسلمانان به عنوان نوکر و توهین و هتک حرمت مسلمانان از جمله موارد اشاعه فرهنگ غربی در ایران به وسیله کارکنان شرکت رژی بود که زمینه های نهضت را کم کم آماده می کرد.^۲

مقاومت مردم در شهرها و آغاز قیام

به علت گسترش کشت و زرع و استعمال توتون و تنباکو حدود یک پنجم از جمعیت ایران^۳ از این طریق زندگی خود را می گذراندند، از این رو نمی توانستند در مقابل تسلط بیگانگان بر امرار معاش خود ساکت باشند. روستاییان، کشاورزان، بازرگانان و تاجران خرده پا و حتی کارگران روز مزد شروع به اعتراض علیه شرکت رژی کردند. به علت رابطه نزدیک و تنگاتنگی که بین طبقات مردم و علما وجود داشت، مردم به روحانیون متوسل شدند تا با رهبری آنها وارد مبارزه و قیام عمومی شوند.^۴ شهرهایی که در این مبارزه سهم بسزایی داشتند به شرح زیر بود:

فارس: اولین نقطه ای که زودتر از جاهای دیگر مورد توجه شرکت قرار گرفت، فارس بود، زیرا قسمت عمده و بهترین محصول دخانیات ایران از فارس تهیه می شد. مردم شیراز که از توجه شرکت به فارس مطلع شده بودند، کسب و کار خود را تعطیل کرده، در مسجد وکیل شیراز جمع شدند. حاج سید علی اکبر فال اسیری شیرازی که در میان علمای آنجا از همه معروفتر و از بیان ویژه ای نیز برخوردار بود، بالای منبر رفت و علیه دولت و شرکت رژی صحبت کرد و در پایان

۱. قیام تنباکو، یعقوب آژند، ص ۶۴-۶۸، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.

۲. تحریم تنباکو، محمد رضا زنجانی، ص ۵۵-۶۳، بیجا، بی تا، بی نا.

۳. جمعیت ایران در آن روز حدود هشت میلیون نفر بود.

۴. تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۴۹.

سخنرانی، شمشیری را به دست گرفته، اعلام جهاد کرد و گفت: هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید، من شکم او را پاره خواهم کرد.^۱

نهضت مردم فارس به دنبال سخنان این روحانی مبارز آغاز شد. نمایندگان شرکت که از وضع آنجا آگاه شدند، در بیرون از شهر متوقف شده، جرأت ورود به شهر را نداشتند، اما پس از سرکوب مردم، عمال شرکت با تشریفات خاص وارد شهر شدند. مردم فارس همچنان به مبارزه خود ادامه دادند. دولت سید علی اکبر فال اسیری را دستگیر و به عراق تبعید کرد.

خبر دستگیری و تبعید این روحانی شجاع به گوش مردم رسید. مردم دوباره با تعطیل کسب و کار و با شعارهایی علیه شرکت و دولت ایران در امامزاده احمد بن موسی تجمع کردند، ولی یک بار دیگر قیام مردم توسط «قوام الملک» حاکم فارس سرکوب، و سران آنها دستگیر شدند. تبعید این عالم بزرگ به عراق و ملاقات او با سید جمال الدین اسد آبادی در بصره و همچنین دیدار او در سامرا با آیت الله «میرزا محمد حسن شیرازی» باعث تسریع نهضت در داخل و خارج ایران شد.^۲ تبریز: مردم و روحانیون تبریز پس از اطلاع از امضای قرار داد، مخالفت شدید خود را از طریق تلگراف به ناصر الدین شاه اعلام کردند و پس از اطلاع از نامه «میرزای شیرازی» به شاه مبنی بر خلاف شرع بودن آن و حرکت نمایندگان شرکت رژی به آنجا، مردم به رهبری «میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی» مسلح شده، از ورود کارکنان شرکت به تبریز جلوگیری کردند. شاه و درباریان ابتدا با تهدید قصد سرکوب و ساکت کردن مردم غیور آنجا را داشتند، اما چون این حربه مؤثر واقع نشد، به نیرنگ متوسل شده و نقشه تفرقه و جدایی بین روحانیون و مردم را ریختند ولی مردم از توطئه شوم دولت مطلع شده و آن را نقش بر آب کردند.^۳

پس از شکست توطئه شاه و دربار، آنها به فکر تطمیع مردم تبریز افتادند و به آنها قول آزادیهای فراوان دادند، لیکن هیچ یک از ترفندهای آنها مؤثر واقع نشد و سرانجام مسئولین دولت ایران و شرکت رژی تصمیم گرفتند که از تبریز چشم پوشی کرده و از اعزام کارکنان شرکت به آنجا خودداری کنند. این امر در پیروزی نهضت تنباکو نقش بسزایی داشت.^۴

اصفهان: در این زمان اصفهان از چند جهت اهمیت داشت: یکی از مهمترین شهرهای تجاری ایران بود و به خلیج فارس جهت تجارت خارجی نزدیک بود و ظل السلطان پسر

۱. همان، ص ۶۸-۶۹.

۲. همان، ص ۷۱-۷۳.

۳. قیام تنباکو، آژند، ص ۹۸-۱۰۲.

۴. همان، ص ۱۰۳-۱۰۷.

ناصرالدین شاه در آنجا حکومت می‌کرد. مردم اصفهان تلاشهای زیادی برای مبارزه با اهداف استعماری شرکت رژی انجام دادند. علمای اصفهان در آن زمان بیشتر از سایرین در بین مردم نفوذ داشتند و در بین آنها «حاج شیخ محمد تقی» معروف به آقا نجفی از همه معروفتر و مشهورتر بود از این رو، وی پرچم مبارزه را علیه بیگانگان به دست گرفت و برای اولین بار فتوای منع خرید و فروش و استعمال دخانیات را به کمک سایر روحانیون صادر کرد. هر چند در آن زمان خارج از اصفهان کسی از دستور آنها اطاعت نکرد، اما بیشتر مردم اصفهان از دستور علما اطاعت کردند و فشارها و سختگیریهایی ظل السلطان، حاکم وقت اصفهان، هم چاره ساز نشد. بعلاوه یکی از علمای اصفهان جهت دادن گزارش نزد میرزای شیرازی به سامرا رفت.^۱

یکی از حوادث و اتفاقات مهم در روند نهضت تنباکو، بویژه در اصفهان، به آتش کشیدن تنباکوهای یک تاجر است. این تاجر اصفهانی که به خاطر منع خرید و فروش و استعمال دخانیات از طرف علمای اصفهان حاضر نبود آنها را به بیگانه بفروشد، دوازده ساعت از آنها وقت گرفته و شب هنگام، آنها را در یک جا جمع کرده و همه آنها را به آتش کشید.^۲

تهران: مردم تهران نیز به دنبال شهرهای شیراز، تبریز، اصفهان و ... علیه شرکت رژی و عوامل داخلی و خارجی آنها دست به شورش و قیام زدند و با تعطیلی کسب و کار خود و اجتماع در مساجد و سایر نقاط شهر، اعتراض خود را بر ضد شرکت مذکور اعلام کردند. در پایتخت نیز مانند سایر شهرها رهبری اعتراض و اجتماع مردم به عهده علما و روحانیون از جمله عالم بزرگ «میرزا حسن آشتیانی» بود. وی که بارها با شاه و امین السلطان برای لغو امتیاز تماس گرفته، ولی نتیجه‌ای نگرفته بود، سرانجام نامه‌ای از طرف علمای تهران به میرزای شیرازی، مرجع بزرگ شیعیان در سامرا، نوشت و از وی تقاضا کرد که در این باره اقدامی انجام دهد.^۳

مشهد: حاکم خراسان در این زمان فتحعلیخان صاحب دیوان بود. وی همه مردم و دست اندرکاران تنباکو در مشهد را مجبور کرد تا تمام کالای خود را به شرکت رژی بفروشند، اما مردم آنجا مانند سایر شهرهای ایران دست به اعتراض زده، در مسجد گوهر شاد جمع شدند که با کمک بعضی از علما و بعد از پنج روز تظاهرات و راهپیمایی بطور مسالمت آمیز پراکنده شدند.^۴

۱. تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۷۸-۷۹.

۲. همان، ص ۷۹.

۳. بررسی تاریخی تنباکو، ص ۴۸.

۴. قیام تنباکو، ص ۱۰۷.

سایر شهرها: علاوه بر اینها در سایر شهرهای ایران مثل کرمان، قزوین، کاشان، یزد و ... مردم علیه شرکت رژی دست به تظاهرات و شورشهایی زدند و با بستن مغازه‌ها و محل کار خود در مساجد و مراکز دیگر تجمع کرده، به همراه روحانیون انزجار و نفرت خود را از واگذاری چنین امتیازی اعلام کردند.^۱

صدور فتوای تحریم تنباکو

مردم و علمای شهرهای ایران که از اقدامات خود نتیجه قطعی نگرفته بودند، دست کمک به سوی مرحوم «میرزا محمد حسن شیرازی - مرجع تقلید شیعیان جهان - که در آن زمان در سامرا بود، دراز کردند. وی از طریق روحانیون و زائران، همچنین نامه‌ها و تلگرافهایی که از ایران به ایشان می‌رسید و بخصوص نامه سید جمال الدین اسد آبادی، به زیانها و خسارتهای دولت و ملت ایران آشنا شد، ابتدا از طریق مسالمت آمیز و ارسال چند نامه، لغو این امتیاز را از ناصر الدین شاه تقاضا کرد، اما وقتی که از این کار نتیجه‌ای حاصل نشد، سرانجام فتوای مشهور خود را در سال ۱۲۶۷ هـ. ش / ۱۸۹۱ م در رابطه با منع استعمال دخانیات بدین شرح اعلام کرد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - الْيَوْمَ اسْتَعْمَالَ تَنْبَاكُو وَ تَوْتُونِ بَأَىٰ نَحْوِ كَانٍ در «حکم مُحَارِبَه با امام زمان است عجل الله فرجه»^۲

خُورَةُ الاحقر محمد حسن الحسيني

پیروزی نهضت و لغو امتیاز

اقت مسلمانی ایران که هر لحظه منتظر چنین حکمی بودند؛ پس از دریافت آن با هر وسیله‌ای که در اختیار داشتند در پخش آن اقدام کردند، زیرا چنین کاری را وظیفه شرعی خود می‌دانستند. استقبال از این حکم بی‌نظیر بود. مردم ایران از پیر و جوان، زن و مرد، کشاورز و کارگر، تاجر و کاسب، همه بدون چون و چرا از آن اطاعت کردند، قلیانها و چپق‌ها را شکستند و توتونها، تنباکوها و سیگارها را به آتش کشیدند و حاضر نشدند حکم عالم و مرجع خود که استعمال تنباکو را در حکم جنگ با امام زمان (عج) می‌دانست، نقض کنند. نفوذ این حکم آن قدر گسترده و وسیع بود که حتی دربار و حرمسرای ناصر الدین شاه رانیز فراگرفت.^۳

۱. تحریم تنباکو، تیموری، ص ۸۰

۲. تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، بخش اول، ج ۱، ص ۱۹، بی جا، بی تا.

۳. تحریم تنباکو، محمد رضا زنجانی، ص ۱۰۱-۱۰۵.

ناصرالدین شاه و دربار او که به عمق و گستردگی نفوذ این حکم پی برده بودند، قصد داشتند با جعلی خواندن حکم و تفرقه و فشار به مردم و روحانیون، بویژه میرزا حسن آشتیانی، اثر آن را خنثی کنند، اما وقتی به بی اثر بودن توطئه‌های خود پی بردند تصمیم گرفتند که با لغو امتیاز داخلی آنها را تسلیم کنند، ولی هوشیاری و تداوم نهضت و حضور مردم در صحنه و اعلام جهاد از سوی میرزای شیرازی توطئه‌هایشان را نقش بر آب کرد.^۱

سرانجام به دلیل فشار نهضت اسلامی - مردمی ایران به رهبری میرزای شیرازی که اساس سلطنت استبدادی ناصرالدین شاه را به مخاطره انداخته بود، وی تصمیم گرفت که امتیاز را لغو کند و با اعلام رسمی لغو امتیاز از سوی دولت ایران و شرکت رژی، مبارزه پیروزمند تنباکو پس از ۵۵ روز خاتمه یافت و حکم تحریم لغو شد.^۲

شرکت رژی که مبالغ هنگفتی به شاه و صدر اعظم و درباریان رشوه داده بود خواستار غرامت از ایران شد. که پس از مذاکراتی پانصد هزار لیره به شرکت پرداخت شد. این مبلغ از بانک شاهنشاهی ایران که سهام آن متعلق به انگلیس بود به صورت وام با بهره شش درصد در مقابل گرو گذاشتن گمرکات بنادر خلیج فارس، بوشهر، بندر عباس، بندرلنگه و شیراز تأمین شد. بدین ترتیب این گمرکات تحت نظارت و کنترل انگلیس درآمد.

ویژگیهای نهضت تنباکو

الف - اسلامی بودن

مهمترین عامل پیروزی نهضت تنباکو ماهیت اسلامی آن بود، زیرا تنها عامل و انگیزه‌ای که می توانست توده های مردم ایران را با آن وسعت به حرکت در آورد و آنها را به ایثار و فداکاری و از جان گذشتگی وادارد اعتقادات اسلامی و مذهبی بود.

ب - اطاعت از روحانیت

انگیزه این عمل نیز ناشی از اعتقادات اسلامی در قلوب مردم ایران بویژه مذهب تشیع بود. روحانیت به عنوان ادامه دهندگان راه ائمه معصومین علیهم السلام مورد پذیرش و احترام توده مردم بودند و به همین دلیل ارتباطات گسترده آنان در سراسر ایران با مردم باعث گسترش قیام شد.^۳

۱. تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۱۳۳-۱۳۵.

۲. همان، ۲۱۰-۲۱۳.

۳. نهضت تنباکو، اداره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش، ص ۹۰.

ج - عمومی بودن نهضت

حضور در صحنه و ادامه نهضت تنباکو متعلق به گروه خاصی از مردم نبود، بلکه همه طبقات و اقشار مردم در آن نقش داشتند. زنان ایران برای اولین بار با نمایش قهرمانانه و شور انگیز، حضور خود را در تاریخ مبارزات ایران به نمایش گذاشتند و حتی رهبری و تظاهرات خیابانی را در چند نقطه به عهده گرفتند.^۱

د - استقامت و فداکاری مردم و رهبران

استقامت رهبری و مردم در تمام مراحل نهضت به چشم می خورد وقتی فتوای تحریم صادر شد، همه مردم از آن اطاعت کردند و شایعه جعلی بودن و لغو امتیاز داخلی نتوانست مردم را راضی کند و تا لغو کامل آن و اعلام رسمی دولت و شرکت رژی پایداری کردند. آنها در این راه از جان و مال خود مایه گذاشتند، از معامله با شرکت رژی خودداری کردند و گاه اموال و دارایی خود را به آتش کشیدند و وسائل استعمال دخانیات را شکستند تا سرانجام به پیروزی رسیدند. البته همه اینها ریشه عمیق در اعتقادات مذهبی مردم ایران داشت.

پرسش

۱. زمینه واگذاری امتیاز توتون و تنباکو به تالبوت را شرح دهید.
۲. خسارتهای مادی و معنوی دولت و ملت ایران را بر اثر واگذاری امتیاز تنباکو توضیح دهید.
۳. روند نهضت در شهرهای ایران چگونه بود؟ بطور خلاصه بنویسید.
۴. استقبال مردم از حکم تحریم فتوای میرزای شیرازی را بنویسید.
۵. ویژگیهای نهضت تنباکو را نام ببرید.

۱. تحریم تنباکو، زنجانی، ص ۱۸۴ - ۱۹۱.

درس پنجم

نهضت مشروطیت (۱)

در سراسر تاریخ پرفراز و نشیب ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران، بویژه در زمان قاجاریه شاه همیشه قدرت مطلق و یگانه مرجع رسیدگی به مسائل کشوری و لشکری بوده، هیچ چیز خارج از اراده او انجام پذیر نبود. پس از او شاهزادگان بودند که هر کدام در گوشه‌ای از کشور همانند شاه فرمان می دادند و خواست و اراده مردم هیچ جایگاهی نداشت.

نهضت مشروطیت از جهت کاهش قدرت استبدادی پادشاه، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ سیاسی معاصر ایران دارد، چراکه توانست پایه‌های این قدرت بی پایان را فرو ریخته، آن را به پادشاهی مشروطه تبدیل کند. از این رو، تحول مهمی در ساختار سیاسی اجتماعی ایران محسوب می‌شود.

در مورد علل نهضت مشروطیت دو دیدگاه وجود دارد: عده‌ای آن را بطور کلی تحوّل می‌دانند که از خارج کشور بویژه انگلستان سرچشمه گرفته است. عده‌ای دیگر آن را نهضتی ملی و مردمی می‌دانند که زمینه‌های آن در داخل ایران فراهم شد. از آنجا که هیچ تحوّل و نهضتی بدون فراهم شدن زمینه‌های داخلی نمی‌تواند رخ دهد، در این درس ابتدا زمینه‌های داخلی نهضت مشروطیت را مورد بررسی قرار داده، آن‌گاه به زمینه‌های خارجی آن می‌پردازیم.

زمینه‌های نهضت مشروطیت

الف - زمینه‌های داخلی

۱- نهضت تنباکو: یکی از مهمترین زمینه‌های داخلی نهضت مشروطیت، قیام تنباکو است. زمانی که ظلم و استبداد سراسر ایران را فرا گرفته و حکومت استبدادی ناصر الدین شاه قاجار بر

مردم ایران سایه افکنده بود و به دنبال واگذاری امتیاز توتون و تنباکوی ایران به یک شرکت انگلیسی به نام «رژبی»، مردم در سراسر ایران دست به اعتراض و قیام زدند و با رهبری و هدایت علما و روحانیون مبارزه ریشه داری را آغاز کردند، شاه و اطرافیان او که با دریافت رشوه های کلان، این امتیاز را به بیگانگان اعطا کرده بودند، قصد داشتند به هر وسیله ای که شده نهضت تنباکو را سرکوب کنند، اما مردم پس از صدور فتوای آیت الله العظمی میرزای شیرازی یکپارچه از آن اطاعت کردند و رژیم ناصرالدین شاه به ناچار تسلیم خواست مردم شد و امتیاز را لغو کرد.^۱ پیروزی نهضت تنباکو از یکسو، باعث فرو ریختن ترس از استبداد پادشاهان و زوال مقام و عظمت آنها شد و از سوی دیگر، مردم ایران فهمیدند که با وحدت کلمه و تکیه بر مبانی ارزشی اسلام و رهبری روحانیت می توان در مقابل هر گونه استبداد به مقاومت پرداخته، آن را به زانو در آورد. این مسأله یکی از موارد مهم زمینه های داخلی نهضت مشروطیت بود و الهام بخش این نهضت شد.

۲- ظلم و استبداد پادشاهان قاجار: پادشاهان قاجار همانند سایر شاهان ایران، یگانه قدرت مطلق کشور بودند و قدرت آنها از طریق سلسله مراتب به حاکمان، شاهزادگان، خوانین، اربابان محلی و مقامهای دولتی می رسید. مال، مقام و دارایی شاهان از هر گونه تجاوزی مصون بود، در حالی که جان، مال و ناموس مردم، هیچ گونه تضمین و تأمینی در مقام قدرت آنها نداشت و حتی نمی توانست خارج از اراده پادشاهان باشد. شاه در واقع نقش قوه مقننه، قضاییه و مجریه را داشت و به راحتی می توانست دست به هر اقدامی زده و از مردم به زور، مالیات و خراج گرفته، آنها را زندانی یا اعدام کند.^۲

دوره طولانی پادشاهی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، به دلیل اعطای امتیازات و واگذاری منابع کشور به بیگانگان و سفرها و ولخرجیهای آنها به اروپا از یکسو، و امتیاز توتون و تنباکو و پرداخت خسارت به شرکت رژبی از سوی دیگر، باعث خالی شدن خزانه کشور و در نتیجه افزایش فشار به مردم شد. همچنین فساد و رشوه خواری و آزادی عمل کارمندان دولت و حاکمان محلی برای دریافت مالیات (خراج) بر مشکلات مردم افزود. این در حالی بود که مردم و علما و روشنفکران هر روز نسبت به این وقایع آگاه و آگاه تر می شدند و تحمل این همه ظلم و ستم و استبداد را نداشتند و علیه آنها دست به اعتراض می زدند.^۳

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۲۵.

۲. همان، ص ۲۹.

۳. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۳۰؛ تشیع و مشروطیت در ایران، عبد الهادی حائری، ص ۱۳ -

۳- فقر و بیچارگی مردم: سیاستهای استعماری روس و انگلیس در ایران که به واسطه اعطای امتیازات، منابع مهم مالی، معدنی و اقتصادی ایران را در اختیار گرفته بودند از یکسو، مشکلات طبیعی و فقدان وسائل حمل و نقل داخلی و بلایای آسمانی از سوی دیگر، باعث سقوط و زوال اقتصاد ایران در زمان قاجاریه شده بود. در نتیجه در این برهه از تاریخ ایران، مردم در فقر و بیچارگی دست و پا می زدند و عده زیادی هر سال برای پیدا کردن کار به کشورهای دیگر می رفتند.^۱ ایران از نظر تجارت خارجی تا این زمان از وضعیت خوبی برخوردار بود، اما به علت پیشرفت علم و صنعت در اروپا، افزایش تولید در سطح انبوه و نیاز به بازارهای جدید، صادرات کالاهای اروپا به ایران سرازیر شد. این در حالی بود که کالاهای تولیدی داخلی قابل رقابت با آنها نبود. از این رو، تعادل صادرات و واردات ایران از میان رفته و صنایع داخلی رو به رکود و ضعف نهاده، از رونق افتاد. عده ای که در گذشته از این راه امرار معاش می کردند، بیکار شده، به تعداد بیکاران و بیچارگان افزوده شد. این فقر و فلاکت همراه با عیاشیها و خوشگذرانیهای پادشاهان، درباریان و والیان زمینه های مساعد و مناسب را برای مشروطیت آماده کرد.^۲

۴- نقش مطبوعات: یکی از زمینه های مهم نهضت مشروطیت و مشروطه طلبی در زمان قاجاریه که بیش از ابزارهای دیگر مؤثر واقع شد، نقش مطبوعات و رسانه های گروهی بود. روزنامه ها و نشریات به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی نقش مهمی در تغییر و تحولات اجتماعی معاصر و بویژه نهضت مشروطیت داشته اند.^۳

بعد از اقدامات امیرکبیر جهت تأسیس دارالفنون در ایران و اعزام عده ای دانشجویان به اروپا و آشنایی آنها به فن چاپ و نشر و فراگیری آن و برگشت به ایران، برای اولین بار «میرزا صالح شیرازی» اقدام به انتشار روزنامه در سال ۱۲۱۶ ه. ش (زمان محمد شاه در ایران) کرد و بدین طریق روزنامه نگاری از دست دولتمردان به دست روشنفکران غربگرا افتاد.^۴ این روزنامه ها و نشریات داخلی و خارجی به حکومت قاجاریه حمله کرده، از وضع سیاسی و اجتماعی ایران

→ ۱۴، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۲۸.

۲. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مهدی ملک زاده، ج ۱، ص ۱۳۴، تهران، علمی، ۱۳۵۸.

۳. مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، عبد الرحیم ذاکر حسین، ص ۴۰-۴۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

۴. نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجاریه، غلامرضا ورهرام، ص ۱۸۷، تهران، معین، ۱۳۶۷.

انتقاد می کردند و خواستار حکومت قانون بودند. این نشریات نقش مهمی در بسط و توسعه افکار جدید در ایران داشتند؛ به این معنی که آشنایی مردم از پیشرفته‌ها و تحولات مهم در اروپا باعث شد که از نوع حکومت استبدادی ایران، فقر و عقب ماندگی و ولخرجیهای پادشاهان قاجاریه نیز انتقاد کرده، خواستار الغای حکومت استبدادی در ایران باشند.^۱

مطبوعات داخلی و خارجی که در زمینه آگاهی و بیداری مردم در صدر مشروطیت نقش بیشتری داشتند عبارت بودند از: «اختر»، «عروة الوثقی»، «قانون»، «حبل المتین»، ثریا، آزاد، مدیر مظفری، ندای وطن، کشکول، عدالت، الحديد، لسان الغیب، غیرت و مساوات ... بیشتر این نشریات توسط روشنفکران طرفدار غرب منتشر می شدند.

۵- فعالیت گروهها و انجمنها: هر چند ممکن است در طول تاریخ ایران شاهد فعالیت گروهها و انجمنهای آشکار و پنهان باشیم، اما تا اوایل مشروطیت هیچ مجمع مخفی یا آشکار سازمان یافته‌ای در ایران وجود نداشت. در واقع، از این تاریخ است که کم کم گروهها و انجمنهای آشکار و پنهان شکل گرفته، تجمع و فعالیتهای مردم را علیه حکومت سازماندهی می کردند.^۲

گروهها و انجمنها در نخستین مراحل نهضت مشروطیت به وسیله روشنفکران و روحانیون شکل گرفتند و سهم مهمی در این نهضت ملی و مردمی داشتند، تا حدی که می توان گفت نهضت مشروطیت مدیون شکل گیری و فعالیتهای سزی و آشکار این گروهها بود.^۳

یکی از اولین کسانی که در این راه پیشقدم شد و اقدام به تشکیل انجمنی کرد «میرزا ملکم خان ناظم الدوله» بود. وی از عاملان و سرسپردگان انگلیس بوده و در سراسر زندگی خود برای آن کشور جاسوسی کرد. او موفق شد در سال ۱۲۳۷ ه. ش / ۱۸۵۸ م، فراموشخانه را در ایران تأسیس کند. علاوه بر فراموشخانه گروههای دیگری مانند انجمن مخفی، انجمن ملی، کمیته انقلاب، انجمن شهرستانها، مجمع سزی فراماسونها و مجمع «آدمیت»، قبل از نهضت مشروطیت در ایران تشکیل شده و نقش مهمی در رهبری، هدایت و روشنگری مردم داشته اند. بسیاری از رهبران مشروطه مانند آیت الله «طباطبایی»، «بهبهانی»، «ملک المتکلمین» و «سید جمال واعظ» عضو این گروهها و انجمنها بودند.^۴

۱. مطبوعات سیاسی در عصر مشروطیت، ص ۴۰-۵۲.

۲. نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجاریه، ص ۳۹۰.

۳. همان، ص ۳۹۱. ۴. همان، ص ۳۹۲-۴۱۲.

۶- **تلاش علما و روحانیون:** بدون هیچ شک و تردیدی باید گفت که نقش اساس و کلیدی در نهضت آزادی خواهانه و ضد استبدادی مشروطه، بر عهده علما و روحانیون بود. آنها با نفوذ روحانی و معنوی خود در جامعه مذهبی ایران توانستند نهضتی را علیه حکومت ظالمانه قاجاریه به راه اندازند که بعدها باعث تحولات زیادی در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران شد.^۱

بزرگترین و مهمترین چهره‌های روحانی مشروطه خواه را می‌توان «سید جمال‌الدین اسدآبادی»، «شیخ فضل‌الله نوری»، «آخوند خراسانی»، «حاج شیخ عبدالله مازندرانی»، «سید محمد طباطبائی»، «سید عبدالله بهبهانی»، «ملک المتکلمین» و «میرزا محمدحسن نایینی» نام برد. هر کدام از اینها به شکل خاصی مخالف حکومت استبدادی و خواهان نظام حکومتی مشروطه بودند. بعضی از این علما و روحانیون بزرگ با نوشتن کتابها و مقالات، زمینه‌های فکری مشروطیت را فراهم کرده و بعضی دیگر با شرکت و هدایت و رهبری نهضت مشروطیت نقش بسزایی در پیروزی و تداوم آن داشتند.^۲

۷- **روشنفکران غربگرا:** از زمینه‌های فکری مهم نهضت مشروطیت، فعالیت روشنفکران آزادیخواه و غربگرا بودند. نفوذ افکار غرب‌گرایی در ایران از نظر تاریخی به زمان شاهزاده «عباس میرزا» برمی‌گردد، زیرا در این زمان به علت پیشرفتهای علمی و صنعتی، تحولات مهمی در اروپا صورت گرفته بود. «عباس میرزا» و پیشکارش «میرزا ابوالقاسم قائم مقام» به این نتیجه رسیدند که اگر ایران بخواهد با کشورهای اروپایی مقابله کند، باید از نظر نظامی و صنعتی دست به نوسازی بزند. به همین دلیل در سال ۱۱۹۰ ه. ش / ۱۸۱۱ م، عده ای دانشجوی به انگلستان اعزام کردند.^۳

بعدها، پس از تأسیس دار الفنون توسط امیرکبیر، عده بیشتری جهت فراگیری علوم و تکنولوژی جدید به اروپا اعزام شدند. این عده علاوه بر یادگیری علوم و فنون جدید، با نوع حکومت و سیستم سیاسی آنجا نیز آشنا شده، پس از بازگشت به ایران، افکار جدید آزادی خواهی و روشنفکری غرب را در ایران رواج دادند. یکی از همین افراد روشنفکر و تحصیلکرده غرب به نام «میرزا صالح شیرازی» برای اولین بار در سال ۱۲۱۸ ه. ش / ۱۸۱۹ م، نخستین روزنامه فارسی و چاپخانه را در ایران تأسیس کرد.^۴

۱. جنبش مشروطیت در ایران، رسول جعفریان، انتشارات توس، قم، ۱۳۶۹.

۲. تشیع و مشروطیت در ایران، حائری، ص ۹۶-۱۳۶ - تنبیه الامة و تنزیه الملّة یا حکومت از نظر اسلام، محمدحسین نایینی، با توضیحات سید محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱.

۳. تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۹۶-۱۳۶.

۴. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۹-۱۹.

از دیگر روشنفکران غربگرا که در رواج افکار آزادی خواهی، ضد استبدادی و حکومت قانون در صدر مشروطیت در ایران نقش مهمی داشتند می‌توان «میرزا حسن خان سپهسالار»، «میرزا فتحعلی آخوندزاده»، «یوسف خان مستشار الدوله»، «میرزا ملکم خان ناظم الدوله» و «عبد الرحیم طالب‌اف» را نام برد.^۱

ب - زمینه های خارجی

۱- **سلطه اقتصادی بیگانگان در ایران:** اقتصاد سنتی ایران از دوران گذشته تا زمان قاجاریه بویژه ناصرالدین شاه متکی بر کشاورزی، صنایع دستی و مبادلات بازرگانی بود و وابستگی زیادی به خارج نداشت، اما تحولات و ترقی اروپاییان و رقابتهای روس و انگلیس در ایران باعث وابستگی اقتصادی ایران به بازارهای جهانی و بین‌المللی شد. در نتیجه، بازارهای محلی از بین رفته و صنایع دستی و کشاورزی سنتی کم‌کم نابود گردید و تجارت و بازرگانی خارجی، به صورت یکطرفه رشد سریعی پیدا کرد؛ کالاهای خارجی وارد بازار ایران شد. در مقابل، مصرف کالاهای تولید داخلی به علت قابل رقابت نبودن با نوع خارجی خود روز به روز به کاهش گرایید و برعکس، مصرف کالاهای خارجی بیش از پیش افزایش پیدا کرد.^۲

آزادی تجاری بیگانگان در ایران از یکسو و سیاست غارت منابع و مدیون کردن ایران به وسیله اعطای وامهایی با بهره زیاد به وسیله روس و انگلیس از سوی دیگر، در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه باعث سقوط و انحطاط اقتصاد سنتی و مستقل ایران شده، بر وابستگی ایران به بیگانگان و تسلط آنان بر شریان حیاتی کشور افزود.^۳

وابستگی اقتصادی ایران به کشورهای بیگانه، علاوه بر اینکه باعث بیکاری عده زیادی از دارندگان صنایع دستی داخلی شد، بر مشکلات توزیع کالا از طریق بندرهای جنوب در شهرهای مرکزی و شمالی به علت مشکلات حمل و نقل افزوده شد. این مسأله به شکل چشمگیری بر نارضایتی و فشار مردم افزوده، زمینه های لازم داخلی را برای نهضت مشروطیت فراهم کرد.^۴

۲- **نقش جنبشهای آزادی خواهی و مشروطه طلبی در جهان:** قبل از شروع نهضت مشروطه خواهی در ایران و همزمان با آن، جنبشهای آزادی خواهی و مشروطه طلبی در سایر نقاط جهان

۱. تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۲۶-۶۰. ۲. قیام تنباکو، ص ۴۱-۴۶.

۳. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۲۷.

۴. همان.

بویژه در کشورهای همسایه نیز آغاز شده بود که کشور ایران نمی‌توانست بی‌تأثیر از آنها باشد بطور مسلم، مردم ایران نیز تحت تأثیر این جریان آزادی‌خواهی جهانی بوده‌اند و می‌توان گفت مشروطه ایران از نظر خارجی دنباله و ادامه سیر همان جنبشهای مشروطه‌خواهی بود که در بسیاری از کشورهای جهان در آن زمان در حال گسترش و وقوع بود.^۱

در قرن نوزده و بویژه در نیمه دوم آن و اوایل قرن بیستم، جنبشها و نهضت‌های زیادی در سایر کشورهای دنیا در حال شکل‌گیری یا پیمودن مراحل آخر پیروزی خود بودند که از جمله آنها نهضت مشروطه در روسیه، عثمانی، هند، مصر و ژاپن بودند. روند مشروطه در دو کشور همسایه ایران یعنی روسیه و عثمانی تأثیر بسزایی در ایران داشت، زیرا مردم ایران از گذشته‌های دور روابط نزدیک سیاسی و تجاری با این دو کشور داشته و روشنفکران زیادی از ایران در این کشور و همچنین هند و مصر ساکن یا در حال تردد بودند. آنها روزنامه‌هایی نیز در آنجا منتشر می‌کردند که بعضی از آنها بطور مخفی یا آشکار وارد ایران می‌شد. در این نشریات، ایرانیان مقیم آن کشورها با الهام از آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی، مطالبی را نوشته و جهت اطلاع مردم به ایران می‌فرستادند که تأثیر زیادی در ایران داشت و مهمترین آنها از عثمانی، مصر و هند وارد ایران می‌شد.^۲

۳- حمایت انگلیس از نهضت مشروطیت: بعد از جنگ‌های ایران و روس و تحمیل قراردادهای صلح گلستان و ترکمنچای که در هر دو قرارداد تأکید به حمایت از پادشاهی «عباس میرزا» شده بود، روسیه به واسطه همین معاهده‌های رسمی نفوذ زیادی در ساختار حکومتی و سیاسی ایران پیدا کرده و راحتی در حکومت پادشاهان قاجار اعمال نفوذ می‌کرد. انگلستان از این جهت احساس نگرانی کرده، همواره در فکر توسعه نفوذ خود در ایران بود.

بعد از شکل‌گیری نهضت مردمی مشروطیت، انگلیس نیز به علت ضد استبدادی بودن آن که در واقع مخالفت ضمنی با روسیه بود، با آن همراه شد و از مشروطه خواهان حمایت کرد. انگلیسیها تمایل داشتند که یک دگرگونی اساسی در ساختار سیاسی ایران پدید آید تا حکومت قاجاریه که تحت سلطه و حمایت روسها بود، تضعیف شده و نیروهای تحصیلکرده لیبرال و روشنفکران وابسته به سیاستهای انگلیس قدرت را در دست گیرند.^۳

هدف دولت انگلیس از حمایت از نهضت مشروطه طلبی در ایران این بود که ضمن کاهش نفوذ روسیه در ایران، موقعیت خود را به عنوان قدرت برتر در سیاست ایران تثبیت کند. دولت

۱. تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۱۱-۲۵.

۳. جنبش مشروطیت ایران، ص ۷۵-۷۷.

استعمارگر انگلیس در راستای این هدف از نهضت مشروطه حمایت کرده و کمک بزرگی نیز برای پیروزی آن نمود که نمونه بارز آن حمایت و تشویق مردم از تحصن در سفارت انگلیس در تهران و در اختیار قرار دادن امکانات لازم برای آنها بود.^۱

پرسش

۱. دو زمینه کلی نهضت مشروطیت را نام ببرید.
۲. زمینه‌های داخلی نهضت مشروطیت را بنویسید.
۳. نقش گروه‌ها و انجمن‌ها در روند نهضت مشروطیت چه بود.
۴. زمینه‌های خارجی نهضت مشروطیت را نام برده، بطور مختصر توضیح دهید.
۵. نقش علما و روشنفکران غربی را در نهضت مشروطیت بطور کامل شرح دهید.

۱. همان، ص ۶۴-۲۲۳، (اقتباس)

درس ششم

نهضت مشروطیت (۲)

سالها بود که زمینه‌های نهضت مشروطیت مهیا شده بود. مردم ایران که از ظلم و استبداد و فقر و بیچارگی خود از یکسو و نفوذ و تسلط همه جانبه بیگانگان در امور داخلی ایران و زیانهای ناشی از آن از سوی دیگر، آگاه شده بودند منتظر فرصت بودند تا قیام و شورش علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی را آغاز کنند.

زمینه حرکت و تحول همه‌جانبه در ساختار سیاسی - اجتماعی ایران که از قبل آماده شده بود، نیاز به نقطه شروع و جرقه‌ای داشت تا خشم و نفرت مردم را آشکار کند. هر حادثه و واقعه‌ای که در هر گوشه‌ای از کشور رخ می‌داد، مردم آن را از چشم دولت و کارگزاران آن می‌دیدند و فریاد خود را علیه آن بلند می‌کردند. گروهها، انجمنها، مجامع، علما و روشنفکران همه «حکومت قانون» را تبلیغ می‌کردند و نفرت و انزجار خود را بر ضد رژیم حاکم در روزنامه‌ها و شب‌نامه‌ها به صورت آشکار و پنهان می‌نوشتند و خواستار آزادی و مشروطه خواهی بودند. سرانجام، روز موعود فرا رسیده و حوادثی چند باعث شروع نهضت مشروطیت شد.

جرقه‌های نهضت

الف - واقعه کرمان

در کرمان، علاوه بر اقلیتهای مذهبی مانند زردشتی و یهودی، فرقه‌هایی از مسلمانان به نام «شیخیه» و «صوفیه» زندگی می‌کردند. در این زمان و در ماه محرم و صفر یکی از وعاظ، آنان را خارج از دین اسلام دانست. این گروهها که مورد حمایت شاهزاده «رکن‌الدوله» حاکم وقت کرمان بودند، زمینه تبعید و اعط مذکور (شیخ شمشیری) را فراهم کردند، اما مردم کرمان و علما،

شیخ را مورد تأیید قرار دادند و درگیری نسبتاً شدیدی بین شیخیه و شیعیان رخ داد که چند نفر از شیخیه کشته شدند. به دنبال این حادثه، «رکن الدوله» عزل شد و ظفر السلطنه جانشین او شد. حاکم جدید، حاج محمد رضا مجتهد کرمانی که یکی از روحانیون بزرگ کرمان بود و از شمشیری حمایت کرده بود را به اتفاق چند نفر به دارالحکومه برده و آنها را کتک زد.^۱

این اقدام حاکم جدید مورد اعتراض مردم کرمان و سراسر کشور قرار گرفته و بهانه‌ای برای اعتراض علیه حکومت شد. علمای تهران بویژه آیت الله طباطبایی و آیت الله بهبهانی بر اعتراض خود به عین الدوله - صدر اعظم - افزودند و زمینه مناسب برای شروع نهضت فراهم شد.^۲

ب - حادثه نوز بلژیکی

«مسیو نوز بلژیکی» که مدت چند سال برای اصلاح امور گمرکی در ایران به سر می برد و در مدت کوتاهی با کمک عوامل روسی بر کل گمرکات ایران مسلط شده بود و روابط بسیار نزدیکی با درباریان و روسها داشت، در یکی از مجالس لباس روحانیون را پوشیده و با آن عکس گرفته بود. این عکس به تعداد زیادی چاپ شد و در اختیار مردم قرار گرفت. انتشار این عکس که یک کافر لباس روحانی به تن کرده بود، اهانت بزرگی به روحانیت تلقی می شد و از طرفی هم چون مردم به علت اقدامات سختگیرانه او در امور گمرکی دل خوشی از او نداشتند، اعتراضات شدیدی را علیه او برانگیخت. مردم و روحانیون فرصت را غنیمت شمرده، در همه جا دست به تبلیغات وسیع علیه او زده، خواستار مجازات او شدند. حکومت سعی می کرد این قضیه را ناچیز جلوه دهد، اما مردم و روحانیون آن را وسیله‌ای برای ادامه مبارزه قرار داده، در جهت روند نهضت از آن به شکل شایسته‌ای استفاده کردند.^۳

ج - تخریب بانک استقراضی روس

یکی از حوادث مهمی که در این زمان در تحریک احساسات مردم مؤثر واقع شد، احداث بانک استقراضی روس در یک زمین وقفی و در قبرستان مسلمانان بود.^۴ روس و انگلیس که در گرفتن امتیازات از ایران با هم رقابت داشتند، در محل بنای بانک نیز با هم رقابت می کردند و سعی می کردند آن را در بهترین نقطه تهران تأسیس کنند. به همین دلیل،

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی، ج ۲، ص ۹۳.

۲. همان، ص ۹۷.

۳. همان، ص ۹۵.

۴. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مهدی ملک زاده، ج ۱، ص ۲۲۳، انتشارات علمی.

بهترین مکان برای بانک روسی، قبرستان بازار امیر تهران تشخیص داده شد. روسها خانه‌های اطراف آن را خریده و قبرستان را تصرف کردند و شروع به تخریب آنجا نمودند. تصرف و حفاری قبرستان مسلمانان در زمین وقفی به وسیله کُفار توهینی آشکار به مقدسات مسلمانان بود و به همین دلیل روحانیون و طبقات مختلف مردم علیه دولت و بانک روسی قیام کرده، آن را خلاف شرع دانستند و از دولت خواستار جلوگیری این عمل نامشروع شدند. پس از اینکه دولت به درخواست آنها ترتیب اثر نداد، مردم به راهنمایی علما و روحانیون شبانه به محل مذکور هجوم برده، ساختمان نیمه کاره بانک را ویران کردند. هر چند رئیس بانک نزد صدر اعظم شکایت کرد، اما با فشار مردم و علما نتوانست کاری از پیش ببرد.^۱

د - تنبیه تاجران

در دوران قاجاریه، بیشتر قند مصرفی ایران از روسیه تأمین می شد. روسیه نیز در این مقطع تاریخی در حال جنگ با ژاپن - جنگ ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ م - بود به همین دلیل واردات قند از کشور روسیه کم و یا قطع شده و قند در ایران، بویژه تهران، گران شده بود. «علاءالدوله» حاکم تهران که مردی مستبد، قلدر و ستمگر بود، تصمیم گرفت چند نفر از تاجران معروف قند را به دار الحکومه دعوت کرده و علت گران شدن قند را از آنها سؤال کند، اما هدف اصلی او این بود که تاجران را که در جریان «مسیو نوز بلژیکی» سرکشی کرده بودند، گوشمالی دهد تا برای دیگران درس عبرت شود.^۲ وی از میان تاجران دعوت شده، چهار نفر را که تاجر قند بودند، انتخاب کرد و دستور داد که به فلک بسته، شلاق بزنند. بی احترامی و کتک زدن تاجران خوش نام بازار بویژه «حاج سید هاشم قندی» که به دیانت و صداقت مشهور بوده، باعث اعتراض شدید مردم و تعطیلی بازار و تجمع در مسجد شاه (مسجد امام خمینی (ره)) شد.^۳

مهاجرت صغری

بدنبال کتک خوردن تاجران و تعطیلی بازار، مردم در مسجد شاه (مسجد امام خمینی (ره) فعلی) جمع شده و از سید جمال واعظ که سخنران مشهور آن زمان بود، دعوت کردند تا سخنرانی کند.

۱. همان، ص ۲۲۴.

۲. تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، ج ۱، ص ۳۳۱، بی نا، بی تا.

۳. تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۳۳۲.

هدف این اجتماع که آیت الله سید محمد طباطبایی و آیت الله سید عبدالله بهبهانی نیز در آن حضور داشتند، تقاضای جلوگیری از ظلم و استبداد حکام به مردم و درخواست تشکیل عدالتخانه از سوی دولت بود، اما در میان سخنرانی سید جمال، با اشاره امام جمعه که یکی از روحانیون وابسته به دربار بود، عده‌ای چماقدار به مردم هجوم برده و آنها را در تاریکی شب پراکنده کردند.^۱ بعد از حادثه اسفبار مسجد شاه که با اهانت کامل علیه مردم و روحانیون بزرگ صورت گرفته بود، مردم دیگر جای امنی برای تجمع و اعتراض خود نداشتند و به همین دلیل آیت الله طباطبایی پیشنهاد کرد که برای جلوگیری از توطئه‌های کارگزاران رژیم در آستانه حضرت عبدالعظیم متحصن شوند و این پیشنهاد از سوی آیت الله بهبهانی و مردم پذیرفته شد. عین الدوله که از مهاجرت مردم اطلاع پیدا کرده بود، قصد جلوگیری از آن را داشت، اما موفق نشد؟

سرانجام، مردم و علما در تاریخ ۱۶ شوال ۱۳۲۳ ه. ق / ۱۲۸۴ ه. ش، هجرت خود را از تهران به سوی حضرت عبدالعظیم شروع کردند و در آنجا متحصن شدند. جمعیت مهاجرین زیاد بود و هر روز بر تعداد آنها افزوده می شد. «عین الدوله» قصد داشت که آنها را به تهران بازگرداند، اما این بار هم نتوانست. متحصنین چند خواسته داشتند که عمده ترین آنها عبارت بود از: تأسیس عدالتخانه، اجرای قانون اسلام درباره آحاد مردم، عزل مسیو نوز بلژیکی از ریاست گمرکات، عزل علاء الدوله از حکومت تهران، لغو مالیات بر مواجب، بازگرداندن حاج محمد رضا مجتهد کرمانی به این شهر شدند.^۲

مظفر الدین شاه پس از اطلاع از درخواستهای آنان با همه آنها موافقت کرد، ولی عین الدوله حاضر نبود دستور شاه را اجرا کند و به همین منظور سه روز در مورد اجرای فرمان شاه مهلت خواست و قصد داشت که در این مدت انقلابیون را پراکنده کند و در نتیجه، مسأله منتفی شده و عزل علاء الدوله نیز اجرا نشود.^۳

سرانجام پس از قبول درخواستها متحصنین، آنها به اتفاق دو رهبر روحانی خود با کالسکه سلطنتی و با استقبال بی نظیر مردم به تهران بازگشتند و به این ترتیب تحصن یک ماهه با پیروزی و موفقیت کامل و با پذیرش تمام درخواستهای آنان از سوی مظفر الدین شاه به پایان رسید و مردم به مناسبت این پیروزی شهر تهران را چراغانی کردند.^۴

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۱۰۰.

۲. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۱۰۲-۱۰۶. (درخواستهای متحصنین در پاورقی صفحه ۱۰۶ این منبع آمده است).

۳. همان، ۱۰۷.

۴. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲، ص ۳۰۹.

مهاجرت کبری و اوج‌گیری مبارزات

بعد از پذیرش درخواستهای مهاجرین از سوی شاه و بازگشت آنها به تهران، همه فکر می‌کردند که «عین الدوله» از موضع خصمانه خود علیه مردم و علما دست بر می‌دارد، اما چنین نشد و او همچنان به مخالفت خود ادامه داد. وی بعضی از خواستهای مخالفین مثل عزل حاکم تهران را انجام داد، ولی شخصی به نام «نیر الدوله» را که بدتر از علاء الدوله بود، انتخاب کرد و اجرای خواستهای دیگر را بطور کلی به فراموشی سپرد و به اعمال خشونت آمیز خود ادامه داد و سید جمال واعظ را تبعید کرد. اعمال عین الدوله نه تنها باعث ترس و وحشت مردم نشد، بلکه آزادی خواهان را به حرکت بیشتر و ادامه نهضت تشویق کرد.^۱

یکی از حوادث مهمی که در این زمان بر شدت مخالفت مردم برای مبارزه افزود، قتل یک طلبه جوان به دست سربازان حکومت بود. حادثه از این قرار بود که حاج شیخ محمد واعظ که از سخنرانان مشهور آن زمان بود و نقش مهمی در بیداری مردم داشت، توسط نیروهای امنیتی رژیم دستگیر و به سرباز خانه برده شد. طلبه‌های جوان برای رهایی او به محل بازداشت وی حمله بردند و بر اثر درگیری، یکی از آنها به نام «سید عبد الحمید» به قتل رسید. مردم جنازه او را بر سر دستها گرفته و به مسجد بردند و بر مخالفت خود با رژیم افزودند.^۲

قتل این طلبه جوان بر احساسات و مخالفت مردم افزود و آنها در مسجد شاه اجتماع کردند. در این هنگام شیخ فضل الله نوری نیز به مردم و آیات عظام طباطبایی و بهبهانی پیوست. عین الدوله باز هم تصمیم گرفت به زور متوسل شود و بنا به دستور او سربازان حکومت، مسجد را محاصره کردند. اطراف مسجد به وسیله نیروهای مردمی سنگر بندی شد و مردم به مقاومت خود ادامه دادند. درگیری شدیدی آغاز شد و حدود صد نفر از مردم کشته شدند و با شجاعت و رشادت بی نظیر آیت الله بهبهانی، مبارزه در مسجد ادامه پیدا کرد. شاه و عین الدوله تلاش کردند که مردم از مسجد خارج شوند. علما نیز سه راه به او پیشنهاد کردند: یا کاری به آنها نداشته باشند یا دستور گشایش مجلس را بدهند یا به آنها امنیت داده شود تا از شهر خارج شوند که سوّمی از سوی حکومت پذیرفته شد.^۳

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی، ج ۲، ص ۱۰۸-۱۱۲.

۲. انقلاب مشروطیت، عبد الله جاسبی، ص ۳۵، انتشارات حزب جمهوری اسلامی، بی تا، بی جا.

۳. همان، ص ۳۶.

وقتی مردم دیدند حتی در خانه خدا هم امنیت ندارند، چاره کار را خروج از تهران دانستند و به همین دلیل پیشنهاد آیت الله طباطبایی مبنی بر هجرت به قم مورد موافقت قرار گرفت. این مهاجرت - در تاریخ دوشنبه بیستم تیرماه ۱۲۸۵ ه. ش برابر با ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۴ ه. ق - با حضور سه هزار نفر از مردم از تهران به سوی قم انجام شد و به «مهاجرت کبری» مشهور گشت. عین الدوله قصد داشت که بین روحانیون تفرقه و جدایی بیندازد، اما در این کار خود نیز شکست خورد، زیرا شیخ «فضل الله نوری» هم به مهاجرین پیوست و همه علما و روحانیون آزادی خواه و مشروطه طلب همراه مردم بودند. با توجه به اینکه بسیاری از کارهای روزمره مردم در آن زمان به دست روحانیون انجام می شد، با هجرت آنها بیشتر امور مردم مختل شده و مشکلات زیادی به وجود آمد.^۱

یکی دیگر از حوادث مهم در این زمان، تحصن مردم در سفارت انگلیس بود. با توجه به اینکه علمای بزرگ تهران، پناهگاه مردم در مقابل فشارها و تهدیدهای «عین الدوله» بودند و آنها هم در قم به سر می بردند، عده ای تصمیم گرفتند، برای در امان ماندن از فشار وی به سفارت انگلیس پناه ببرند و در آنجا تحصن اختیار کنند. انگلستان که در حال رقابت با روس بر سر قدرت در ایران بود، کمکه های زیادی به مشروطه خواهان متحصن در سفارت کرد و از خواسته آنها حمایت کرده، به دولت جهت بر آوردن خواسته های آنان فشار آورد.^۲

پس از چندی که از هجرت کبری و تحصن در سفارت انگلیس گذشت، مظفرالدین شاه اطلاع پیدا کرد که عده زیادی از مردم و حتی سربازان به صف مبارزان پیوسته اند و به همین دلیل خواسته های متحصنین را جویا شد. آنها پنج مورد را اعلام کردند که بر کناری «عین الدوله» و تشکیل عدالتخانه در رأس خواسته های آنان بود.^۳

پیروزی نهضت و صدور فرمان مشروطیت

عزل «عین الدوله» که روابط نزدیکی با شاه داشت، برای مظفرالدین شاه بسیار مشکل و گران بود، ولی چاره دیگری وجود نداشت. در این میان، عین الدوله بسختی در مقابل درخواستهای متحصنین در قم و سفارت انگلیس مقاومت کرده، سعی داشت هر طوری که شده در مقام صدر اعظمی باقی مانده، استعفا ندهد.

۱. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲، ص ۳۶۴. ۲. جنبش مشروطیت ایران، ص ۱۰۵ - ۱۲۴.

۳. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۵۷.

سرانجام، مظفر الدین شاه دستور عزل «عین الدوله» را صادر کرده، دو نفر از بزرگان قاجار را به قم فرستاد تا علما و مردم را به تهران بازگردانند و در همین حال، فرمان مشروطیت را نیز صادر کرد، اما چون فرمان او گنگ و نامفهوم بود مردم قبول نکردند و شاه ناچار شد فرمان تکمیلی را بصراحت تأکید بر تشکیل مجلس شورای اسلامی داشت، صادر کند.^۱ (۱۲۸۵ ه. ش / ۱۳۲۴ ه. ق.) بدین ترتیب، با صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورا، حکومت استبداد کبیر تبدیل به مشروطه شد و فرمان مشروطیت به امضای «محمد علی میرزا» (ولیعهد) نیز رسید و «میرزا نصرالله خان مشیر الدوله» به نخست‌وزیری برگزیده و مأمور انجام مقدمات برای تشکیل مجلس شورا شد. او با کمک دو فرزند تحصیلکرده خود و چند نفر دیگر^۲ اولین قانون انتخابات را نوشت. و انتخابات تهران که به صورت صنفی بود، برگزار شد. شصت نفر نماینده از گروه‌های روحانیون، اعیان، بازرگانان، کشاورزان و پیشه‌وران انتخاب شدند و مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۴ مهر ۱۲۸۵ در کاخ گلستان و با حضور شاه و بانطق کوتاه او افتتاح شد و نهضت مردم به پیروزی رسید.^۳

حوادث بعد از مشروطیت

الف - استبداد صغیر

«مظفرالدین شاه» ده روز پس از امضای قانون اساسی مشروطیت درگذشت و فرزندش «محمد علی میرزا» با عنوان محمد علی شاه به پادشاهی رسید. وی هر چند ابتدا از طرفداران مشروطه بود و قانون اساسی را نیز امضا نمود و سوگند یاد کرده بود که با اساس مشروطه مخالفت نکند، اما پس از به قدرت رسیدن، تغییر رویه داده با مشروطه و مجلس شورای ملی مخالفت کرد. او ابتدا «میرزا علی اصغر اتابک» مشهور به «امین السلطان» را که مخالف مشروطه بود، از اروپا فرا خوانده به نخست‌وزیری منصوب کرد، اما «امین السلطان» به دست فردی به نام «عباس آقا صراف تبریزی» به قتل رسید. پس از این واقعه، مخالفت محمد علی شاه با مشروطه و مجلس بیشتر شد. او پس از اینکه چندین بار سوگند یاد کرده و پشت قرآن سوگند نامه نوشت، ولی

۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۲۰.

۲. این افراد عبارت بودند از: میرزا حسن خان و میرزا حسین خان فرزندان مشیر الدوله و صنیع الدوله مرتضی قلی خان و دو برادر او مهدی قلی خان و محمد قلی خان.

۳. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۵۶-۵۸.

سرانجام به بهانه گرمی هوا به باغ شاه رفت و با کمک «لیاخوف» روسی در سال ۱۲۸۶ از آنجا مجلس را به توپ بست و بعضی از نمایندگان مجلس کشته شده و عده‌ای دیگر زندانی یا تبعید شدند. بدین ترتیب «استبداد صغیر» تشکیل شد. اما پس از چندی مردم تبریز، رشت، اصفهان و سایر نقاط دیگر ایران مبارزه را علیه محمدعلی شاه آغاز کردند و سرانجام در تاریخ ۲۳ تیر ۱۲۸۸ ه. ش، تهران را تصرف کرده و محمد علی شاه به سفارت روس پناهنده شد. سران مشروطیت نیز او را از پادشاهی عزل و پسر دوازده ساله اش «احمد میرزا» را با نام «احمد شاه» به سلطنت برگزیدند.^۱

ب - شهادت شیخ فضل الله نوری

شیخ فضل الله نوری از روحانیون برجسته ای بود که از اوایل نهضت مشروطیت در آن شرکت داشت و در هجرت کبری نیز در کنار مردم و سایر علما بود. او در تنظیم و تدوین قانون اساسی مشروطه و متمم آن سهم بسزایی داشت و نظارت پنج نفر از مجتهدین بر قوانین مجلس، حاصل تلاش این عالم وارسته و آزادی خواه بود.^۲

وی پس از اینکه دید مشروطه از اهداف خود منحرف شده و خلاف اسلام عمل می‌کند، راه تبلیغ علیه آن را در پیش گرفت و در حضرت عبد العظیم تحصن اختیار کرد و خواهان «مشروطه مشروعه» شد، اما روشنفکران غربی که میراث خوار نهضت شده بودند نمی‌توانستند تحمل چنین اندیشه خالص اسلامی را داشته باشند و چون افکار او را خلاف اهداف خود دیدند پس از سقوط استبداد صغیر وی را به محاکمه کشیده و در دادگاه خود او را به اعدام محکوم کردند. حکم صادر شده به اجرا گذاشته شد. بدین ترتیب آنان صاحب تفکر «مشروطه مشروعه» را در کشور اسلامی و به بهانه ضد مشروطیت از سر راه افکار لیبرالیستی و غربی خود برداشتند.^۳

ج - احمد شاه و تغییر سلطنت در ایران

در زمان پادشاهی احمد شاه (۱۲۸۸ ه. ش تا ۱۳۰۴ ه. ش) مردم ایران حوادث زادی را پشت سر گذاشتند. قراردادهای بیگانگان^۴ در مورد ایران و اشغال کشورمان از سوی متفقین در جنگ اول

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۶۰-۶۴.

۲. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۱۲۹-۱۴۵.

۳. همان، ص ۱۹۹.

۴. انعقاد قراردادهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۹ و ۱۹۲۱ در این زمان بود.

جهانی از یکسو و هرج و مرج و شورشهای داخلی از سوی دیگر، زمینه‌های دیکتاتوری را فراهم کرده بود. رضا خان میر پنج که از سوی احمد شاه لقب «سردار سپه» گرفته بود، هر روز قدرتمندتر می‌شد و راه را برای به دست‌گیری سلطنت آماده می‌کرد. او ابتدا شعار جمهوری خواهی سر داد، اما پس از مدت کوتاهی از آن دست کشیده، به پادشاهی روی آورد و کم‌کم زمینه‌های خلع احمد شاه را که مدت طولانی در اروپا بود، فراهم کرد.^۱

سرانجام، در نهم آبان ۱۳۰۴ گروهی از نمایندگان ماده واحده‌ای تقدیم مجلس کرده و با تصویب آن سلطنت را از پادشاهان قاجار خلع کرده و به رضا خان پهلوی واگذار کردند. بدین ترتیب، بساط حکومت قاجار از صحنه تاریخ ایران برچیده و حکومت پهلوی جانشین آن شد.^۲

پرسش

۱. حوادثی را که باعث شروع نهضت مشروطیت شد شرح دهید.
۲. هجرت صغری را شرح داده و نتایج حاصل از آن را بنویسید.
۳. چه چیزهایی باعث هجرت کبری شد؟ آنها را شرح دهید.
۴. نتایج حاصل از هجرت کبری را بطور کامل توضیح دهید.
۵. حوادث بعد از صدور فرمان مشروطیت را به اختصار بنویسید.

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۹۷-۱۱۱. ۲. همان، ص ۱۱۲-۱۱۳.

درس هفتم

دوره رضاخان

یکی از حوادث مهم تاریخ سیاسی معاصر ایران، چگونگی به قدرت رسیدن رضاخان پهلوی و دیکتاتوری شانزده ساله اوست. پس از انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷م/ ۱۲۹۶ه. ش، و خارج شدن آن کشور از صحنه رقابت سیاسی در ایران، انگلستان در صدد برآمد که قدرتهای متعدد محلی و جنبشها و نهضتهای ملی و مذهبی را سرکوب کرده، یک قدرت مرکزی قوی و مقتدر و طرفدار خود در ایران تشکیل دهد تا در پناه آن، بهتر بتواند منافع و سلطه خود را در کشورمان حفظ کند. در راستای اجرای این سیاست، پس از مطالعات مقدماتی از میان افرادی که برای چنین امر خطیری در نظر گرفته شده بودند، «رضا خان پهلوی» برگزیده شد. وی که یک سرهنگ تیپ قزاق ایران و فردی فرصت طلب بود، با آنها همگام شده، کم کم پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی کرده، به قدرت رسید. دوران حکومت او همراه با استبداد، سرکوبی و قتل و غارت مردم از یکسو و رواج فرهنگ بیگانه و غربی از سوی دیگر است که در این درس به گوشه‌هایی از آنها اشاره خواهیم کرد.

اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در اواخر سلطنت احمد شاه

پس از پیروزی انقلاب مشروطیت و استقرار حکومتهای بظاهر مشروطه و ملی، مردم ایران انتظار استقلال، آزادی و رفاه بیشتر مادی و تأمین حداقل زندگی را داشتند، اما پس از مدتی که از عمر مشروطه گذشت، نه تنها چنین وضعی حاصل نشد، بلکه روز به روز بر مشکلات، گرفتاریها و تنگناهای آنها افزوده شد. با ظهور قدرت تجاری و اقتصادی آلمان در ایران، کشور ما درگیر مناقشات فزاینده منافع متضاد دولتهای روس، انگلیس و آلمان شد. قبل از شروع جنگ جهانی

اول، اختلاف میان آلمان و روسیه از یکسو و انگلیس و آلمان از سوی دیگر، ایران را به صحنه رقابت اقتصادی و سیاسی این کشورها تبدیل کرد که مشکلات و گرفتاریهای مردم را افزایش داد.^۱ در آغاز جنگ جهانی اول، هر چند دولت ایران بی طرفی کشورمان را اعلام کرده بود، اما کشورهای درگیر در جنگ آن را نادیده گرفته و ایران را مورد تجاوز قرار دادند. روسیه و انگلستان از شمال و جنوب و دولت عثمانی از شمال غرب، ایران را مورد تاخت و تاز قرار داده و به صحنه درگیری بین خود تبدیل کردند. در این زمان که استقلال کشور دستخوش متجاوزان قرار گرفته بود، دولت ایران از نظر سیاسی در ناتوانی کامل به سر می برد و قادر به هیچ گونه واکنشی در مقابل آنها نبوده، کشور در حال هرج و مرج و بحران بود.^۲

در چنین موقعیتی، اوضاع اقتصادی به شدت رو به وخامت گراییده، تسلط بیگانگان بر شریانهای حیاتی کشور هم باعث تشدید بحران سیاسی و اقتصادی شده بود. خرابیهای ناشی از جنگ و اشغال کشور و قطع روابط بازرگانی با خارج، مردم را به ستوه آورده بود. خزانه کشور خالی شده، کشاورزی به حالت رکود درآمده، قیمت کالاهای روزانه به چندین برابر رسیده بود و در نتیجه قحطی و گرسنگی بیشتر بخشهای کشور را فرا گرفته بود. مشکلات ناشی از اشغال بیگانگان از یکسو و شیوع بیماریهای مسری و واگیر و بی کفایتی دولتمردان کشور از سوی دیگر، باعث شده بود تا افرادی در گوشه و کنار کشور با انگیزه مقابله با متجاوزان و بازگرداندن استقلال سیاسی کشور دست به شورش زده، نهضتهایی را برپا کنند.^۳

میرزا کوچک خان جنگلی با تشکیل «کمیته اتحاد اسلام» در گیلان، شیخ محمد خیابانی با برپایی «کمیته ملی» در تبریز با متجاوزان در حال نبرد بودند. همچنین سرهنگ محمدتقی خان پسین در خراسان سر به شورش زده، علیه حکومت مرکزی ایران مبارزه می کرد. دلیران دشتستان و تنگستان نیز در جنوب علیه نیروهای متجاوز انگلیسی به مبارزه برخاستند تا در مقابل آنان از اسلام و استقلال و تمامیت ارضی کشور دفاع کنند. همه این رویدادها و مشکلات باعث شد که رضاخان خود را در ظاهر به عنوان ناجی ایران مطرح کرده، به کمک و با حمایت کامل انگلیسیها در فکر به دست گیری قدرت در ایران باشد.^۴

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۸۲ (اقتباس) ۲. همان.

۳. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، ص ۱-۴، طرح نو، تهران، ۱۳۷۲.

۴. تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، ج ۱، ص ۳۴-۸۱ امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸.

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه. ش

پس از مخالفتها و جنبشهای مردمی برای مقابله با حضور بیگانگان در ایران، بویژه حضور استعمارگر انگلیس، و مخالفت شدید با قرار داد ۱۲۹۸ ه. ش / ۱۹۱۹ و ثوق الدوله - کاکس، انگلیس دریافت که نمی تواند قدرت خود را بطور مستقیم بر ایران تحمیل کند. به همین دلیل، تصمیم گرفت به صورت غیر مستقیم و از طریق تمرکز قدرت در ایران، به وسیله یکی از افراد فرصت طلب این کار را به انجام برساند. خروج روسیه از صحنه رقابت سیاسی ایران و شکست کامل آلمان در جنگ اول جهانی، راه اجرای چنین سیاستی را برای آن کشور هموار کرد؛ فقط آنچه اهمیت داشت، چگونگی انتخاب و به قدرت رساندن فرد مورد نظر آنها بود.^۱

سرانجام، پس از بررسیها و تماسهای مختلف با افراد متعدّد و مورد نظر، سرهنگ «رضاخان» و «سید ضیاءالدین طباطبایی» را برای این امر مهم در نظر گرفتند تا با کمک این دو با یک کودتای بدون خونریزی قدرت را در دست گرفته، حکومت مورد نظر خود را در ایران تشکیل دهند. انتخاب این دو از سوی ژنرال «آیرون ساید» انگلیسی بسیار دقیق و حساب شده بود. رضا خان که یک فرد نظامی و دیکتاتور بود، ابتدا به فرماندهی قزاقهای ایران انتخاب شد و سپس دستور حرکت او و نیروهایش به سوی تهران صادر گشت. تیپ قزاق ایران به فرماندهی او در سوم اسفند ۱۲۹۹ ه. ش، تهران را محاصره کرده، شهر را به تصرف خود درآورد و رضا خان از سوی احمد شاه لقب «سردار سپه» گرفت.^۲

پس از آن، سید ضیاء بی درنگ، «دولت کودتا» را تشکیل داده، دست به اقداماتی جهت موجه و ملی نشان دادن دولت خود زد، از جمله: قرار داد «و ثوق الدوله - کاکس» را لغو کرد، دستور داد تمام تابلوهای مغازه ها به فارسی نوشته شوند و همه زنان نقاب داشته باشند. اما پس از چندی بین رضاخان و او اختلاف به وجود آمد. سردار سپه کم کم در صدد برآمد که قدرت را بطور کامل در دست گیرد. وی در این جهت دست به اقداماتی زد، از جمله با فئودالها و ثروتمندان زندانی و احمد شاه ارتباط برقرار کرد تا راه صعودش را هموار کند. سرانجام هنگامی که «سید ضیاء» با کمک فرماندهان نظامی شهرهای اطراف و نزدیک تهران قصد کودتا و برکناری «رضا خان» را داشت، حکم عزلش از سوی «احمد شاه» صادر شده، توسط نیروهای قزاق از ایران تبعید شد.^۳

۱. همان، ص ۹۷.

۲. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی، کمبریج، ص ۱۲.

۳. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی، کمبریج، ص ۹۹-۱۰۰.

نخست‌وزیری رضاخان و شعار جمهوری خواهی

بعد از برکناری و تبعید «سید ضیا» چندین دولت روی کار آمد، اما همه آنها به دلیل نفوذ وزیر جنگِ قدرتمند (رضاخان) نتوانستند بیش از چند ماهی دوام بیاورند. سردار سپه که مهره سر سپرده انگلستان بود، با کمک آن دولت روز به روز بر قدرتش افزود تا اینکه سرانجام موفق شد فرمان نخست‌وزیری را از احمد شاه گرفته، کابینه خود را تشکیل دهد. پس از اینکه او مدتی در این پُست باقی ماند، شعار «جمهوری خواهی» را سر داد. رضاخان و طرفداران او در مجلس و خارج از آن خواستار تشکیل «حکومت جمهوری» در ایران به ریاست او شدند. هر چند در این زمان انتخابات مجلس پنجم با دخالت سردار سپه انجام گرفته بود، ولی اعضای مجلس دو گروه بودند: گروه اکثریت به رهبری «سید محمد تدین» از رضاخان و جمهوری او حمایت می‌کردند و گروه اقلیت به رهبری «آیت‌الله سید حسن مدرس» که مخالف جمهوری او بودند. سرانجام با تلاشهای مستمر مدرس و گروه اقلیت مجلس، رضاخان از جمهوری خواهی چشم پوشید و از طرفداران خود خواست که از آن صرف نظر کنند.^۱

انقراض قاجاریه و به قدرت رسیدن پهلوی

رضاخان و طرفداران او پس از اینکه از استقرار جمهوری در ایران ناامید شدند، حيله دیگری برای به قدرت رسیدن به کار بستند و آن برکناری سلسله قاجار از پادشاهی بود. در این راستا ابتدا ولیعهد - محمدحسن میرزا - را وادار به استعفا کردند، اما وقتی از این کار سودی نبردند، رضاخان در جلسه خصوصی مشاوران خود برکناری احمد شاه و ولیعهد او را مطرح کرد. کم‌کم خلع قاجاریه به صورت شعار روز درآمده، مجلس نیز آن را در دستور کار خود قرار داد تا مورد بحث و بررسی قرار دهد.^۲

پس از صحبت‌های مخالفان و موافقان، سرانجام در روز نهم آبان ۱۳۰۴ ه. ش، جلسه علنی مجلس شورای ملی تشکیل شد و ماده واحده‌ای بدین شرح تقدیم مجلس شد:

«مجلس به خاطر سعادت ملت، خلع قاجاریه را اعلام و اداره موقت کشور را در محدوده قانون اساسی و قوانین نافذ به آقای رضا خان پهلوی موکول می‌کند».^۳

۱. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، ص ۴۷۲-۴۸۹.

۲. استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران، ا. س. ملیکف، ترجمه سیروس ایزدی، ص ۱۰۲-۱۱۵، کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۵۸.

۳. استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران، ص ۱۱۲-۱۱۳.

آیت‌الله سید حسن مدرس تلاشهای زیادی برای تصویب نشدن لایحه مذکور انجام داد، اما چون اکثریت مجلس از رضاخان حمایت می‌کردند، لایحه مزبور به تصویب رسید و سردار سپه بطور موقت قدرت را در دست گرفت. وی پس از به دست گرفتن کامل قدرت، «محمدعلی فروغی» را به نخست‌وزیری برگزید. او نیز بی‌درنگ مجلس مؤسسان را تشکیل داد. این مجلس با تغییر بعضی از اصول قانون اساسی مشروطیت، رضاخان را به طور رسمی و با نام «سلسله پهلوی» به پادشاهی برگزید. بدین ترتیب، رضاخان میرپنج پس از مدتی مراسم سوگند به جا آورده، تاجگذاری کرد.^۱

سیاست و حکومت در سالهای پادشاهی رضاخان (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰)

الف - قرار داد ۱۳۱۲ هـ. ش / ۱۹۳۳ م

در زمان پادشاهی مظفرالدین شاه، امتیاز بهره‌برداری از معادن نفت ایران را به مدت شصت سال به یک نفر انگلیسی به نام «ویلیام ناکسی داری» واگذار شده بود. به موجب آن قرار داد، پایان امتیاز سال ۱۳۴۰ هـ. ش بود، اما انگلیسها برای طولانی کردن مدت این قرار داد به دنبال یک راه حل جدید بودند. به همین دلیل در سال ۱۳۱۰ هـ. ش، ۳ سهمی را که به ایران می‌پرداختند، کاهش داد. این مسئله باعث نگرانی رضاخان شد. بدین جهت او قرار داد سابق را بطور یکطرفه لغو کرده، آن را به آتش انداخت و سوزاند.^۲ به دنبال اقدام رضاخان، انگلستان دست به اعتراض زده و نامه ای در حمایت از شرکت به ایران نوشت و در آن اعلام کرد که در صورت سرسختی ایران مبنی بر لغو قرارداد، به دیوان بین المللی «لاهی» علیه ایران شکایت خواهد کرد. اما چون طرح دعوا در آن دیوان قابل رسیدگی نبود و نیاز به موافقت هر دو کشور داشت، مسئله به جامعه ملل کشیده شد. وزیر خارجه چکسلواکی مأمور حل و فصل موضوع بین ایران و انگلستان شد. سرانجام، دو کشور موافقت کردند که از راه گفتگوی دو جانبه و مستقیم به حل اختلاف و تنظیم قرارداد جدید بپردازند. مذاکرات برای تنظیم قرارداد در تهران بین شرکت نفت انگلیس و دولت ایران آغاز شد و سرانجام در خرداد ماه ۱۳۱۲ هـ. ش امتیاز نامه جدیدی به امضای رسید که بر طبق آن، انگلستان به مدت شصت سال دیگر یعنی تا سال ۱۳۷۲ هـ. ش، بهره‌برداری از منابع نفت ایران را به دست گرفت.^۳ به موجب این قرارداد برای هر تن نفت، چهار شلینگ به ایران پرداخت می‌شد و علاوه بر آن مبلغی هم به عنوان درآمد خالص به ایران تعلق می‌گرفت. در هر حال، مجموع دو مبلغ یاد شده

۱. همان، ص ۱۱۳ - ۱۱۴. ۲. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۵، ص ۲۴۳ - ۲۸۱.

۳. تاریخ سیاسی ایران، ج ۱، ص ۱۱۶.

نبایست از ۷۵۰ هزار لیره در سال کمتر باشد. سهم ایران در این قرار داد جدید کمتر از شانزده درصد قرار داد داری بود و همچنین طبق قرار داد داری، پس از پایان مهلت امتیاز، کلیه اموال و داراییهای شرکت متعلق به ایران بود، در حالی که طبق قرار داد اخیر، این مسأله نیز به نفع انگلستان حل شده بود.^۱

ب - سیاست تجدّد خواهی و ضد دینی

رضاخان هنگامی که تازه به قدرت رسیده بود و پله‌های ترقی را می‌پیمود می‌دانست که مذهب ریشه عمیقی در بین ایرانیان دارد و اگر خلاف مسیر آن حرکت کند، موفق نخواهد شد. به همین دلیل، همواره تظاهر به مذهبی بودن کرده، در دسته‌های عزاداری و روضه خوانی شرکت می‌کرد. اما هنگامی که پایه‌های قدرت او محکم شد، بتدریج سیاست بظاهر مذهبی خود را کنار گذاشت. وی چون روحانیت و اسلام را سدّ راه تجدّد خواهی و سیاستهای ضد دینی خود می‌دید، شروع به تضعیف و سرکوبی روحانیت مبارزه کرد. در پیش گرفتن چنین شیوه‌ای به این علت بود که انگلیسیها که او را به قدرت رسانده بودند، می‌دانستند که قیامها و نهضت‌هایی همچون تنباکو، مشروطیت، نهضت جنگل قیام دشتستانیها و خیابانی همه ناشی از ایمان قوی مذهبی مردم و رهبری علما بوده است. اگر ریشه اصلی اینها که اسلام است، قطع نشود، دیر یا زود باید منتظر چنین شورشیایی علیه سیاستهای خود در ایران باشند.^۲

با توجه به این مسائل، رضاخان پس از سرکوبی قیامهای مذهبی مردمی، ماهیت واقعی و ضد دینی خود را آشکار کرد و در طول دوران پادشاهی خود دست به اقداماتی زد که مهمترین آنها کشف حجاب بود. او پس از آنکه دستور داد، زنان بدون چادر و روسری و با لباسهایی به شیوه غربی از خانه بیرون بیایند، به مأموران خود امر کرد که کسانی که این کار را انجام ندهند، با زور وادار به انجام آن کنند. همچنین کلاه پهلوی و پوشیدن لباس متحدالشکل را برای مردان اجباری کرد و حتی به روحانیون دستور داد که لباسشان را درآورده، لباس رسمی بپوشند. برای کوتاه کردن دست روحانیت و قطع ارتباط آنها با مردم، محضرهای شرعی را تبدیل به رسمی کرد، زمینهای وقفی را ملی و تصرف کرد، دانشگاهها و مدارس به شیوه اروپایی تأسیس نمود و عده زیادی از آنها را برای فراگیری فرهنگ غرب و رواج آن به ایران، به خارج فرستاد و مقاومت مردم در مسجد گوهرشاد را بشدت سرکوب کرد.^۳

۱. همان.

۲. تاریخ معاصر ایران، آموزش و پرورش، سال سوم دبیرستان، ص ۱۵۱، تهران، ۱۳۶۷.

۳. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۱۷ - ۱۲۰.

همه این کارها جهت از بین بردن فرهنگ اسلامی و ملی و رواج فرهنگ مبتذل غرب در ایران بود که پس از تنها سفر اوبه ترکیه و ملاقات با «آتاتورک» و الگو قرار دادن او انجام شد. مدرس که همانند کوهی استوار در برابر سیاستهای ضد دینی او قرار داشت، سرانجام تبعید شده، به شهادت رسید.^۱

ج - وضعیت مجالس و دولتها

انتخابات مجلس از دوره پنجم به بعد، تحت نظارت رضاخان قرار گرفت با این حال، مردم تهران افرادی مانند «مدرس»، «مصدق»، «مستوفی الممالک»، «مشیر الدوله»، «موتمن الملک» و «تقی زاده» را که مورد نظرشان بود، انتخاب کردند. وجود همین افراد کم در چند دوره از مجلس باعث شد که او نتواند بطور کامل به اهداف خود برسد، اما از دوره هفتم به بعد، دخالت او در انتخابات تهران بطور چشمگیری افزایش یافت و از انتخاب چنین افرادی نیز جلوگیری کرد. از این دوره تا مجلس دوازدهم که مقارن با سلطنت رضاخان بود، انتخابات بطور کلی در اختیار دولت بود و نمایندگان نیز دولتی بودند و شرکت مردم در انتخابات صوری بود.^۲

دولتها نیز در این زمان وضعیتی بهتر از مجالس نداشتند. از دولت «سید ضیا» که اولین دولت بعد از کودتای سیاه رضاخان بود تا سقوط او در شهریور ۱۳۲۰ ه. ش، چندین دولت تشکیل شد. در واقع نخست وزیران در مقابل رضاخان هیچ کاره بودند و قدرت بطور کامل در اختیار خودش بود. همه دولتهای زمان وی، یک خصوصیت بارز داشتند و آن اطاعت بی چون و چرا از شاه بود. وقتی شاه به یکی از دولتمردان خشم می گرفت، او می دانست که زمان نابودی اش فرا رسیده است. چندین تن از وزرا و افرادی که در راه ترقی او تلاش کرده بودند، بر اثر خشم رضاخان خودکشی کرد یا به قتل رسیدند که از نمونه های آنها، «داور»، «تیمورتاش»، «درگاهی»، «آیرم»، «طهماسبی» و سردار اسعد بختیاری بودند.^۳

د - پیمان سعد آباد

انگلستان به بهانه ترس از خطر کمونیسم و در واقع برای حفظ منافع خود در منطقه خلیج فارس، سعی کرد علاوه بر تمرکز قدرت در کشورهای این منطقه، این کشورها را از طریق پیمانهای نظامی و همکاری دوستانه به هم مرتبط سازد، زیرا این سیاست از یکسو موجب قدرت بیشتر کشورهای حافظ منافع او در منطقه بود و از طرف دیگر، دیوار دفاعی مستحکمی را در برابر

۱. همان، ص ۱۵۲.

۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۲۳-۱۲۵.

گسترش نفوذ بیشتر اتحاد شوروی تشکیل می‌داد. به همین دلیل به پیشنهاد انگلستان کشورهای ایران، افغانستان، عراق و ترکیه در سال ۱۳۱۶ ه. ش / ۱۹۳۷ م در کاخ سعدآباد پیمانی را امضا کردند.^۱ به موجب این پیمان، کشورهای مزبور موافقت کردند که سیاستهای هماهنگی را در منطقه دنبال کنند و از دخالت در امور داخلی یکدیگر خودداری کرده، در موقع خطر به یاری همدیگر بشتابند، هیچ گونه عملیات تجاوزکارانه علیه یکدیگر نداشته و در کلیه اختلافهای بین المللی که به منافع آنها مربوط می‌شود با یکدیگر مشورت کنند.^۲

و - اشغال ایران و استعفای رضاخان

همان طور که دیدیم رضاخان به وسیله انگلیسها به قدرت رسید و مهره دست نشانده آنها بود، اما در دراز مدت، سیاست نزدیکی به آلمان و هیتلر را در پیش گرفت و به همین دلیل مورد بی مهری انگلستان واقع شد. این کشور و سایر متفقین، پس از شروع جنگ دوم جهانی، در سال ۱۳۲۰ ه. ش، از دولت ایران خواستند که آلمانیها را از آن کشور اخراج کند، لیکن دولت ایران چون خود را در جنگ بی طرف اعلام کرده بود، این را خلاف روش سیاست بی طرفی دانست. سرانجام، پس از اینکه تلاش متفقین جهت اخراج آلمانیها از ایران به نتیجه نرسید، در سوم شهریور همان سال، نیروهای شوروی و انگلستان از چند محور وارد خاک ایران شدند و بدون کوچکترین مقاومتی ایران را به اشغال خود درآوردند. آنها رضاخان را وادار به استعفا کردن از ایران تبعید نمودند و پس از او پسرش «محمد رضا» به قدرت رسید و بساط دیکتاتوری شانزده ساله رضاخان برچیده شد.^۳

پرسش

۱. اوضاع سیاسی. اقتصادی ایران در اواخر سلطنت احمد شاه را شرح دهید.
۲. چگونگی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه. ش، را بنویسید.
۳. جمهوری خواهی رضاخان و موضع اقلیت مجلس به رهبری مدرس در مقابل آن را توضیح دهید.
۴. چگونگی لغو قرار داد داریسی و تنظیم قرار داد ۱۳۱۲ ه. ش را توضیح داده، منافع ایران را در آن دو مقایسه کنید.
۵. سیاستهای تجدّد خواهی و ضد دینی رضاخان را شرح دهید.
۶. وضعیت مجالس و دولتها در زمان دیکتاتوری شانزده ساله رضاخان چگونه بود.

۱. تاریخ معاصر ایران، آموزش و پرورش، ص ۱۵۳. ۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۲۵.

۳. همان، ص ۱۲۶.

درس هشتم

مدرس و رضاخان

همان‌گونه که ترقی و پیشرفت هر جامعه‌ای نیاز و بستگی کامل به منابع مادی و معنوی دارد، زندگی و حیات هر ملت نیز وابسته به وجود مردان مبارز و از جان گذشته‌ای است که پرچمدار حق، آزادی، استقلال و عدالت در آن سرزمین باشند. مدرس یکی از این مردان بزرگ ایران است که تمام زندگی خود را صرف چنین اهدافی کرد.

آیت‌الله «سید حسن مدرس»، قهرمانی است که از دهکده کوچکی از ایران و از یک خانواده روحانی در روستای «سرابه» اردستان یکی از شهرهای استان اصفهان به دنیا آمد و با هوش و استعداد ذاتی خود، دوران تحصیل خود را با موفقیت به پایان رسانده، در نهضت مشروطیت شرکت کرد و سپس به عنوان مجتهد طراز اول، جهت تطبیق قوانین با شرع مقدس اسلام وارد مجلس شورای ملی شد. او با اندامی ضعیف ولی با عزم و اراده‌ای آهنین در این سنگر، در مقابل بزرگترین امپراتور زمان (انگلیس) و دست‌نشانده داخلی اش، رضاخان ایستاد. مدرس با نیت خدمت به اسلام و مردم و با شعار «سیاست ما عین دیانت ماست» وارد دنیای سیاست شد و سرانجام جانش را در این راه فدا کرد.

چگونگی حضور مدرس در مجلس

طبق قانون اساسی مشروطه، قرار بود پنج نفر از مجتهدین طراز اول با انتخاب مراجع قم و نجف بر قوانین مجلس نظارت کرده، آنها را با فقه شیعه و موازین اسلامی مطابقت دهند. به همین دلیل هنگام افتتاح مجلس دوم، علمای نجف که از هوش و استعداد ذاتی مدرس هنگام تحصیل در نجف و همچنین از مبارزات وی در نهضت مشروطیت در اصفهان بخوبی آگاه بودند، او را به

عنوان یکی از پنج مجتهد انتخاب کردند. انتخاب او برای چنین امر خطیری مورد استقبال مردم و علمای اصفهان قرار گرفت. وی پس از این انتخاب از اصفهان به سوی تهران حرکت کرد و در تاریخ ۱۳۲۸ ه. ق / ۱۲ ه. ش، در مجلس شورای ملی حضور یافت.^۱

انتخابات برای مجالس اول و دوم مشروطه، صنفی بود، ولی برای دوره سولم از حالت صنفی بودن خارج گشت. این مسأله باعث شد مردم تهران که به خصوصیات ذاتی مدرس مانند هوش، شجاعت و بی‌علاقگی او به دنیا پی برده بودند و از طرفی نیز منع قانونی برای انتخاب او وجود نداشت، او را به نمایندگی مجلس از پایتخت انتخاب کنند. بدین ترتیب، علاوه بر وظیفه قبلی، مسئولیت جدید نمایندگی نیز به وظایف او افزوده شد. مدرس از همین دوره بطور رسمی وارد عرصه سیاست شد.^۲

تلاشهای مدرس در جنگ اول جهانی برای حفظ استقلال ایران

نمایندگی در مجلس سوم همزمان با جنگ جهانی اول و اشغال ایران از سوی متفقین و متحدین بود. پس از تهدید اشغال تهران از طرف روسیه، مدرس به اتفاق سایر آزادی خواهان از تهران به قم هجرت کرده، در آنجا کمیته دفاع ملی را تشکیل دادند. در قم نیز چون مهاجران مورد تعقیب روسها قرار گرفتند به طرف کرمانشاه حرکت کردند و در آنجا دولت موقت آزاد ایران به ریاست «نظام السلطنه مافی» را تشکیل دادند که مدرس در آن کابینه وزیر عدلیه (دادگستری) و اوقاف بود. در کرمانشاه دولت آزاد ایران به سازماندهی نیروهای داوطلب پرداخته، علیه متفقین بویژه روس وارد جنگ شدند، اما پس از شکست از نیروهای روسی به ریاست «مدرس» عازم بغداد شدند.^۳ پس از ورود مهاجران به بغداد، عده‌ای از آنها از مبارزه دست کشیده، در آنجا ساکن شدند و عده‌ای نیز به ایران بازگشتند، اما مدرس که به فکر نجات کشور از تجاوز اشغالگران بود، به اسلامبول پایتخت دولت امپراتوری عثمانی رفت و مقرر دولت موقت آزاد ایران را در آنجا قرار داد. وی در طی مذاکرات خود با دولتمردان عثمانی از آنها خواست که قسمتهای اشغالی ایران را در آذربایجان تخلیه کرده، استقلال ایران را به رسمیت بشناسند. دولت عثمانی قصد داشت که از

۱. مدرس شهید نابغه ملی ایران، علی مدرسی، ص ۴۹، بنیاد فرهنگی و انتشاراتی بدر، اصفهان، ۱۳۵۸.

۲. همان، ص ۵۶.

۳. مدرس قهرمان آزادی، حسین مکی، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۳۹، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۸.

وجود مدرس در کشورش به نفع خود استفاده کند، اما وقتی به اهداف بلند او پی برد، از رویه خود دست برداشت.^۱

مدرس و کودتای سیاه سوم اسفند ۱۲۹۹ ه. ش

سرانجام، پس از پایان جنگ جهانی اول و شکست متحدین (آلمان، عثمانی و اتریش) و تخلیه ایران از سوی متفقین، مدرس به ایران بازگشت و مرحله جدیدی از مبارزات خود را آغاز کرد. چون این زمان مصادف با دوران فترت مجلس بود، مدرس به تدریس پرداخت و در کنار آن به مخالفت با دولتهای وابسته به بیگانه همت گماشت که از جمله آنها مخالفت شدید با دولت وثوق الدوله به دلیل انعقاد قرار داد ۱۲۹۸ ه. ش / ۱۹۱۹ م بود.^۲

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه. ش، بسیاری از آزادی خواهان و دیگر افراد سرشناس کشور توسط دولت سید ضیا الدین طباطبایی به حبس یا تبعید رفتند، که از جمله آنها آیت الله «سید حسن مدرس» بود. کودتاگران ابتدا مدرس را مدتی در تهران، در محل قزاقخانه در حبس نگه داشتند، اما پس از چندی او را به اتفاق چند نفر از دوستانش از تهران به قزوین فرستاده، در آنجا حبس و تبعید کردند. بدین ترتیب، مدرس تا پایان عمر کابینه «سیاه» در حبس به سر برد. هدف سید ضیا از به بند کشیدن آزادی خواهان و مبارزان، از جمله مدرس از یکسو، راضی کردن ارباب خود انگلستان و از سوی دیگر، جلوگیری از اعتراض آنها به کودتاگران و جیره خواران بیگانه بود. مدرس از همین زمان مصمم شد که در مقابل دولت استعماری بریتانیا و وابستگان داخلی آنها مبارزه خود را بطور جدیتر پیگیری کند.^۳

از تبعید تا نیابت مجلس

پس از سقوط کابینه سیاه، به دستور احمد شاه کلیه زندانیان و به بند کشیدگان از جمله مدرس آزاد شدند. وی که در زمان اشغال ایران از سوی بیگانگان و طی دوره شش ساله فترت مجلس، تلاشها و مجاهدتهای زیادی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران انجام داده بود، در میان مردم به عنوان فردی وطن دوست و قهرمان آزادی معروف شد. به همین علت در انتخابات دوره چهارم

۱. مدرس قهرمان آزادی، ج ۱، ص ۱۴۰ - ۱۴۶.

۲. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۱، ص ۴۴۰.

۳. مدرس شهید نابغه ملی ایران، ص ۹۰ - ۹۳.

مجلس از سوی مردم تهران برای دومین بار به نمایندگی انتخاب شد و در رأی گیری برای انتخاب هیأت رئیسه مجلس، با ۴۸ رأی پس از «مؤتمن الملک» به عنوان نائب رئیس مجلس برگزیده شد. مدرس این بار مرکز اصلی مبارزه خود را در خانه ملت یعنی مجلس قانونگذاری علیه رضاخان و دولتهای وابسته به بیگانه قرار داد.^۱

وی در دوره چهارم مجلس شورای ملی علاوه بر اینکه نایب رئیس اول بود، رهبری گروه اکثریت آن رانیز به عهده داشت و با تکیه بر همین نفوذ و قدرت خود، با اعتبار نامه نمایندگانی که وابسته به بیگانه بودند یا از منافع آنها مثل قرار داد «وثوق الدوله - کاکس» پشتیبانی کرده بودند، شروع به مخالفت نمود و نمایندگی بعضی از آنها را رد کرد. آغاز مبارزات علنی او علیه خودکامگی و دیکتاتوری سردار سپه از همین مجلس آغاز شد، زیرا سردار سپه در این زمان وزارت دفاع را به عهده گرفته و با فشار و تهدید خود باعث سقوط پی در پی دولتها می شد.^۲

اولین اعتراض به سردار سپه

نفوذ سردار سپه بتدریج گسترش پیدا کرد و او شخصاً در تمام کارهای اداری، مالی، لشکری و کشوری دخالت می کرد. حکومت نظامی در تهران به دلیل مخالفت او با لغو آن، هنوز برقرار بود، بعلاوه به امرای ارتش در بعضی از شهرهای ایران، بویژه آذربایجان، دستور داده بود که حکومت نظامی برقرار کنند. در تهران به دستور وی نظامیان عوارض و مالیات را بطور مستقیم جمع آوری کرده، به حساب وزارت جنگ واریز می کردند. از نظر سیاسی هم شروع به کارهای خودسرانه مثل کتک زدن، حبس، توقیف غیر قانونی مردم و روزنامه نگاران می کرد.^۳

قلدریها و اعمال غیر قانونی او، برخی از نمایندگان را به وحشت انداخته، زمینه را برای انتقاد از او فراهم کرد. در این زمان «معتد التجار» نماینده آذربایجان در سخنرانی خود در مجلس، صحبتهایی را به صورت غیر مستقیم علیه رضاخان ایراد کرد. پس از سخنان نماینده تبریز، مدرس برای اولین بار اعتراض علنی خود را علیه رضاخان بیان کرد و گفت: «ما از سردار سپه هیچ ترس و واهمه ای نداریم و قدرت داریم که از او سؤال و استیضاح کرده، حتی او را عزل کنیم تا او برود در خانه بنشیند». هر چند مدرس با او مخالف بود، اما اعتقاد به برکناری او در این زمان از

۱. مدرس شهید نابغه ملی ایران، ص ۹۳-۹۴. ۲. همان، ص ۹۴-۹۵.

۳. مدرس قهرمان آزادی، ج ۱، ص ۱۶۲.

مقامش نداشت؛ چراکه رضاخان در این زمان در برقراری امنیت در ایران نقش مهمی داشت و ضرر برکناری او بیشتر از سودش بود.^۱

پس از نطق نماینده آذربایجان و اظهارات مدرس مبنی بر استیضاح رضاخان، او از خود واکنش نشان داده، افسران قزاق را در وزارت جنگ جمع کرد و سخنرانی مفصلی مبنی بر تهدید مجلس و شرح خدمات خود ایراد کرد و در پایان گفت: استعفای خود را نزد احمد شاه اعلام می‌کنم. به دنبال این تهدید، مانور نظامی برای ترس و تهدید نمایندگان مجلس در شهر تهران ترتیب داده شد و همزمان با این عملیات، پستهای بازرسی نظامی در اطراف تهران ایجاد کرده، باعث اختلال و ناامنی در شهر شد. به علت رعب و وحشتی که از خبر استعفای رضاخان در نزد مردم به وجود آمده بود، مجلس با او از در مصالحه درآمد و سردار سپه به مجلس آمد و وعده الغای حکومت نظامی و اداره مستقیم و غیر مستقیم مالیاتها، را به وزارت دارایی داد و کار روزانه خود را شروع کرد.^۲

مدرس و نخست وزیری رضاخان

پس از کودتای سیاه، چندین کابینه روی کار آمدند و یکی پس از دیگری سقوط کردند. تنها وزیری که در همه این دولتها ثابت مانده بود، رضاخان بود. قدرت و نفوذ وزیر جنگ بقدری افزایش یافته بود که نخست وزیران قادر به برکناری او نبودند، حتی در مقابل، با تهدید خود براحتی آنها را به سقوط می‌کشاند. در این زمان رئیس دولت «مشیر الدوله» بود که هر چند مدرس و اکثریت مجلس از او پشتیبانی می‌کردند، ولی سرانجام با تهدید رضاخان استعفا داد. سردار سپه علی‌رغم میل و رضایت مدرس و احمد شاه به نخست وزیری رسید و علاوه بر وزارت جنگ، اداره امور سیاسی کشور را نیز به دست گرفت.^۳

مدرس بر هم زنده جمهوری

همزمان با نخست وزیری رضاخان، در کشور ترکیه حکومت جمهوری به ریاست «مصطفی کمال پاشا» مشهور به «آتاتورک» اعلام شد. رضاخان که همواره به فکر برکناری قاجاریه و به

۱. مدرس قهرمان آزادی، ص ۱۶۸ - ۱۷۰.

۲. همان، ص ۱۷۰ - ۱۷۵.

۳. بازیگران عصر طلایی، ابراهیم خواجه نوری، ج ۴، ص ۵۷ - ۶۶، جاویدان، تهران، ۱۳۶۸.

قدرت رسیدن خود بود، جمهوری خواهی را راه مناسبی برای رسیدن به هدف خود می‌دانست. از این رو، آن را بر سر زبانها انداخت و هواداران و نظامیان طرفدار خود را واداشت که از گوشه و کنار ایران تلگرافهایی مبنی بر اعلام «حکومت جمهوری» در ایران ارسال کنند. شعار جمهوری خواهی در تهران به خیابانها نیز کشیده شد و حتی تظاهراتی به حمایت از آن در تهران به راه انداختند.^۱

رضاخان برای اینکه راحت تر به مقصود خود برسد، انتخابات دوره پنجم مجلس را به صورت فرمایشی برگزار کرد تا با کمک نمایندگان اکثریت طرفدار خود، لایحه جمهوری را تصویب کند. این مجلس در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ ه. ش، با نطق محمدحسن میرزا (ولیعهد) افتتاح شد. رضاخان میل داشت که اعتبار نامه‌های نمایندگان هر چه زودتر تصویب شده، به لایحه مورد نظر پردازند. مدرس و طرفداران او در این مجلس که در اقلیت قرار گرفته بودند و مخالف جمهوری رضاخانی بودند، تصمیم گرفتند برای خنثی کردن توطئه سردار سپه، به تلف کردن وقت مجلس از طریق اعتراض به اعتبار نامه‌ها، پردازند تا مجلس به اکثریت نرسد. سرانجام، این کار منجر به درگیری «مدرس» و «تدین» رئیس فراکسیون «تجدد» که موافق جمهوری رضاخانی بود شد و به تحریک او «حسین بهرامی» (احیاء السلطنه) سیلی محکمی به گوش مدرس زد.^۲

سیلی خوردن مدرس، واکنش شدیدی در داخل و خارج از مجلس به وجود آورد. مردم تهران تنفر و انزجار شدید خود را نسبت به جمهوری خواهی و اهانت به پیشوای دینی و نماینده خود اعلام کرده، و در مقابل مجلس به راهپیمایی و تظاهرات و شعار علیه رضاخان و طرفداران جمهوری او دست زدند. مجلس نیز پس از این مسأله، حالت عادی خود را از دست داد و عده‌ای از نمایندگان اکثریت به اقلیت طرفدار مدرس پیوستند و با ترک مجلس آن را از اکثریت انداختند تا لایحه جمهوری تصویب نشود. بدین ترتیب، با تلاشهای مدرس و گروه اقلیت مجلس از یکسو و مخالفت شدید روحانیون قم از سوی دیگر، بساط جمهوری خواهی او برچیده شد.^۳

رضاخان به دنبال این شکست، ابتدا تصمیم گرفت راهی خارج شود و حتی وسائل سفر خود را نیز فراهم کرد، اما طرفداران اکثریتش در مجلس دست به توطئه زدند، او از تهران خارج شد و به «بومهن» رفت. نمایندگان نیز تصمیم گرفتند بدون حضور «مدرس» تشکیل جلسه داده و به او

۱. همان، ص ۶۷-۷۸.

۲. مدرس شهید نابغه ملی ایران، ص ۱۴۴-۱۵۴.

۳. بازیگران عصر طلایی، ص ۸۵-۹۱.

رأی تمایل دهند. جلسه مجلس بدون اطلاع مدرس تشکیل شد و بدون اینکه کسی صحبت کند، اکثریت مجلس به او رأی داد و احمد شاه طی تلگرافی در ۲۴ فروردین ۱۳۰۳ ه. ش فرمان مجدد نخست وزیری او را صادر کرد. در پی رأی تمایل، هیأتی مرکب از «مصدق»، «مستوفی الممالک»، «مشیر الدوله»، «سلیمان میرزا» و چند نفر دیگر از سوی مجلس به بومهن رفته، او را به تهران بازگرداندند و سردار سپه شروع به کار کرد.^۱

استیضاح از دولت سردار سپه

پس از شروع کار مجدد رضاخان، مدرس و طرفداران او، چون در مجلس در اقلیت بودند و کلیه روزنامه‌ها و هواداران آنها نیز در توقیف و حبس به سر می بردند و صدای آنها کمتر به گوش مردم می رسید و در مجلس هم به آنها کمتر اجازه سخن گفتن می دادند، از این رو، مدرس تصمیم گرفت به هر صورت که شده با دولت سردار سپه از در مخالفت درآید و آن را استیضاح کند. هر چند این کاری مشکل و خطرناک بود، ولی چاره‌ای جز این نبود. هدف مدرس از این اقدام آن بود که اگر دولت سردار سپه سقوط نکند، حداقل سختگیریهای او تعدیل خواهد شد. همچنین فرصت مناسبی برای بیان حقایق به وجود خواهد آمد.^۲

طرفداران رضاخان در مجلس چون می دانستند که او در مقابل دلایل منطقی مدرس چیزی نمی تواند بگوید، به هر شکلی که بود سعی کردند از استیضاح جلوگیری کنند، اما سرانجام مدرس در هفتم مرداد ۱۳۰۳ ه. ش، پس از صحبت‌هایی در مجلس، متن استیضاح را تحویل رئیس مجلس داد که از سوی او قرائت شد از جمله موارد مهم آن، سوء سیاست نسبت به داخل و خارج ایران، قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه، توهین به مجلس شورای ملی و عدم تحویل اموال مقصرین به خزانه دولت بود.^۳

پس از قرائت استیضاح، فشار از داخل و خارج مجلس برای پس گیری آن آغاز شد. روزنامه‌ها و طرفداران سردار سپه از خارج و نمایندگان گروه اکثریت از داخل بر فشار و توهین به گروه مدرس افزودند. با آنکه بیشتر نمایندگان مجلس طرفدار رضاخان بودند و پس از استیضاح به او رأی می دادند، ولی باز هم از شجاعت و قوه نطق مدرس وحشت داشتند و تمام تلاش آنها

۱. مدرس شهید نایب‌ه ملی ایران، ص ۱۷۹ - ۱۸۰. ۲. تاریخ بیست ساله، ج ۲، ص ۵۴۳ - ۵۴۶.

۳. مدرس، ج ۱، ص ۸۳ بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، بی جا، ۱۳۶۶.

این بود که استیضاح انجام نشود. از این رو درگیریهایی در داخل و خارج مجلس به وجود آوردند و از ورود گروه اقلیت به مجلس جلوگیری نمودند و به آنها کتک زده و توهین کردند. سرانجام، وقتی آنها دیدند نمی توانند در مجلس حاضر شده و از استیضاح خود دفاع کنند، مدرس، ملک الشعرای بهار را به نمایندگی از گروه خود به مجلس فرستاد او (بهار) اعلام کرد که گروه اقلیت مصونیت نداشته و نمی توانند در مجلس حاضر شوند، به همین دلیل تا برگشتن اوضاع به حالت عادی، استیضاح را مسکوت می گذاریم. پس از آن سردار سپه تقاضای رأی اعتماد کرد و اکثریت بدون حضور اقلیت به او رأی دادند.^۱

وی پس از استیضاح برای سرکوبی «شیخ خزعل» به خوزستان سفر کرد و پس از تسلیم شدن او به تهران برگشت و به کمک گروه اکثریت طرفدار خود در مجلس، فرماندهی کل قوا را به دست آورده، شروع به زمینه سازی برای انقراض قاجاریه کرد. سرانجام، در تاریخ نهم آبان ۱۳۰۴، طرح خلع دودمان قاجار و واگذاری قدرت به رضاخان پهلوی به تصویب مجلس رسید. مدرس در این زمان تلاشهای زیادی انجام داد که سلطنت به رضاخان واگذار نشود و حتی در زمان مطرح شدن لایحه، آن را مخالف قانون اساسی دانسته، مجلس را ترک کرد ولی رضاخان با پشتیبانی اکثریت مجلس، زمام امور را به دست گرفت.^۲

تبعید و شهادت

پس از اینکه رضاخان به پادشاهی رسید عده ای از مخالفان او به گوشه نشینی رو آورده و عده ای دیگر خود را با وضع جدید وفق دادند و تنها از میان آنها، مدرس بود که از میدان مبارزه بیرون نرفته و یک تنه با دیکتاتوری او به مبارزه خود ادامه داد. رضاخان که همواره به فکر نابودی او بود ابتدا دستور ترور او را داد، ولی چون موفق نشد، به نیروهای امنیتی خود دستور داد که در روز شانزده مهر ۱۳۰۷، او را در مدرسه سپهسالار (شهید مطهری فعلی) دستگیر کرده و به یکی از دورترین بخشهای خراسان به نام «خواف» تبعید کردند. وی به مدت نه سال در آنجا به حالت حبس به سر برده و مورد علاقه شدید مردم واقع شد و با مبلغ پولی که جمع آوری کرده بود، برای مردم آنجا آب انباری ساخت تا از آن استفاده کنند.^۳

۱. مدرس شهید نابغه ملی ایران، ص ۲۱۰-۲۲۰. ۲. مدرس قهرمان آزادی، ج ۲، ص ۶۸۷.

۳. مدرس، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۰۷-۱۱۶.

رضاخان که تحمل زنده بودن مدرس را نداشته و همواره از او ترس و وحشت داشت، در سال ۱۳۱۷ ه. ش، دستور داد که او را از آنجا به کاشمر ببرند و از طریق «مختاری» رئیس کل شهربانی دستور قتل او را صادر کرده، سه نفر مأمور این کار شدند و به آنجا رفتند. آنها در حالی که مدرس در کلبه محقر خود با دهان روزه از آنها پذیرایی می‌کرد، از طریق چای به او سم خوراند، حتی منتظر شهادت او نشدند و با عمامه اش او را خفه کردند و گزارش جعلی مرگ طبیعی او را به تهران نوشتند. بدین ترتیب «مدرس قهرمان» که عمری را با استبداد و استعمار مبارزه کرده بود، به شهادت رسیده و در دل خاک جای گرفت، ولی یاد و خاطره او هرگز از یاد مردان و زنان آزاده بیرون نخواهد رفت.^۱

پرسش

۱. تلاشهای مدرس در جهت حفظ استقلال ایران در جنگ اول جهانی را شرح دهید.
۲. چگونگی تبعید مدرس در دولت سید ضیاء الدین طباطبایی را بیان کنید.
۳. واکنش رضاخان در قبال اولین اعتراض مدرس نسبت به وی چگونه بود.
۴. چگونگی مبارزه مدرس برای برهم زدن جمهوری خواهی رضاخان را بطور کامل شرح دهید.
۵. چگونگی تبعید و شهادت مدرس را توسط عوامل رضاخان بنویسید.

۱. مدرس، شهید نابغه ملی ایران، ص ۴۹.

درس نهم

نهضت ملی شدن نفت ایران (۱)

نفت در تاریخ سیاسی معاصر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و نمی‌توان آن را از صحنه سیاسی ایران جدا دانست. استفاده از نفت در ایران از سابقه طولانی برخوردار است، اما اجازه استخراج و استفاده از معادن ایران از جمله نفت بطور رسمی از سال ۱۲۵۰ ه. ش / ۱۸۷۲ م، در زمان ناصر الدین شاه به «بارون ژولیوس رویتر» داده شد. این امتیاز که تا آن زمان در نوع خود بی‌سابقه بود، از داخل و خارج مورد مخالفت قرار گرفته و لغو شد.^۱

امتیاز استخراج و بهره‌برداری و لوله‌کشی نفت و قیر در سراسر ایران بجز پنج استان شمالی به مدت شصت سال در سال ۱۲۸۰ ه. ش / ۱۹۰۱ میلادی در زمان مظفر الدین شاه به «ویلیام ناکسی داری» داده شد. وی پس از کسب امتیاز، شرکتی در ایران تشکیل داده، شروع به حفاری در نقاط مختلف ایران کرد. در حالی که عملیات این شرکت می‌رفت که با ناکامی رو به رو شود، ناگهان در سال ۱۲۸۷ ه. ش، چاهی در مسجد سلیمان به نفت رسید و از آن تاریخ مسأله جدیدی به نام نفت وارد سیاست ایران شد و کشورمان را با دشواری‌هایی رو به رو ساخت.^۲

انگلستان با خرید ۵۶ درصد از سهام شرکت «داری» و با استفاده از شرایط آسان امتیاز، استفاده‌های زیادی از نفت ایران می‌برد و به همین دلیل همواره در تلاش بود که این قرار داد را با وضع بهتری تثبیت کرده، آسانتر به چپاول و غارت ثروت ایران بپردازد. از این رو، در سال ۱۳۱۰ ه. ش و در زمان سلطنت رضا شاه، ناگهان $\frac{3}{4}$ مبلغی را که به ایران می‌پرداخت، کم کرد.

۱. طلای سیاه یا بلای جان ایران، ابوالفضل لسانی، ص ۳۰-۴۲، امیر کبیر.

۲. همان، ص ۴۲-۶۹.

مذاکرات بین ایران و انگلیس برای حل اختلاف آغاز شد و سرانجام با پادرمیانی و وساطت رضا شاه در سال ۱۳۱۲ ه. ش / ۱۹۳۳ م. قرارداد داری با شرایط بهتری به نفع انگلستان تمدید شده و در مجلس شورای ملی نیز به تصویب رسید.^۱

زمینه‌های ملی شدن صنعت نفت ایران

الف - رقابت بر سر گرفتن امتیاز نفت شمال

مردم ایران که آشکارا شاهد به یغما رفتن منابع غنی خود از طریق انعقاد قراردادهای تحمیلی بودند، به هیچ عنوان در مقابل این اقدامات بیگانگان ساکت نبودند، اما در زمان دیکتاتوری رضا شاه به آنها فرصت مبارزه با استثمارگران داده نشد. پس از شهریور ۱۳۲۰ ه. ش و سقوط دیکتاتوری رضا خان و برقراری آزادیهای نسبی، کم‌کم مردم قدم به صحنه مبارزه گذاشتند و در اولین اقدام خود، افرادی مانند «آیت‌الله کاشانی» و «دکتر مصدق»^{*} را برای دوره چهاردهم مجلس انتخاب کردند تا با پشتیبانی و حمایت از آنها در مورد احقاق حقوق خود اقدام کنند.

در سال ۱۳۲۳ ه. ش، و در زمان دولت «ساعدمراغه‌ای» پیشنهادهایی از سوی چند شرکت آمریکایی برای گرفتن امتیاز نفت شمال به ایران رسیده بود و حتی نمایندگانی برای مذاکره به ایران فرستاده بودند. تا این زمان هیچ‌گونه پیشنهادی از سوی کشور شوروی برای دریافت نفت شمال نرسیده بود؛ اما دولت اتحاد شوروی سابق، پس از اطلاع از درخواست شرکتهای آمریکایی، یک هیأت اقتصادی به ریاست «کافتارادزه» معاون وقت وزارت خارجه به ایران فرستاده، بطور رسمی خواستار دریافت امتیاز نفت شمال ایران شد. دولت ایران تا پایان کامل جنگ جهانی دوم و مشخص شدن وضع اقتصادی جهان این تقاضا را مسکوت گذاشت. این مسأله باعث نگرانی روسها و در نتیجه، تیرگی روابط بین دو کشور شد. دولت ساعد که متکی به

۱. طلای سیا یا بلای جان ایران، ص ۱۳۵ - ۲۲۷.

*. مصدق در سال ۱۲۶۱ ه. ش در یک خانواده ثروتمند و اشرافی به دنیا آمد. پدر او وزیر دفتر مستوفی الممالک صدر اعظم پیشین ایران بود. پس از فوت پدرش، ناصرالدین شاه به او لقب «مصدق السلطنه» داد. وی در جوانی به عضویت جامعه آدمیت که یک انجمن فراماسونری بود در آمد. او ابتدا برای تحصیل به فرانسه رفت، اما بنا به دلایلی نتوانست تحصیلاتش را به پایان برساند و به ایران آمد دوباره با خانواده‌اش به سوئیس رفت و دکترای حقوق از دانشگاه نوشاتل سوئیس دریافت کرد و در آغاز جنگ جهانی اول به ایران بازگشت. وی در طول مدت زندگی سیاسی افکار ملی‌گرایی و لیبرالیستی داشت و در نهضت ملی شدن نفت متکی به امریکا بود. (مصدق و نبرد قدرت، همایون کاتوزیان، ص ۲۱ - ۳۱، رسا)

مردم ایران نبود، با اختلاف آمریکا و شوروی و رقابت آنها در گرفتن امتیاز نفت شمال ایران استعفا داد.^۱

ب - سیاست موازنه منفی مصدق در مجلس چهاردهم

حزب توده ایران که پس از شهریور ۱۳۲۰ تشکیل شده بود، دارای چند نماینده در مجلس چهاردهم بود. این نمایندگان تا زمانی که شوروی درخواست نفت شمال را نکرده بود، مخالف واگذاری هرگونه امتیاز جدیدی به بیگانگان بودند، اما پس از درخواست شوروی، از سیاست خود عدول کرده، خواهان واگذاری نفت شمال به آن کشور شدند. موضع جدید حزب توده ایران زمینه خوبی برای طرح و پیشبرد سیاست «موازنه منفی» دکتر مصدق در مجلس چهاردهم بود. هدف این سیاست، عدم واگذاری امتیاز جدید به بیگانگان بود. دولت انگلستان که نفت جنوب را در اختیار داشت، از این سیاست استقبال کرد و آمریکا نیز به دلیل اینکه شوروی به نفت ایران نرسد، پذیرفته بود که از گرفتن امتیاز خودداری کند.^۲

مصدق در راستای این سیاست در تاریخ یازدهم آذر ۱۳۲۳ ه. ش، طرحی با فوریت به تصویب مجلس رساند که به موجب آن دولت حق مذاکره برای دادن امتیاز جدید به شرکتهای خارجی بدون تصویب نهایی مجلس را نداشت و حتی برای متخلفین مجازات هم در نظر گرفته شده بود. تصویب این طرح در مجلس به عنوان تضمین و پشتوانه کلی سیاست «موازنه منفی» دکتر مصدق بود.^۳

در این زمان، غلامحسین رحیمیان نماینده قوچان دست به ابتکار تاریخی زده، ماده واحدهای تقدیم مجلس کرد. محتوای این ماده واحده مبنی بر این بود که چون امتیاز نفت جنوب در دوره استبداد به شرکت داری داده شده و در زمان دیکتاتوری رضا خان تمدید شده، به همین دلیل از مشروعیت لازم برخوردار نبوده، لغو شود که مورد تصویب نمایندگان قرار نگرفت.^۴

ج - تلاشهای قوام برای واگذاری نفت شمال و تخلیه آذربایجان

یکی از مشکلات عمده ایران پس از جنگ جهانی دوم، مسأله آذربایجان و عدم تخلیه شورویها از آنجا بود. بعد از اینکه قوام السلطنه، نخست وزیر کهنه کار ایران، روی کار آمد، سیاست او

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۴۳. ۲. همان، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۳. مصدق و نبرد قدرت، همایون کاتوزیان، ترجمه احمد تدین، ص ۱۲۰-۱۲۳، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

۴. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۴۵.

مورد توجه روسها قرار گرفت. مذاکرات قوام برای تخلیه آذربایجان و واگذاری نفت شمال با روسها ادامه داشت تا اینکه سرانجام موافقت نامه سه ماده‌ای در مورد تخلیه ایران، نفت شمال و مسأله آذربایجان بین احمد قوام و سادچیکف، سفیر شوروی در ایران، به امضا رسید. به موجب این موافقتنامه شوروی متعهد شده بود که در مدت ۱/۵ ماه خاک ایران را تخلیه کرده و قرار داد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی برای تصویب به مجلس پانزدهم پیشنهاد شود. همچنین قضیه آذربایجان را امری داخلی دانسته که بین دولت ایران و اهالی آن حل و فصل خواهد شد.^۱ پس از این قرارداد، نیروهای شوروی در مدت یاد شده به طور کامل خاک ایران را ترک کردند.

د - عدم تصویب موافقتنامه قوام - سادچیکف در مجلس پانزدهم

قوام برای تصویب موافقتنامه خود با روسها، انتخابات مجلس پانزدهم را انجام داد و حزب «دموکرات» او اکثریت این مجلس را به دست گرفت. پس از تشکیل مجلس، سادچیکف در اولین ملاقات خود با قوام طرح تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی را تسلیم او کرد تا وی آن را به مجلس داده و تصویب شود. قوام بدون امضا آن را تقدیم مجلس کرد تا مجلس تکلیف نهایی آن را مشخص کند. شوروی و طرفداران او در ایران، بویژه حزب توده از رویه قوام ناراحت شدند و اقدام قوام را نقض موافقت نامه و بازگشت به سیاست خصمانه علیه شوروی دانستند. قوام در هنگام تقدیم موافقت نامه به مجلس، مشروح مذاکرات خود را با مقامات شوروی، به اطلاع نمایندگان رساند و گفت که برای حل مسأله آذربایجان و تخلیه ایران با قرارداد نفت ایران و شوروی موافقت کرده است. در این هنگام مجلس با تصویب ماده واحده‌ای موافقت نامه نفت ایران و شوروی را بر اساس قانون منع مذاکره راجع به امتیاز نفت که قبلاً تصویب کرده بود، کان لم یکن فرض کرد و علاوه بر آن واگذاری امتیاز نفت به بیگانگان و ایجاد هر شرکتی که خارجیها در آن سهم باشند را نیز ممنوع کرد. بدین ترتیب، سیاستهای شوروی درباره نفت ایران با شکست روبه رو شد.^۲

ه - قرار داد گس - گلشایان

پس از شکست سیاستهای قوام و استعفای او، سیاست انگلیس دوباره در ایران بر آمریکا و شوروی چیره شد. تلاش دولتهای حکیمی، هژیر، ساعد، منصور، رزم آرا و علاء به طور کلی در

۱. مصدق و نبرد قدرت، کاتوزیان، ص ۱۲۵؛ تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. پنجاه سال نفت ایران، مصطفی فاتح، ص ۳۷۲-۳۸۳، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۸.

جهت تثبیت نفوذ انگلیس در ایران بود و حرکت اکثریت نمایندگان مجلس هم در این راستا بود؛ در عین حال، حرکت ملی و ضد استعماری ملی شدن نفت در خارج از مجلس توسط «آیت الله کاشانی» در حال شکل‌گیری بوده، نمایندگان اقلیت مجلس نیز در این جهت از او حمایت می‌کردند.^۱ سیاستمداران انگلیس که از روند حرکت ضد استعماری آگاه شده بودند، در جهت تثبیت چپاول و غارتگری خود هیأتی را به نمایندگی از شرکت نفت انگلیس و ایران به ریاست «گس» روانه تهران کردند تا بلکه با اضافه کردن چند هزار لیره به قرار داد ۱۳۱۲ ه. ش، مانع به ثمر رسیدن نهضت ملی نفت ایران شوند. به همین دلیل لایحه الحاقی گس - گلشاییان با عجله تمام تهیه شد و درحالی که مدت کوتاهی از عمر مجلس پانزدهم باقی نمانده بود با قید دو فوریت تقدیم مجلس شد. در این زمان، نمایندگان اقلیت مجلس،^۲ با نطقهای طولانی، وقت مجلس را گرفته و با پشتیبانی افکار عمومی خارج از مجلس مانع تصویب آن شدند و عمر مجلس بدون نتیجه به پایان رسید و رسیدگی نهایی درباره آن به مجلس شانزدهم واگذار شد. پس از تشکیل مجلس شانزدهم، این لایحه جهت رسیدگی به کمیسیون نفت ارسال شد. کمیسیون پس از رسیدگی، آن را رد کرد. بدین ترتیب، راه برای ملی شدن صنعت نفت در ایران هموار شد.^۳

نقش آیه الله کاشانی و فداییان اسلام در ملی شدن نفت

«آیه الله سید ابوالقاسم کاشانی» فرزند عالم بزرگ حاج سید مصطفی کاشانی است. در جنگ جهانی اول هنگامی که پدرش و عده‌ای دیگر از علمای نجف فتوای جهاد علیه انگلیسیها را در عراق داده بودند، در جنگ علیه آنها شرکت کرد و پس از شهادت پدرش به دست انگلیسیها و شکست نیروهای مبارز عراقی، مورد تعقیب نیروهای انگلیسی قرار گرفته و به ایران تبعید شد. وی پس از برگشت در تهران سکونت گزیده، به امور شرعی مردم پرداخت. او در این هنگام، همواره علیه انگلیسیها تبلیغ و مبارزه می‌کرد. ایشان در زمان جنگ دوم جهانی به اتهام همکاری با آلمانیها تحت تعقیب نیروهای انگلیس قرار گرفت و مدتی مخفی شد، اما سرانجام آنها از محل اختفای او مطلع شده، او را دستگیر و زندانی کردند. در این زمان که مقارن با انتخابات مجلس

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۷۶.

۲. اعضای اقلیت دوره پانزدهم مجلس عبارت بودند از: مکی، بقایی، حائری زاده، رحیمیان و آزاد.

۳. پنجاه سال نفت ایران، ص ۳۸۸ - ۴۰۲؛ مصدق و نبرد قدرت، ص ۱۳۹.

دوره چهاردهم بود، مردم تهران بیاس خدمات و مبارزات ضد استعماری ایشان در ایران و عراق او را به نمایندگی خود برگزیدند، ولی چنین مسئولیتی از سوی مردم، باعث رهایی او نشد و به مدت ۲۸ ماه در زندان متفقین باقی ماند.^۱

مبارزات او برای ملی شدن نفت از همین زندان آغاز شد. آیه الله کاشانی در زندان تأکید کرد که با سلطه هر اجنبی که مخالف مصالح و استقلال ایران باشد، مخالفم و فرقی ندارد که کدام کشور باشد. ایشان اضافه کرد که اگر از زندان آزاد شدم، کاری خواهم کرد که ملت ایران قطره‌ای نفت به انگلستان ندهد. وی در تمام طول مجلس چهاردهم از سیاستهای مصدق در راه ملی شدن نفت از داخل زندان حمایت کرد.^۲

قوام در زمان نخست وزیری خود، «آیه الله کاشانی» را به قزوین تبعید کرد و مانع از انتخاب او برای مجلس پانزدهم شد. در کابینه ساعد که مسئله نفت در پشت پرده در جریان بود، آیه الله کاشانی اعلامیه شدیدی علیه شرکت نفت و انگلیسیها صادر کرد. وی پس از وقایع پانزده بهمن ۱۳۲۷ ه. ش و تیراندازی به شاه، ابتدا به خرم آباد و سپس به لبنان تبعید گردید. نمایندگان اکثریت مجلس پانزدهم که وابسته به بیگانه بودند، قصد تصویب قرارداد الحاقی گس-گلشایان را داشتند، ولی «آیه الله کاشانی» با پیام خود از لبنان ملت ایران و اقلیت مجلس و مصدق را دعوت به مبارزه با انگلیس و ملی شدن نفت کرد. ایشان در حال تبعید، از سوی مردم تهران به نمایندگی مجلس شانزدهم برگزیده شد و به همین دلیل به تهران بازگشت. هنگام ورود به تهران مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت و وی با همکاری و حمایت از دکتر مصدق و سایر اعضای اقلیت مجلس، مرحله جدیدی از مبارزات ملی شدن نفت را آغاز کرد.^۳

او از این تاریخ به بعد بطور جدی در نهضت ملی شدن نفت و حمایت از افکار ضد استعماری و رهبری آن شرکت کرد و با حمایت و پشتیبانی از فداییان اسلام که تازه به رهبری «نواب صفوی» تشکیل شده بود و افرادی همچون «هژیر» و «رزم آرا» را که وابسته به بیگانه بودند، به قتل رسانده بودند، گامهای مهمی در راه ملی شدن صنایع نفت ایران برداشت. «آیه الله کاشانی» با دعوت و سخنرانیهای خود مردم ایران را به صحنه مبارزه فرامی خواند و افکار عمومی را در راستای تصویب لایحه ملی شدن نفت و تشکیل دولت ملی مصدق بسیج کرد. ایشان در قیام سی

۱. خلع ید (کتاب سیاه)، حسین مکی، ج ۳، ص ۴۷، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۴۲. ۳. خلع ید، ص ۴۸.

تیر و برکناری و تهدید قوام و دربار بطور فعال شرکت کرده، مصدق را که مأمور اجرای ملی شدن نفت و خلع ید از شرکت نفت انگلیس بود، دوباره به قدرت رساند. بطور کلی اگر شخصیت مبارزی همچون «کاشانی» در صحنه سیاسی آن روز ایران نبود، ملی شدن نفت کار مشکلی بود.^۱

تصویب طرح اجرایی ملی شدن نفت در ایران

حضور آیت الله کاشانی و دکتر مصدق در مجلس شانزدهم، مبارزات ملی شدن نفت را وارد مرحله جدی تری کردند، چرا که هر دو از پیشتازان این نهضت بودند. در این مجلس قرار شد که کمیسیون مخصوص نفت تشکیل شود و به همین دلیل از هر یک از کمیسیونهای مجلس سه نفر برگزیده شدند و کمیسیون هجده نفره به ریاست دکتر «مصدق» تشکیل شد. هدف این کمیسیون مطالعه و بررسی پیشنهادها درباره نفت و از جمله قرارداد الحاقی گس-گلشایان و گزارش آن به مجلس بود. کمیسیون مزبور پس از بحث و بررسی لازم به این نتیجه رسید که قرار داد یاد شده برای احقاق حقوق مردم ایران کافی نیست و به اتفاق آرا آن را رد کرد.^۲

در این زمان عده ای از اعضای کمیسیون ویژه نفت درخواست ملی شدن نفت را ارائه کردند و حتی دکتر «بقایی» طرحی به منظور ملی کردن نفت با یازده امضا تقدیم مجلس کرد، ولی به علت کمبود امضا در مجلس مطرح نشد. در این زمان «آیت الله کاشانی» طی بیانیهای از مردم ایران خواست که آن قدر درباره ملی شدن نفت پافشاری کنند تا دولت انگلستان و طرفداران شرکت نفت ناچار به اطاعت از افکار عمومی گشته و حقوق ملت ایران را به آنها بازگردانند.^۳

در این تاریخ، مانع عمده کار کمیسیون ویژه نفت برای ملی کردن آن «رزم آرا» بود که در مقام نخست وزیری بطور جدی با ملی شدن نفت مخالفت می کرد. برای برداشتن آخرین مهره استعمار و مانع ملی شدن نفت، فداییان اسلام وارد میدان شدند و با گلوله خلیل طهماسبی، رزم آرا به قتل رسید. فردای آن روز کمیسیون به اتفاق آرا اصل ملی شدن نفت را در سراسر ایران پذیرفت و از مجلس درخواست کرد که برای تعیین راههای عملی ملی شدن نفت دو ماه مأموریت کمیسیون را تمدید کند. سرانجام، مجلس شورا در تاریخ ۲۴ اسفند و مجلس سنا در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ه. ش، گزارش کمیسیون درباره ملی شدن نفت را تصویب کردند و بدین

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۸۹ - ۲۴۰. ۲. مصدق و نبرد قدرت، ص ۱۷۷ - ۱۸۰.

۳. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۸۴.

ترتیب، نفت ایران پس از پنجاه سال ملی شد و کمیسیون مأموریت یافت که طرح عملی ملی شدن را در مدت دو ماه تهیه کند.^۱

کمیسیون پس از انقضای مدت معین شده، طرح اجرایی ملی شدن صنعت نفت مصوب مجلسین را در نه ماده تهیه کرد. از موارد مهم آن تشکیل یک هیأت مختلط مرکب از ده نفر از نمایندگان مجلس شورا و سنا - از هر کدام پنج نفر - و وزیر دارایی یا قائم مقام او بود. این هیأت موظف بود، بی درنگ از شرکت نفت سابق ایران و انگلیس خلع ید کرده، به مطالبات و دعاوی آن رسیدگی کنند. همچنین دولت و هیأت مختلط موظف بودند که به حسابهای شرکت رسیدگی کرده، اساسنامه شرکت ملی نفت ایران را تهیه کنند و همچنین عده‌ای از افراد ایرانی را برای یادگیری تخصصهای لازم به خارج بفرستند تا جایگزین خارجیها شوند. هیأت مختلط موظف بود در مدت مشخص شده به کار خود پایان داده، گزارش کار خود را به مجلس ارائه دهد.^۲

پیروزی نهضت و تشکیل دولت ملی مصدق

دولت انگلستان پس از ملی شدن صنعت نفت ایران، از طریق شاه و باگماردن «حسین علا» به مقام نخست‌وزیری قصد داشت راهی جهت سازش پیدا کرده، این اقدام تاریخی را بی‌اثر کند تا به چپاول و غارت ثروت خدادادی ایران ادامه دهد. اما «علا» پس از یک ماه و چند روز هنگامی که با طرح نه ماده‌ای کمیسیون نفت رو به رو شد، ناچار استعفا داده و از مقام خود کناره‌گیری کرد.^۳

پس از ناکامی علا، «جمال امامی» رهبر اکثریت مجلس پیشنهاد نخست‌وزیری دکتر «مصدق» را مطرح کرد. مصدق قبول پُست نخست‌وزیری را مشروط به تصویب لایحه نه ماده‌ای کمیسیون نفت کرد. پس از تصویب لایحه در مجلسین «مصدق» در رأس قدرت قرار گرفت و مأمور اجرای ملی شدن صنعت نفت بر اساس طرح نه ماده‌ای مصوب شد. «آیت الله کاشانی» که در این زمان رهبری جناح مذهبی نهضت را به عهده داشت و از پشتوانه مردمی برخوردار بود، برای نخستین بار با تمام قدرت از دکتر مصدق حمایت کرد. دکتر مصدق برنامه کار دولت خود را بر دو اصل زیر بنا گذاشت:

۱. همان، ص ۱۸۵ - ۱۹۶.

۲. همان، ص ۱۹۹ - ۲۰۰.

۳. خاطرات نور الدین کیانوری، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیده‌گاه، ص ۲۱۲، اطلاعات.

- ۱- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و تخصیص عواید حاصله از آن به تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی.
- ۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها.^۱

پرسش

۱. سابقه تاریخی واگذاری نفت ایران به بیگانگان را بطور خلاصه شرح دهید.
۲. دو زمینه مهم ملی شدن صنعت نفت ایران را نام برده و توضیح دهید.
۳. نقش «آیت الله کاشانی» و فدائیان اسلام را در ملی شدن نفت بنویسید.
۴. دکتر مصدق پذیرش نخست وزیری را به چه چیز مشروط کرد و اساس کار برنامه دولت او چه بود؟

۱. پنجاه سال نفت ایران، ص ۴۰۸ - ۴۱۱.

درس دهم

نهضت ملی شدن نفت ایران (۲)

در قسمت اول این درس، به چگونگی مراحل ملی شدن نفت ایران پرداختیم و سیر حوادث را یکی پس از دیگری شرح داده، به قبول نخست وزیری دکتر «مصدق» و مأموریت او جهت اجرا شدن این امر مهم رسیدیم. حوادث این پدیده مهم تاریخ سیاسی معاصر ایران به همین جا خاتمه پیدا نمی‌کند، بلکه مرحله مشکل آن پس از این تاریخ است که دولت ملی دکتر «مصدق» با حمایت «آیت الله کاشانی» و مردم ایران قصد داشت گره این مشکلات راگشوده تا دولت و ملت ایران صاحب اصلی این سرمایه ملی خود شود.

اقدامات دولت ایران و شرکت نفت انگلیس پس از ملی شدن

الف - مقابله انگلیس با ملی شدن

دولت استعمارگر انگلستان پس از پیروز شدن نهضت از دو جهت به مقابله با آن پرداخت. از جهت داخل ایران، قصد داشت با تهدید ایران و نصب افراد وابسته خود به نخست وزیری، آن را در جهت حفظ منافع خود به سازش بکشاند که در این راستا کشتیهای جنگی خود را نیز به آبهای ایران فرستاد، اما پس از روی کار آمدن «مصدق» و پشتیبانی «آیت الله کاشانی» و مردم از او، این سیاست انگلیس با مشکل روبه رو شده و شکست خورد. از نظر خارجی نیز قصد داشت آمریکا را به کمک گرفته و تشویق به حمایت از سیاستهای خود در ایران کند. در راستای این هدف خود نماینده‌ای به آمریکا فرستاد تا به اتفاق آن کشور سیاست مشترکی در مورد ایران در پیش گیرند. سرانجام این دو کشور کنفرانسی درباره نفت ایران تشکیل دادند که در پایان آن، دولت انگلیس پیشنهاد سه ماده‌ای را به ایران ارائه داد و پس از آن به ملی شدن نفت ایران اعتراض کرد. از موارد مهم این پیشنهاد تشکیل یک شرکت جدید بود که درآمد نفت بطور

مساوی بین دو کشور تقسیم شود و پخش نفت در داخل ایران به یک شرکت ایرانی واگذار شود و جایگزینی کارمندان ایرانی به جای کارمندان خارجی از دیگر موارد طرح پیشنهادی بود.^۱

ب - سفر هیأت جاکسون به ایران

این هیأت از تاریخ ۲۱ تا ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ ه. ش، از طرف انگلستان در تهران بسر می‌برد و چند دور مذاکره با مقامات ایرانی انجام داد و تهدید کرد که در صورت عدم موفقیت مذاکراتش، متخصصان انگلیسی را با خود خواهد برد و نفت انگلیس نیز از عراق تأمین خواهد شد. این هیأت قصد موافقت با اجرای قانون نه ماده‌ای را نداشت اما دکتر «مصدق» انتظار داشت که پیشنهادهای آنها با قانون ملی شدن مغایرتی نداشته باشد. سرانجام، این هیأت پیشنهاد پنج ماده‌ای را به ایران ارائه داد که نمایندگان ایران آن را با قانون ملی شدن مغایر دانستند و هیأت با شکست رو به رو شد و ایران را ترک کرد.^۲

ج - تعیین هیأت مختلط خلع ید

برابر قانون نه ماده‌ای، مجالس ایران می‌بایست یک هیأت مختلط برای خلع ید انتخاب کنند. این کار در اواخر اردیبهشت همان سال انجام شد و این هیأت از تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۰ ه. ش، کار خود را با سفر به خوزستان شروع کرد. هیأت ابتدا پرچم ایران را بر فراز شرکت برافراشت و به جای ریاست قبلی که انگلیسی بود، هیأت مدیره موقت ایرانی مشغول به کار شد و به رییس پخش سابق شرکت دستور دادند که درآمد حاصل از نفت را به حساب شرکت ملی نفت ایران واریز کند. و به مشتریان خارجی اعلام شد که به هیأت مدیره موقت مراجعه کنند و سرانجام از «اریک دریک» - Drake Eric - مدیر کل سابق شرکت درخواست کردند که حسابها را از تاریخ تصویب قانون، تحویل مسئولان ایرانی بدهد. با تسلط کامل ایران بر تأسیسات نفت در روز ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ ه. ش، این روز به نام «خلع ید» نام گرفت.^۳

به دنبال شروع کار هیأت مدیره جدید، مدیر شرکت سابق از ایران خارج شد و محل استقرار خود را در بصره قرار داد. کارکنان خارجی شرکت نفت بطور دسته جمعی استعفا داده و بیشتر آنها با خانواده‌هایشان ایران را ترک کردند. دولت ایران سعی کرد از کشورهای نظیر آمریکا، هلند، سوئد و بلژیک کارشناس استخدام کند تا امور شرکت را اداره کند، اما همه آن کشورها بگونه‌ای و

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۰۰. ۲. همان مدرک، ص ۲۰۹.

۳. خلع ید (کتاب سیاه)، ج ۲، ص ۲۵۴ - ۳۹۴؛ مصدق و نبرد قدرت، ص ۲۲۲.

با فشار انگلیس از همکاری با ایران امتناع ورزیدند. در این زمان آمریکا به عنوان میانجی عمل کرده و از این طریق قصد داشت در آینده از نفت ایران سهمی داشته باشد.^۱

د - شکایت به دیوان دادگستری لاهه و شورای امنیت

چون اصل ملی شدن نفت ایران نمی‌توانست مورد پذیرش انگلیس باشد، آن دولت چند اقدام بطور همزمان انجام داد که یکی از آنان شکایت به «دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه» بود. بعد از این که شرکت و دولت انگلیس از راههای تهدید ایران، داوری و وساطت آمریکا به نتیجه‌ای دست نیافتند، سرانجام متوسل به این دادگاه شدند. ایران معتقد بود که قرار داد امتیاز با یک شرکت خصوصی منعقد شده در حالی که دیوان «لاهی» فقط دولتها می‌توانند مراجعه کنند. به همین دلیل دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد. اما انگلستان خواستار اقدامات تأمینی دیوان شد که سرانجام دادگاه با اکثریت ده رأی در مقابل دو رأی، قرار موقت صادر کرد و مبنای رأی خود را حمایت سیاسی انگلیس از اتباع خود دانست، ولی ایران آن را دخالت در امور داخلی خود دانسته و نپذیرفت.^۲

به علت عدم پذیرش و عدم اجرای قرار دادگاه لاهه از سوی ایران، انگلیس با مشکلاتی رو به رو شده بود. در این زمان آمریکا، بار دیگر بین ایران و انگلیس به وساطت برخاسته، هیأتی را به ریاست «هاری من» مشاور «ترومن» رئیس جمهور آمریکا به ایران فرستاد. وی ضمن ملاقات و مذاکره با «دکتر مصدق» و «آیت الله کاشانی» با پیشنهادهای ایران به لندن بازگشت. به دنبال او، «استوکس» وزیر مشاور دولت انگلستان به ایران آمد که ضمن مذاکره با مقامات ایرانی، طرح هشت ماده‌ای را نیز تهیه کرد که مورد موافقت مقامات ایران قرار نگرفت.^۳

به دنبال شکست مذاکرات «هاری من» و «استوکس»، دولت ایران باقیمانده کارمندان انگلستان را از ایران اخراج کرد. دولت انگلستان اخراج کارمندان را بر خلاف رأی تأمینی دیوان لاهه دانست و از ایران به شورای امنیت شکایت کرده، خواستار جلوگیری از اخراج کارمندان شد. «دکتر مصدق» در جلسه شورای امنیت شرکت کرد و در نطق خود به شرح تجاوزات شرکت در ایران پرداخته و اسناد دخالت انگلیس در امور داخلی ایران را به اعضای آن ارائه داده و واگذاری امتیاز را امری داخلی تلقی کرده، شورای امنیت را فاقد صلاحیت رسیدگی به آن دانست. سرانجام، پیشنهاد فرانسه مبنی بر مسکوت ماندن شکایت انگلیس تا اعلام رأی دیوان لاهه، مورد موافقت اعضای شورای امنیت قرار گرفت.^۴

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۱۱.
 ۲. سالهای نهضت ملی، ج ۵، ص ۱۵۰-۱۸۴.
 ۳. پنجاه سال نفت ایران، مصطفی، ۵۵۲-۵۶۰.
 ۴. طلای سیاه یا بلای جان ایران، ص ۱۷۱-۲۱۴.

دولت انگلیس چون از شکایت به شورای امنیت نتیجه‌ای به دست نیاورد، موضوع را از نظر قضایی و حقوقی در دیوان لاهه دنبال کرد و شکایت مفصلی علیه ایران به دیوان ارائه داد و مصادره یا ملّی کردن اموال خارجیها را مخالف قوانین بین المللی دانست و خواستار رسیدگی به شکایت در دیوان شد. ایران نیز ضمن تهیه اسناد و مدارک و دلایل خود، دیوان را فاقد صلاحیت رسیدگی به شکایت می‌دانست. سرانجام، روز نوزده خرداد ۱۳۳۱ ه. ش، تاریخ رسیدگی به صلاحیت دیوان تعیین شد و «دکتر مصدق» نیز در آن شرکت کرد. بحثهای حقوقی دقیقی بین وکیل مدافع ایران و انگلیس در گرفت که در نهایت دادگاه با اکثریت آراء، رای به عدم صلاحیت خود داد. صدور این رأی که مصادف با پیروزی قیام سی تیر بود، شادی مردم ایران را مضاعف کرد.^۱

قیام سی تیر و نتایج آن

تا این زمان نهضت ملّی شدن نفت با نخست وزیری «دکتر مصدق» و با حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه آیت‌الله کاشانی بخوبی پیش رفته بود، اما در روز ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۱ ه. ش، هنگامی که مذاکرات دکتر مصدق با شاه در مورد تصدی وزارت جنگ با شکست رو به رو شد، ناگهان وی استعفا داد و احمد قوام به نخست وزیری رسید. آیت‌الله «کاشانی» بی‌درنگ، واکنش نشان داد و با صراحت و قاطعیت اعلام کرد که «قوام» خائن است و باید برود و مصدق برای ادامه نهضت باید باز گردد. «قوام» پس از این که نتوانست از راه مذاکره، آیت‌الله «کاشانی» را راضی کند، او را تهدید کرد. اما وی در مقابل تهدید «قوام» مبارزه را متوجه دربار ساخت. «قوام» در حالی که دستور بازداشت آیت‌الله کاشانی را صادر کرده بود، اما او ضمن مصاحبه‌ای در روز ۲۹ تیر اعلام کرد که اگر «قوام» کنار نرود اعلام جهاد کرده، خود کفن می‌پوشم و به همراه مردم در مبارزه شرکت می‌کنم.^۲

به دنبال پیام آیت‌الله کاشانی، رهبر مذهبی نهضت، مردم در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ ه. ش، دست از کار کشیده و به عنوان اعتراض به حکومت قوام، در اطراف بهارستان اجتماع کردند. مردم در حالی که شعارهایی به حمایت از آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق می‌دادند، با نیروهای حکومت نظامی قوام درگیر شدند و تلفات زیادی دادند و سرانجام به پیروزی رسیدند. شاه دستور عزل قوام را صادر کرده، مصدق دوباره به قدرت رسید.^۳

۱. سالهای نهضت ملّی، ص ۳۰۰-۳۱۲.

۲. تاریخ سیاسی معاصر، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۴۷؛ تجربه ۲۸ مرداد، ف. م. جوانشیر، ص ۱۹۶، انتشارات حزب توده.

۳. همان، ص ۲۴۲-۲۴۵.

از نتایج مهم قیام سی تیر به قدرت رسیدن دوباره مصدق، رأی اعتماد مجلس شورای ملی و مجلس سنا به دکتر مصدق، کسب اختیارات قانونگذاری به مدت شش ماه از مجلس به وسیله دکتر مصدق، کناره گیری «دکتر حسن امامی» از ریاست مجلس و انتخاب آیت الله کاشانی به جای آن که گام مهمی در جهت تقویت نهضت بود، اطمینان دکتر مصدق به شاه مبنی بر وفادار بودن به قانون اساسی و سلطنت شاه، تصویب طرح توقیف «قوام السلطنه» و اموال او و همچنین تصویب طرح آزادی «خلیل طهماسبی» بود. از نتایج دیگر آن شناخته شدن آن روز به عنوان «روز قیام مقدس ملی» از سوی مجلس شورای ملی بود.^۱

اختلاف بین سران نهضت و دلایل آن

هر چند «آیت الله کاشانی» در قیام سی تیر و به قدرت رسیدن دوباره دکتر «مصدق» نقش ارزنده و بسیار مؤثری داشت، اما مصدق پس از به قدرت رسیدن دچار غرور و خودبزرگ بینی شده، تصور می کرد که هرگاه کسی بخواهد بر خلاف میل و نظر او عمل کند و یا قصد برکناری او را داشته باشد، وقایع سی تیر دوباره تکرار خواهد شد، غافل از اینکه محرک اصلی آن قیام «آیت الله کاشانی» و پیامها و نفوذ کلام او در جامعه اسلامی ایران بود. به هر حال، بعد از قیام سی تیر موضع دکتر مصدق نسبت به قبل بکلی تغییر کرد و به افکار و عقاید سایر همکاران و کسانی مثل کاشانی که از ارکان نهضت بودند، توجه نکرد.^۲

هر چند دو رهبر نهضت از فردای قیام ملی سی تیر دارای اختلافاتی بودند، اما در ابتدا این اختلاف کم و پشت پرده بود و حتی آیت الله کاشانی از اقداماتی نظیر انحلال مجلس سنا و قطع رابطه با انگلیس بطور کامل حمایت کرد، ولی دامنه اختلاف روز به روز گسترده تر و علنی تر شد و کم کم به نامه پراکنی و صحبت های علنی علیه یکدیگر رسید. علل و عوامل چندی باعث بروز و شدت این اختلافات شد که بطور اختصار در زیر خواهد آمد.

الف - انتصابات مصدق و عدم تعقیب مسببین قیام سی تیر

از جمله موارد و انتصابهایی که از سوی دکتر مصدق صورت گرفت و مورد مخالفت آیت الله کاشانی و حتی گاهی «جبهه ملی» که مصدق نیز عضو و مسؤول آن بود قرار گرفت عبارتند از: انتصاب سرتیپ دفتری پسر عمو و برادر دامادش به ریاست گارد گمرک، انتصاب سرتیپ افشار

۱. تاریخ سیاسی معاصر، ج ۱، ص ۲۴۶ - ۲۵۰. ۲. سالهای نهضت ملی، ج ۶، ص ۴۳۳.

طوس به ریاست شهربانی، انتصاب سرلشکر وثوق به معاونت وزارت جنگ و رییس ژاندارمری، انتصاب دکتر علی امینی، به وزارت اقتصاد ملی، انتصاب «شاپور بختیار» به معاونت وزارت کار. این افراد چون هر کدام دارای سوء پیشینه و شرکت در جنایت و سرکوبی نهضت ملی و قیام سی تیر بودند، نمی توانستند مورد تأیید آیت الله کاشانی قرار بگیرند، از این رو ایشان در انتصاب هر کدام از آنها اعتراض کرده و نارضایتی خود را نشان داد.^۱

در حالی که مردم و مجلس شورای ملی خواستار تعقیب و مجازات عاملین سرکوب قیام ملی سی تیر بودند، اما دکتر مصدق نه تنها در این مورد سیاست وقت گذرانی و مسامحه را در پیش گرفت، بلکه بگونه ای آنها را در زیر چتر حمایت خود قرار داده، مانع تعقیب و مجازات آنها می شد. نمونه آشکار در این مورد حمایت از «احمد قوام» بود که مجلس او را «مفسد فی الارض» شناخته و کلیه اموال و دارایی او را مشمول مصادره دانسته بود.^۲

ب - تقاضای اختیارات یک ساله

دکتر مصدق پس از پیروزی قیام سی تیر درخواست اختیارات شش ماهه از مجلس را کرده که به خاطر موقعیت حساس زمانی و حل مشکلات روند درگیری با انگلستان با آن موافقت شد، اما هنوز این مدت به پایان نرسیده بود که در تاریخ هجده دی ماه ۱۳۳۱ ه. ش، توسط باقر کاظمی وزیر خارجه، تمدید اختیارات به مدت یک سال را با قید دو فوریت از مجلس درخواست کرد. تصویب این امر در مجلس هفدهم که مدت یک سال از عمر قانونگذاری آن مانده بود، به معنای سلب اختیار کردن آن و واگذاری قدرت قانونگذاری به نخست وزیر بود و به همین دلیل نمی توانست مورد موافقت آیت الله کاشانی قرار گیرد. اما دکتر «مصدق» بر موضع و نظر خود اصرار ورزیده، تصویب آن را به معنای رأی اعتماد به دولت خود تلقی می کرد.^۳

در این زمان آیت الله کاشانی طی دو نامه جداگانه ای که به مجلس و دکتر مصدق نوشت، به درخواست او اعتراض کرده، واگذاری اختیارات مجلس به نخست وزیر را خلاف مسلم قانون اساسی و صلاح مملکت و دولت دانست و معتقد بود که اشتباه گذشته نمایندگان مجوز تکرار آن نخواهد بود و دکتر مصدق از حمایت و پشتیبانی کافی مجلس و مردم برخوردار است و برای حل قضیه نفت محتاج به تصویب اختیارات نیست، ولی دکتر مصدق تصویب اختیارات را ضامن اصلی پیروزی نهایی در مراحل بعدی می دانست و سرانجام مجلس آن را تصویب کرد.^۴

۱. همان، ج ۶ ص ۴۳۴-۴۳۵.

۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۷۰.

۳. سالهای نهضت ملی، ص ۲۸۱.

۴. همان، ص ۳۵۸-۳۶۰.

ج - طرح تعطیلی مجلس

انتخابات مجلس هفدهم در زمان نخست وزیری مصدق انجام شده بود و نمایندگان نیز از او حمایت می‌کردند. طبق قانون انتخابات آن زمان، مجلس با حضور نصف به علاوه یک نفر از کل ۱۳۶ نفر می‌توانست تشکیل شود، - ۶۹ نفر - و با حضور $\frac{3}{4}$ نمایندگان حاضر در تهران، مجلس رسمیت می‌یافت و می‌توانست کار کند، اما دکتر مصدق بر اساس اختیارات واگذار شده، لایحه جدید انتخابات را تهیه کرده بود که حداقل نمایندگان برای تشکیل جلسه ۸۷ نفر بود. اگر این لایحه به امضای دکتر مصدق می‌رسید و صورت قانونی پیدا کرده بود، مجلس که در آن زمان فقط ۷۹ نماینده داشت، نمی‌توانست تشکیل جلسه دهد و خود به خود منحل گردیده و تعطیل می‌شد. به همین دلیل، عده‌ای از نمایندگان طرحی با سه فوریت تهیه و تقدیم مجلس کردند که به موجب آن هیچ طرح یا لایحه‌ای نمی‌توانست با امضای رییس دولت موجب تعطیلی مجلس شود. آیت‌الله کاشانی هم مخالف لایحه تهیه شده توسط مصدق بوده، وجود مجلس را برای دولت و کشور لازم می‌دانست. این بحران نیز با رأی اعتماد مجلس به دکتر مصدق متوقف شد، ولی بعدها آیت‌الله کاشانی را از ریاست مجلس کنار گذاشتند و به وسیله همه‌پرسی آن را منحل کردند.^۱

د - قانون امنیت اجتماعی

یکی دیگر از موارد و علل مهمی که باعث اختلاف بیشتر بین رهبران نهضت شد، تصویب قانون «امنیت اجتماعی» توسط دکتر مصدق در زمان دارا بودن اختیارات شش ماهه بود. این قانون پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش به دست دولتهای وقت افتاد و ملاک عمل سازمان امنیت - ساواک - قرار گرفت و با تکیه بر آن بسیاری از کارهای غیر قانونی را انجام دادند. این قانون مشتمل بر نه ماده بود که چند ماده آن خلاف اصول و قوانین دموکراسی حاکم در دنیا بود. به موجب این قانون به دولت اجازه داده می‌شد که هر مخالفی را که خلاف مصالح دولت عمل می‌کرد، به تبعید فرستد و تجدید نظر نیز در رأی محکومین امکان نداشت.^۲

تصویب و امضای این قانون توسط دکتر مصدق مورد اعتراض شدید آیت‌الله کاشانی واقع شد. ایشان طی نامه‌ای به دکتر مصدق، تصویب آن را خلاف اصول دموکراسی دانسته، پیش‌بینی کرد که اگر دولت واژگون شود و این قانون به دست قدرت وابسته به بیگانه بیفتد، از آن برای سرکوبی نهضت ملی استفاده خواهد کرد و به همین دلیل آن را به مصلحت ملت و مملکت نمی‌دانست.^۳

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ص ۲۷۳ - ۲۷۹.

۲. سالهای نهضت ملی، ص ۸۸ - ۹۰.

۳. همان مدرک، ص ۹۱.

سرانجام همه این اختلافات از یک سو و اطرافیان دو جناح و عوامل بیگانه از طرف دیگر باعث جدایی کامل این دو رهبر شده و آیت الله کاشانی نامه تاریخی خود را مبنی بر پیش‌بینی از کودتا برای مصدق نوشت.

کودتای ۲۸ مرداد و کنسرسیوم نفت

سرانجام، اختلافات سران نهضت و انحلال مجلس شورای ملی از یکسو و تغییر سیاست آمریکا با روی کار آمدن «آیزنهاور» جمهوری خواه به جای «هاری ترومن» دموکرات، از سوی دیگر زمینه را برای کودتا فراهم کرد. طرح و برنامه‌ریزی کودتا به وسیله سازمانهای جاسوسی انگلیس و آمریکا و عوامل داخلی آنها بویژه سرلشکر «فضل الله زاهدی» فراهم شده، به بهانه نفوذ و قدرت بیش از حد کمونیستها، دولت دکتر مصدق را در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش، سرنگون کردند و نهضت ملی نفت ایران را که فراز و نشیبهای فراوانی را پشت سر گذاشته بود، با شکست روبه رو کردند و «فضل الله زاهدی» به نخست وزیری رسید و شاه که به خارج فرار کرده بود، به ایران بازگشت.^۱ پس از به قدرت رسیدن زاهدی، هرگونه اجتماعی ممنوع گردید، انتخابات فرمایشی مجلس هجدهم برگزار شد، مجلس سنای منحل شده شروع به کار کرد، رابطه سیاسی دوباره با انگلستان برقرار شد و مهمتر از همه، نفت ملی شده ایران به یک کنسرسیوم مرکب از شرکتهای نفتی آمریکا و انگلیس هر کدام چهل درصد، فرانسه شش درصد و هلند چهارده درصد، واگذار شد. بدین ترتیب، آمریکا که به صورت میانجی و واسطه بین ایران و انگلیس وارد شده بود، با کمک استعمار پیر انگلیس با کودتا دولت ملی ایران را سرنگون کرد و سهم خود را از نفت ایران به دست آورد و با کمک آن کشور تا پیروزی انقلاب اسلامی به چپاول و غارت نفت ایران پرداخت.^۲

پرسش

۱. اقدامهای دولت ایران و انگلیس را پس از ملی شدن نفت بنویسید.
۲. علل به وجود آمدن قیام سی تیر چه بود؟ نتایج آن را شرح دهید.
۳. دلایل اختلاف بین آیت الله کاشانی و دکتر مصدق را توضیح دهید.
۴. چگونه شکل‌گیری کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را به وسیله انگلیس و آمریکا شرح دهید.

۱. مصدق، نفت، کودتا، محمود تفضلی، ص ۵۹-۷۲، امیر کبیر.

۲. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، غلامرضا نجاتی، ج ۱، ص ۷۳-۸۷، مؤسسه فرهنگی رسا.

درس یازدهم

ظهور آمریکا در صحنه سیاسی ایران

بعد از انقلاب مشروطیت، دولتمردان ایران به این نتیجه رسیدند که برای اصلاح امور مالی و تمرکز سیستم مالیاتی ایران، کارشناسانی را از کشورهای بی طرف که سابقه حضور استعماری در ایران نداشتند، استخدام کنند. سرانجام با موافقت روس و انگلیس که در آن زمان با قرار داد ۱۲۸۶ ه. ش / ۱۹۰۷ م، ایران را به دو منطقه نفوذ تقسیم کرده بودند، «مورگان شوستر» آمریکایی در سال ۱۲۹۰ ه. ش / ۱۹۱۱ م، به اتفاق یک هیأت به ایران آمد. وی پس از مدت کوتاهی قانونی از مجلس ایران گذراند که به موجب آن قدرتش به عنوان خزانه دار کل افزایش یافت. «شوستر» یک سازمان ژاندارمری نیز برای وصول مالیاتها تشکیل داد؛ اما سرانجام روسیه و انگلستان فعالیتهای او را نقض قرارداد ۱۹۰۷ م، دانسته و با فشار آن دولتها، ایران او را برکنار کرد.^۱

شرکت نفت آمریکایی «استاندارد اویل» به کمک «مورگان شوستر» مستشار مالی پیشین و «آرتور میلسپو» رایزن مالی وزارت خارجه آمریکا، در سال ۱۳۰۰ ه. ش / ۱۹۲۱ م، امتیاز انحصاری اکتشاف و استخراج نفت از پنج استان شمالی کشور - استثنای شده از قرار داد داریسی - را از ایران گرفته و مجلس ایران نیز آن را تصویب کرد؛ اما پس از یک سال دولت ایران به علت فشارهای خارجی و داخلی آن را لغو کرد.^۲

یک سال پس از لغو امتیاز «شرکت استاندارد اویل»، «دکتر میلسپو» در رأس یک هیأت از کارشناسان آمریکایی به ایران آمد و فعالیتهای جدیدی را برای گرفتن امتیاز نفت آغاز کرد.

۱. روابط سیاسی ایران و آمریکا، آبراهام یسلسون، ترجمه محمدباقر آرام، از ص ۱۶۴ تا ۲۵۲، امیر کبیر؛ (اقتباس)

جنگ قدرتها در ایران، باری روبین، ترجمه محمود مشرقی، از ص ۱۵ تا ۱۷، انتشارات آشتیانی.

۲. تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران، گریکوری لویچ بوندارفسکی، ترجمه مؤسسه نووستی، ص ۱۶، نشر توده تهران، ۱۳۵۸.

سرانجام، با تلاشهای او در سال ۱۳۰۳ ه. ش، امتیاز نفت چهار استان شمال به یک شرکت امریکایی به نام «سینکالر» واگذار شد. این شرکت مدّتی در ایران فعالیت کرد، اما پس از کشته شدن معاون کنسول امریکا در تهران، به بهانه عدم امنیت، کار خود را در ایران تعطیل کرد.^۱

«دکتر میلپو» از سال ۱۳۰۱ ه. ش به همراه یک هیأت، سرپرستی امور مالی ایران را به مدّت پنج سال در دست گرفت. وی به اتفاق همکارانش در این مدّت ریاست اداره درآمدهای داخلی وزارت دارایی، خزانه‌داری کل این وزارت خانه و سرپرستی مالی چند استان مهم کشور را در دست داشت. او تلاشهای زیادی برای اصلاحات امور مالی ایران انجام داد، اما فعالیتهایش به نفع امریکا از یکسو و بحرانهای اقتصادی از سوی دیگر، باعث شد که رضاشاه ابتدا حدود اختیارات او را محدود کرده، سپس دستور خاتمه خدمت او را بدهد و او کشورمان را ترک کرد.^۲

جنگ جهانی دوم و ورود امریکا به صحنه سیاسی ایران

الف - حضور هیأت‌های مختلف، زمینه‌ساز نفوذ همه جانبه

در سال ۱۳۲۰ ه. ش، در حالی که ایران بی‌طرفی خود را در جنگ دوم جهانی اعلام کرده بود، متفقین - شوروی و انگلیس - از چند محور کشور ما را مورد حمله قرار داده و به اشغال خود در آوردند. بعدها امریکا هم به آنها پیوست. اشغال ایران توسط متفقین، استفاده و انبار کردن مواد غذایی مردم توسط آنها باعث شده بود که ایران از نظر اقتصادی در موقعیت اسفناکی قرار بگیرد، تورم، افزایش قیمت‌ها، تشکیل بازار سیاه، قحطی و گرسنگی که نتیجه مستقیم حضور ارتشهای بیگانه در خاک ایران بود، اقتصاد ایران را در ورطه نابودی قرار داده بود؛ به همین دلیل «قوام السلطنه» که در این سالها نخست وزیر ایران بود، اقدام به استخدام مستشاران امریکایی کرد.^۳

امریکا که در جنگ دوم جهانی در صف متفقین قرار گرفته بود و در امور ایران ذی نفع بود، از درخواست «قوام» استقبال کرده، هیأت‌هایی از مستشاران مالی و اقتصادی، بهداشتی، نظامی و انتظامی، کشاورزی و نفتی را به ایران اعزام کرد. مهمترین این هیأت‌ها، هیأت مالی به ریاست دکتر «آرتور میلپو» بود که به علت مأموریت قبلی با مسائل و مشکلات ایران آشنا بود. وی در سال

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۵۰-۵۲.

۲. پژوهشی در تاریخ معاصر ایران، مریم میر احمدی، ص ۸۲، آستان قدس، مشهد، ۱۳۶۸؛ تاریخ توسعه طلبی امریکا در ایران، ص ۱۸-۲۱؛ جنگ قدرتها در ایران، ص ۲۱.

۳. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۲۳۵.

۱۳۲۳ ه. ش / ۱۹۴۳ م وارد تهران شده، به عنوان رییس کل دارایی با اختیارات وسیع، نبض امور مالی و اقتصادی ایران را در دست گرفت.^۱

با آنکه میلپو اختیارات زیادی در امور مالی، حمل و نقل، تثبیت قیمت‌ها و توزیع خواربار و حتی قانونگذاری داشت، اما نتوانست در کار خود موفقیت زیادی کسب کند و به همین علت اوضاع اقتصادی روز به روز بدتر شده و قیمت‌های اجناس سیر صعودی داشت. پیشنهادها و راه حل‌های او در این زمان تأسیس وزارت خواربار، جیره بندی مواد غذایی و استقراض خارجی بود که هیچ کدام نتوانست مفید و سودمند واقع شود. علت عدم موفقیت و ناکامی میلپو در این زمان دو چیز بود: اول اینکه او وظیفه اساسی خود را در درجه اول تأمین احتیاجات متفقین در ایران قرار داده بود، دوم اینکه دولت شوروی حاضر نشد صلاحیت او را به رسمیت بشناسد و از ورود مستشاران مالی امریکایی به نواحی شمالی که در اختیار ارتش سرخ بودند، جلوگیری کرد. سرانجام، بر اثر مخالفت‌های داخلی و خارجی و بویژه دولتهای شوروی و انگلستان، اختیارات وی از سوی مجلس محدود شده و او پس از چند سال ایران را ترک کرد.^۲

آمریکا به منظور گسترش سلطه همه جانبه خود بر ایران و همزمان با فعالیتهای میلپو، ارتش خود را به بهانه ارسال کمک به شوروی وارد خاک ایران کرده و مستشاران نظامی مثل سرهنگ «شوارتسکف» و سرهنگ «تیمرمن» را برای سازماندهی و آموزش نیروهای ژاندارمری و شهربانی به ایران فرستاد. علاوه بر آن قسمتهایی از وزارت جنگ مانند امور سر رشته داری و حمل و نقل نیز در دست نظامیان آمریکا بود. بدین ترتیب، گسیل هیأت‌های مختلف در زمان اشغال ایران از یک سو و نارضایتی مردم از روسها و انگلیسیها از سوی دیگر، زمینه‌های حضور همه جانبه سیاسی، نظامی و اقتصادی امریکا را بتدریج فراهم کرد.^۳

ب - نقش آمریکا در تخلیه ارتش اشغالگر شوروی

پس از اینکه بی طرفی ایران در جنگ جهانی دوم نادیده گرفته شد و ایران اشغال گردید بناچار در کنار متفقین قرار گرفت، این کشورها - شوروی، انگلیس و امریکا - نیز به موجب کنفرانسهای «یالتا» و «پوتسدام» در سال ۱۳۲۱ ه. ش / ۱۹۴۲ م، تعهد کردند که شش ماه پس از پایان جنگ،

۱. همان، ص ۱۳۶.

۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۳۹؛ تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۲۳۶.

۳. پژوهشی در تاریخ معاصر ایران، ص ۸۲-۸۳؛ جنگ قدرتها در ایران، ص ۲۶.

نیروهای خود را از خاک ایران تخلیه کنند. علاوه بر آن، رهبران سه کشور متفق - روزولت، استالین، چرچیل - در سال ۱۳۲۲ ه. ش، در «کنفرانس تهران» استقلال و تمامیت ارضی ایران را پس از جنگ تضمین کرده، دوباره بر تخلیه ایران تأکید کردند.^۱

روسها که از زمان پتر کبیر به خاک ایران چشم دوخته بودند و با تحمیل قراردادهای صلح گلستان و ترکمنچای نفوذ زیادی در صحنه سیاسی ایران پیدا کرده بودند و به هیچ وجه راضی به از دست دادن این نفوذ نبودند، هنگام اشغال ایران در طول سالهای جنگ جهانی دوم دست به اقداماتی در خاک کشورمان زدند. آنها نیروهای نظامی ایران را از مناطق تحت اشغال خود بیرون کرده، کالاهای خود را بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی وارد ایران کردند، مواد غذایی و محصولات کشاورزی مناطق شمال ایران را به شوروی صادر کرده، موجب بروز قحطی و کمبود مواد غذایی در ایران شدند.^۲ علاوه بر اینها، دست به تحرکات سیاسی زده، با آزادی کمونیستهای زندانی، «حزب توده ایران» را تحت چتر حمایت خود تشکیل دادند. همچنین برای توسعه نفوذ خود و فشار بر دولت ایران، دو گروه دیگر تجزیه طلب و خود مختار به نام «حزب دموکرات آذربایجان» به رهبری «سید جعفر پیشه‌وری» و حزب دموکرات گوردستان به رهبری «قاضی محمد» را به کمک عوامل داخلی و خارجی خود در استانهای آذربایجان و کردستان ایران تشکیل دادند. در پایان جنگ، هر چند نیروهای انگلیس و آمریکا خاک ایران را ترک کردند لیکن، دولت شوروی به بهانه حمایت از حکومتهای خود مختار آذربایجان و کردستان و در واقع جهت حفظ و گسترش نفوذ خود پس از جنگ، از تخلیه خاک ایران خودداری کرد.^۳

دور بودن آمریکا از صحنه جنگ و وارد نشدن خسارتهای جدی به این کشور در طول جنگ از یکسو و ضعف کشورهای بزرگ اروپایی مانند فرانسه و انگلیس به علت تحمل خسارتهای فراوان باعث شد که آمریکا به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی و نظامی پس از جنگ، خواستار حضور گسترده‌تر در صحنه جهانی باشد. موقعیت مناسب جغرافیایی ایران از یکسو و وجود نفت فراوان از سوی دیگر، باعث شده بود که آمریکا حضور همه جانبه شوروی را در خاک ایران تحمل نکرده و جهت تخلیه ایران الیتماتومی به آن کشور بدهد و فشارهایی بر آن وارد کند.

۱. جنگ قدرت‌ها در ایران، ص ۲۹ - ۳۸؛ ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ دوم جهانی، ایرج ذوقی، ص ۱۶۷ - ۱۹۴، انتشارات پاژنگ.

۲. همان، ص ۲۵.

۳. همان، ص ۳۴ - ۴۰.

سرانجام، فشار آمریکا و سیاست «قوام» مبنی بر واگذاری نفت شمال به شوروی باعث تخلیه کامل ایران از نیروهای آن کشور شد.^۱

میانجیگری آمریکا در مسأله ملی شدن نفت ایران

دکتر مصدق در سال ۱۳۳۰ ه. ش، پس از ملی شدن صنایع نفت ایران و تشکیل دولت، مأمور اجرای لایحه ملی شدن نفت شد. در این هنگام، انگلستان دست به چند اقدام همزمان زد که از جمله آنها به وساطت طلبیدن دولت آمریکا بین دو کشور بود. سفیر آمریکا در تهران ضمن پذیرفتن چنین نقشی، دکتر مصدق و سفیر انگلیس را به مذاکره دعوت کرده تا زمینه سازش را فراهم کند. دکتر مصدق مذاکره با میانجیگری آمریکا را با این شرط پذیرفت که مأمور مذاکره از سوی شرکت نفت انگلیس باشد نه نماینده دولت انگلستان.^۲

پس از اینکه هیأت مختلط ایرانی برای خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس مشغول کار شد، کارشناسان انگلیسی دسته جمعی استعفا داده، از همکاری با هیأت مزبور خودداری کردند. در این زمان دولت ایران سعی کرد از کشورهای بی طرف مانند هلند، سوئد، بلژیک و بویژه آمریکا کارشناس نفت استخدام کند، اما آمریکا از یکسو از اعزام کارشناس به ایران خودداری کرده و از طرف دیگر، دولت انگلستان را از به کارگیری نیروی نظامی در ایران بر حذر داشت و بر مذاکره بین دو کشور تأکید نمود و از این طریق می خواست با ورود در مذاکرات در آینده سهمی از نفت ایران داشته باشد.^۳

بعد از رأی تأمینی دادگاه بین المللی «لاهی»^{*} و امتناع ایران از اجرای آن، انگلستان یک بار دیگر در بن بست قرار گرفته و دست به دامن آمریکا شد و «هاریمن» از سوی دولت آمریکا به منظور وساطت بین ایران و انگلیس اعزام تهران شد و دکتر مصدق نیز از اعزام او برای مشاوره و میانجیگری بین دو کشور استقبال کرد. وی در مدت اقامت خود در ایران با یک هیأت از کارشناسان نفت ایران دیدار کرده و به فرمولی برای مذاکره با انگلستان دست یافت. پس از برگشت او به لندن،

۱. جنگ قدرتها در ایران، ص ۳۸-۴۳؛ تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۵۸-۱۶۱.

۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۱۱. همان.

*. دادگاه بین المللی لاهی به شکایتی می تواند رسیدگی کند که هر دو دولت به صلاحیت آن رضایت داده باشند و اگر یکی از دولتها صلاحیت دادگاه را در رسیدگی به مسأله ارجاع داده شده، قبول نداشته باشد، دادگاه قبل از رسیدگی به صلاحیت خود می تواند به آن مسأله رأی موقتی بدهد که به آن رأی تأمینی می گویند.

دولت انگلستان ضمن قبول مشروط اصل ملی شدن نفت ایران، هیأتی را به ریاست «استوکس» به ایران فرستاد. وی ضمن مذاکره با یک هیأت هفت نفره ایرانی و ملاقات با «آیت الله کاشانی» سرانجام طرح هشت ماده‌ای را به هیأت ایرانی ارائه داده و آنها این طرح را با لایحه ملی شدن نفت مغایر دانستند و بدین ترتیب، وساطت هاریمن و مأموریت استوکس هر دو با شکست روبه رو شد.^۱ «دکتر مصدق» در پانزدهم مهر ۱۳۳۰ ه. ش، برای شرکت در جلسه شورای امنیت راهی آمریکا شد و پس از پایان کارشورا به مدت یک ماه در آمریکا اقامت گزید و با رئیس جمهور و سایر مقامهای آمریکایی ملاقات و گفتگو کرد و سعی نمود کمک آنها را از نظر مادی برای خروج از بحران اقتصادی ایران جلب کند یا اینکه وساطت در مذاکره با انگلستان را به عهده بگیرد. دولت آمریکا وساطت بانک بین المللی عمران و توسعه را پیشنهاد کرد که مورد موافقت «مصدق» قرار گرفت و رفت آمدهایی از سوی مسؤولین و کارشناسان بانک به لندن و تهران صورت گرفت که سرانجام پیشنهادهای بانک مورد موافقت ایران و بویژه دکتر مصدق قرار نگرفت، زیرا در صورت پذیرفته شدن پیشنهادهای بانک، ایران حق نداشت بطور مستقیم وارد بازار شود و نفت خود را بفروشد و این نیز مغایر با اصل ملی شدن نفت بود. بدین ترتیب وساطت آخر امریکا بین ایران و انگلیس به نتیجه‌ای نرسید و به شکست انجامید.^۲

نقش امریکا در کودتای ۲۸ مرداد

هر چند آیه الله کاشانی در قیام سی تیر و به قدرت رسیدن دوباره دکتر مصدق نقش بسیار مهمی داشت اما مصدق پس از به قدرت رسیدن دچار غرور و خود بزرگ بینی شده، دست به اقداماتی زد که باعث اختلاف بین او و آیت الله کاشانی شد. از جمله اقدامهای خود سرانه او انتصاب سرکوب کنندگان قیام سی تیر و نیز تقاضای اختیارات یک ساله، طرح تعطیلی مجلس و تصویب قانون امنیت اجتماعی بود. آیت الله کاشانی در مقابل هر کدام از این کارهای اختلاف برانگیز و خلاف قانون، صدای اعتراض خود را بلند کرده، موارد خلاف قانون آنها را به اطلاع «دکتر مصدق» رساند، ولی او هیچ اقدامی در این باره انجام نداد.^۳

۱. مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی، جیمز بیل و ویلیام راجر لوئیس، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، کاوه بیات، ص ۳۰۱-۳۰۳، نشر نو؛ جنگ قدرتها در ایران، ص ۶۸-۷۱.

۲. مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی، ص ۳۰۴-۳۱۷؛ تاریخ سیاسی معاصر، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۵.

۳. سالهای نهضت ملی (کتاب سیاه)، ج ۶، ص ۷۰-۴۳۵، و بیست و پنج سال حاکمیت امریکا بر ایران، جواد منصوری، ص ۳۴، بی نا، بی جا، ۱۳۶۴.

پس از بروز اختلاف بین رهبران نهضت ملی شدن نفت ایران و به قدرت رسیدن جمهوری خواهان در ایالات متحده، امریکا و انگلیس که در این زمان برای سرنگونی دولت ملی «دکتر مصدق» و غارت دوباره نفت ایران به تفاهم رسیده بودند، فعالیت‌های خود را در داخل و خارج ایران آغاز کردند. مصدق که در زمان نخست وزیری خود، میدان را برای فعالیت‌های بیشتر «حزب توده» باز گذاشته بود، بهانه لازم دیگری به دست امریکا و انگلیس داد تا آنها هر چه زودتر طرح کودتا را آماده کنند. در این زمان، سازمان‌های جاسوسی انگلیس و امریکا مشغول کار شده و به وسیله ایادی و مزدوران داخلی خود، بویژه «سرهنگ فضل‌الله زاهدی» کودتایی را برای سرنگونی «مصدق» تدارک دیدند و سرانجام توانستند در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش دولت دکتر مصدق را سرنگون کنند.^۱

«کرومیت روزولت» از جاسوسان برجسته سیاه که از سوی این سازمان رهبری کودتا را در ایران به عهده داشت، به نقش امریکا در کودتای ۲۸ مرداد اعتراف کرده و می‌گوید:

... مبلغ یک میلیون دلار امریکایی برای هزینه بلوا و آشوب و اغتشاش در اختیار داشته، ولی فقط ۷۵ هزار دلار آن را خرج کرده است و آیزنهاور (رییس‌جمهور امریکا) از چگونگی عملیات مربوط به کودتا از آغاز تا پایان آگاه بوده و دستور اجرای کودتا به وسیله «دالس» وزیر خارجه امریکا به برادرش «آلن دالس» رئیس سابق سیا و همچنین «والتر میدل اسمیت» معاون وزارت خارجه صادر شد.^۲

پس از کودتا، دولت زاهدی که از طرف امریکا و انگلیس حمایت می‌شد، به قدرت رسید. شاه که قبل از کودتا ایران را ترک کرده بود، به ایران بازگشت و به مدت ۲۵ سال دیگر در ایران حکومت کرد. هدف از کودتای امریکایی-انگلیسی زاهدی، تحکیم سیاسی رژیم شاه و سرکوب گروه‌ها، حل مسائل اقتصادی و در رأس آن موضوع نفت، تغییر محور سیاست خارجی ایران، اسلام‌زدایی و مبارزه با گروه‌های مذهبی و سرانجام تغییر در ساختار اقتصادی کشور بود که یکی پس از دیگری در برنامه دولتهای بعد از کودتا قرار گرفته و به انجام رسید. دولت زاهدی در مدت کوتاه زمامداری خود، مخالفین را بشدت سرکوب کرده، رابطه با انگلیس را که در زمان مصدق و نهضت ملی شدن نفت قطع شده بود، دوباره برقرار کرد و مسأله نفت را به شیوه‌ای که خواهد آمد حل کرده، انتخابات فرمایشی مجلس هجدهم را برگزار کرد.^۳

۱. تاریخ توسعه طلبی امریکا در ایران، ص ۷۴-۸۳؛ جنگ قدرتها در ایران، ص ۷۶-۸۶؛ مصدق، نفت، کودتا، ص ۶۵-۷۱.

۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳. بیست و پنج سال حاکمیت امریکا بر ایران، ص ۴۲-۴۵.

امریکا و کنسرسیوم نفت ایران

زاهدی که یکی از هدفهای اصلی دولت خود را حل مسأله نفت قرار داده بود، کمیسیون مشورتی را تشکیل داد. پس از آن یک هیأتی را به ریاست «دکتر علی امینی» وزیر دارایی وقت، برای مذاکره با نمایندگان بیست نفره که از اعضای شرکتهای نفتی خارجی تشکیل شده بود و همچنین رسیدگی به پیشنهادهای آنها، مأمور کرد. این هیأت پس از بررسیها و مشورتهای لازم با افراد خارجی و ذی نفع در شرکتهای خارجی، به این نتیجه رسید که باید شرایط کارتهای بین المللی را پذیرفت، زیرا آنها عقیده داشتند که ایران توانایی تولید، استخراج و بازاریابی و فروش نفت خود را ندارد.^۱ سرانجام، قرارداد کنسرسیوم یا فروش نفت و گاز ایران در ۲۹ مهر ۱۳۳۳ ه. ش، به امضای «علی امینی» نماینده ایران و «پیچ» نماینده شرکتهای خارجی رسید و مجلس دوره هجدهم هم که به صورت فرمایشی در زمان «زاهدی» تشکیل شده بود، آن را به تصویب رساند. این کنسرسیوم مرکب از هشت شرکت خارجی بود که در مجموع چهل درصد به شرکتهای امریکایی و همین مقدار نیز به شرکتهای انگلیسی و بقیه به شرکتهای هلندی و فرانسوی رسید. هر چند این قرارداد بظاهر با شرکتهای خصوصی بسته شده بود، اما چهار کشور امریکا، انگلیس، فرانسه و هلند پشتیبان آن بودند.^۲

از تاریخ تصویب قرارداد «امینی - پیچ» یا «قانون فروش نفت و گاز ایران» امریکا به تدریج وارد تمام شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی کشور شد و در غارت منابع ایران بویژه نفت همسفره و شریک انگلستان گردید و این مسأله نقطه عطفی در انتقال و تغییر حاکمیت انگلیس به امریکا در ایران بود.^۳

پرسش

۱. چگونه نفوذ امریکا در صحنه سیاست ایران پس از جنگ جهانی دوم را شرح دهید.
۲. سیاست امریکا در مقابله با نهضت ملی شدن نفت ایران چگونه بود؟ توضیح دهید.
۳. نقش امریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش را بنویسید.
۴. چگونه سهم شدن شرکتهای نفتی امریکایی را در کنسرسیوم نفت ایران بنویسید.

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۷. ۲. همان، ص ۳۰۶-۳۰۷ و جنگ قدرتها در ایران، ص ۸۹.

۳. بیست و پنج سال حاکمیت امریکا بر ایران، ص ۴۴؛ جنگ قدرتها در ایران، ص ۸۷.

درس دوازدهم

قیام پانزده خرداد (۱)

در تمام جنبشها و نهضت‌های اسلامی و ملی صد ساله اخیر، روحانیت مبارز و متعهد نقش عمده‌ای ایفا کرده، در صف مقدم مبارزه قرار داشته است و هر بار با پشتیبانی طبقات مختلف مردم، استبداد داخلی و استعمار خارجی را با شیوه‌ای خاص شکست داده است.

از میان همه این نهضت‌ها، قیام پانزده خرداد دارای ویژگی خاص خود است؛ چراکه امام خمینی (ره) توانست با استفاده از تجارب همه نهضت‌ها و با ترکیب سیاست و دیانت قیامی را آغاز کند که سرانجام آن نابودی رژیم ۲۵۰۰ ساله پادشاهی ایران شد.

قیام پانزده خرداد یک روزه آغاز نشد، بلکه رهبر قیام در دوران دیکتاتوری رضاشاه با نوشتن کتاب کشف الاسرار زمینه‌های فکری آن را آماده کرده، خواستار حکومت فقها گردید و مدتها منتظر فرصت مناسبی بود تا مبارزه خود را با نظام شاهنشاهی آغاز کند. مطرح شدن لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی سرآغاز و زمینه لازم برای این قیام شد. به همین دلیل، ما در این درس به حوادث و اتفاقاتی که زمینه اصلی خود قیام بودند، اشاره می‌کنیم و در درس دوم به اصل قیام می‌پردازیم.

انجمنهای ایالتی و ولایتی، نخستین گام

الف - سابقه

در متمم قانون اساسی مشروطیت و در اصول ۹۱ و ۹۲، تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی با شرایط خاصی پیش بینی شده بود. آیین‌نامه اجرایی آن نیز در همان مجلس (شورای ملی اول) به تصویب رسید، اما به دلایلی هنوز اجرا نشده بود. بر اساس آیین‌نامه اجرایی مصوب مجلس در زمان مشروطیت، انتخاب شونده‌گان و انتخاب کنندگان باید دارای سه شرط زیر باشند:

«۱- باید متدین به دین حنیف اسلام باشند و فساد عقیده نداشته باشند.

۲- هنگام سوگند باید به قرآن مجید سوگند یاد کنند.

۳- طایفه زنان از انتخاب کردن و انتخاب شدن محرومند.»^۱

در تاریخ شانزدهم مهر ۱۳۴۱ روزنامه‌ها اعلام کردند که لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی جدیدی در دولت «اسدالله علم» به تصویب رسیده است و متن آن را در همان روز منتشر کردند. در تصویبنامه جدید به منظور اسلام زدایی و دور کردن انجمنها از نفوذ و تسلط روحانیت و به بهانه دموکراسی و ترقی خواهی و در واقع خوش خدمتی به دولت جدید دموکرات «کندی» در امریکا، شرایط متدین بودن به دین اسلام و سوگند به قرآن حذف شده، به زنان نیز اجازه انتخاب شدن و انتخاب کردن داده بودند.^۲

ب - علتهای مطرح شدن لایحه در این زمان

آیه الله بروجردی یکی از مراجع بزرگ در این زمان بود. مرجعیت ایشان از جانب همه پذیرفته شده بود و در ایران و عراق دارای مقلدان فراوانی بود. هر چند این عالم ربانی بزرگ، در امور سیاسی دخالت نمی کرد، ولی وجود ایشان باعث شده بود که رژیم شاه جرأت تصویب قوانین و آیین نامه های ضد اسلامی را نداشته باشد. درگذشت ایشان در فروردین ۱۳۴۰ ه. ش، زمینه را برای انجام بعضی از کارهای خلاف شرع از سوی رژیم شاه فراهم کرد.^۳

دومین عاملی که باعث مطرح شدن لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی شد، درگذشت عالم بزرگوار آیه الله «سید ابوالقاسم کاشانی» بود. وی که در رأس جناح مذهبی در زمان نهضت ملی شدن نفت قرار داشت، پس از آن نیز تا زمان مرگش همواره با دولتهایی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش، روی کار آمدند، مخالفت کرد. مرگ این روحانی مبارز که سیاست را جدا از دیانت نمی دانست، زمینه دیگری برای مطرح شدن تصویب نامه بود.^۴

رژیم شاه قصد داشت پس از فوت «آیه الله بروجردی»، مرجعیت را به خارج از ایران یعنی به حوزه علمیه نجف منتقل کند، تا با استفاده از این مسئله یا عدم تمرکز مرجعیت در حوزه علمیه قم، مقاصد شوم خود را دنبال کند و در این راستا، بی درنگ پس از فوت ایشان لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی را تصویب کرد.^۵

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۵۷. ۲. همان، ص ۳۷۵-۳۷۶.

۳. همان، ص ۳۶۲-۳۶۳. ۴. همان، ص ۳۶۴.

۵. انقلاب اسلامی و ریشه های آن، عباسعلی عمید زنجانی، ص ۴۴۱، نشر کتاب سیاسی.

عامل دیگری که باعث شد لایحه در این زمان مطرح شود، فشار از خارج بود. امریکا که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش، نفوذ زیادی در ایران پیدا کرده بود، با روی کار آمدن «کندی» از حزب دموکرات، قصد داشت که در کشورهای تحت نفوذ خود بویژه ایران، تحولاتی هر چند ظاهری به وجود آورد. در همین راستا، شاه انجمنهای ایالتی و ولایتی را به منظور دموکراتیک جلوه دادن حکومت و با حذف نشانه‌های اسلامی آن به تصویب رساند.^۱

ج - دلایل مخالفت از سوی امام خمینی (ره)

حذف قید اسلام از شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و تبدیل سوگند «قرآن» به «کتاب آسمانی» از سوی رژیم شاه در لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی به منزله مخالفت صریح رژیم شاه با قرآن و اسلام و توهینی آشکار به روحانیت و مراجع تقلید که حافظ و مروج اسلام و قرآن هستند، بود. به همین دلیل امام خمینی (ره) بی‌درنگ پس از انتشار خبر شروع به مخالفت کرده و خواهان لغو فوری آن شد.^۲

با توجه به اینکه تغییر در قانون اساسی مشروطیت فقط به عهده مجلس مؤسسان گذاشته شده بود، دولت حق تغییر و تفسیر اصول قانون اساسی را نداشت و از طرف دیگر امام (ره) تعطیلی مجلس را از سوی دولت «علم» غیر قانونی دانسته و آن را تجاوز به اساس مشروطه می‌دانست و از این جهت نیز به دولت اعتراض داشت و خواهان لغو تصویبنامه هیأت وزیران بود.^۳

رژیم شاه قصد داشت با آزادی رأی زنان به دستور آمریکا از یکسو حکومت خود را دموکراتیک و مردمی جلوه دهد از سوی دیگر، با مخالفت روحانیت با آزادی رأی زنان آنها را مخالف حقوق زنان معرفی کند، اما امام خمینی (ره) رژیمهای دست نشانده و بویژه دودمان ننگین پهلوی را علت محروم بودن زنان ایران از ضروری‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق خود دانست.^۴

د - نخستین پیروزی قیام

پس از جلسه مشورتی که با حضور آیات عظام (ره) امام خمینی «گلپایگانی» و «شریعتمداری»^۵

۱. همان، ص ۳۴۸-۳۴۹.

۲. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، سید حمید روحانی، ج ۱، ص ۱۴۸، انتشارات راه امام، چاپ یازدهم.

۳. همان، ص ۱۴۹. ۴. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۴۴.

۵. شریعتمداری در شروع نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به ظاهر همراه و همگام امام بود، اما از همان موقع با دربار شاه رابطه داشت. وی پس از انقلاب در مقابل امام (ره) قرار گرفت و با حمایت و تشکیل گروههایی

در منزل «آیه الله حائری» برگزار شد، تلگرافهایی برای شاه و علم فرستاده، خواستار لغو تصویبنامه شدند. امام در تلگراف خود به «اسدالله علم» به تعطیلی غیر قانونی مجلس و سوء استفاده از تعطیلی طولانی آن و هشدار به دولت که تخلف و سرپیچی از احکام اسلام و قانون اساسی با واکنش مردم روبرو خواهد شد، اشاره کردند و با تهدید خواستار لغو آن شدند.^۱

پس از اینکه شاه و علم نتوانستند با تهدید و حيله مردم و علما را وادار به عقب نشینی کنند و بعد از اینکه فهمیدند قیام مردم روز به روز اوج می گیرد و مبارزه پیچیده تر می شود و امام (ره) در رأس آن قرار دارد، دست به عقب نشینی زدند و در تاریخ هفتم آذر ۱۳۴۱ ه. ش، و پس از ۱/۵ ماه «علم» لغو لایحه را به تصویب هیأت دولت رسانده و از طریق تلگراف به اطلاع مراجع قم - به استثنای امام - رساند.^۲ امام خمینی (ره) که با هشیاری خاص به توطئه رژیم پی برده بود، لغو تلگرافی تصویبنامه را کافی ندانسته و هرگونه اظهار نظر را موقوف به اعلام لغو آن از رسانه های گروهی کرد.

سرانجام، در دهم دی ماه ۱۳۴۱ ه. ش، روزنامه های عصر تهران با تیتیر درست لغو و غیر قابل اجرا بودن آن را از سوی دولت اعلام کردند. رهبر قیام به جای اعلام ختم مسأله، در نشستی با علما و مراجع قم از آنها خواست که برای برکناری «علم» به خاطر اهانت به مقدسات اسلام، دست به اقدام بزنند. این پیشنهاد مورد موافقت قرار نگرفت و به همین جهت امام خمینی (ره) به تنهایی مسئولیت ادامه مبارزه را به عهده گرفت و طی اعلامیه کوتاهی از مردم قدردانی و تشکر کرد، ولی از آنان خواست که با بیداری و هشیاری مراقب اوضاع باشند.^۳

انقلاب سفید شاه و رفرا دوم آن

الف - اصلاحات ارضی امینی

در سال ۱۳۴۰ ه. ش که «کندی» از حزب دموکرات به ریاست جمهوری امریکا انتخاب شده بود، قصد داشت در کشورهای دوست امریکا که در آنها دیکتاتوری حاکم بود، اصلاحاتی را انجام دهد و به همین منظور «علی امینی» سفیر سابق ایران در امریکا به دستور «کندی» به جای شریف امامی به نخست وزیر منصوب شد تا اصلاحات مورد نظر امریکا را انجام دهد. وی در بیستم دی ماه

→ مانند «حزب خلق مسلمان» در آذربایجان، کم کم به صورت یکی از مخالفین انقلاب در آمد و سرانجام به کمک قطب زاده قصد کودتا علیه نظام اسلامی ایران را داشت که توطئه آنها خنثی شده و به جرم خود اعتراف کرد و مورد رأفت و بخشش امام قرار گرفت.

۱. همان، ص ۱۴۹ - ۱۵۴.

۳. انقلاب اسلامی و ریشه های آن، ص ۴۴۴.

۲. انقلاب اسلامی و ریشه های آن، ص ۴۴۳.

۱۳۴۰ ه. ش، لایحه اصلاحات ارضی را که از زمان دولت اقبال مطرح شده بود، در زمان تعطیلی مجلس به تصویب هیأت دولت رساند. پس از تصویب این طرح، مفسران غربی به تجلیل فراوان از آن یاد کردند و آن را اصلاحات انقلابی نامیدند. امینی که خود را خدمتگزار مردم و همگام با روحانیت نشان می‌داد، پس از یک سال و چند ماه از نخست وزیری استعفا داد و اصلاحات ارضی او که به دستور امریکا تصویب شده بود، اجرا نشد.^۱

ب - ارائه لوایح ششگانه یا انقلاب سفید شاه

شاه که افزایش قدرت و نفوذ امینی و حمایت امریکا از او را به ضرر خود می‌دید، تصمیم گرفت خود نقش امینی را برای امریکا بازی کرده، اصلاحات مورد نظر امریکا را انجام دهد. به همین دلیل در فروردین ۱۳۴۱ ه. ش، طی مسافرتی به امریکا، نظر آنها را به سوی خود جلب کرد و اعلام نمود که آماده است اصلاحات مورد نظر امریکا را انجام دهد و طرح انقلاب سفید معروف در همین مسافرت ریخته شد.^۲

سرانجام، شاه با اضافه کردن مواد دیگری به طرح اصلاحات ارضی امینی، چهرهٔ اصلاح طلبانه به خود گرفته و طرح به اصطلاح «انقلاب سفید» را که بعدها به «انقلاب شاه و ملت» مشهور شد در روز نوزده دی ماه ۱۳۴۱ ه. ش اعلام داشت. مفاد این طرح شامل الغای رژیم ارباب رعیتی، ملی کردن جنگلها، فروش سهام کارخانجات دولتی، سهم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها، اصلاح قانون انتخابات و ایجاد سپاه دانش بود.^۳

ج - موضع امام(ره) در مقابل انقلاب سفید و رفراندوم آن

شاه اعلام کرده بود که اصول ششگانهٔ انقلاب سفید خود را در تاریخ ششم بهمن همان سال به آرای عمومی (رفراندوم) می‌گذارد تا بطور مستقیم رأی ملت ایران جهت اجرای آن مشخص گردد. علما و روحانیون جهت روشن شدن مسأله انقلاب سفید، نماینده‌ای^۴ نزد شاه فرستادند و مخالفت خود با لوایح ششگانه و همه‌پرسی آن را به اطلاع شاه رساندند، اما شاه که بقای سلطنت خود را وابسته به اجرای آن می‌دانست، توجهی به مخالفت علما و روحانیون نکرد.^۵

امام خمینی(ره) پس از اعلام انقلاب سفید شاه، مخالفت شدید خود را با آن و همچنین با

۱. ریشه های انقلاب ایران، نیکی آر. کدی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۲۳۸، انتشارات قلم.

۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۵۳. ۳. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۱۸.

۴. شخص مزبور حاج آقا روح الله کمالوند یکی از علمای خرم آباد بود.

۵. تاریخ سیاسی معاصر، ج ۲، ص ۱۲.

همه پرسى اعلام کرد. وی دلایل مخالفت خود را در پاسخ به استفتای جمعی از متدینین بدین شرح اعلام کرد: اول اینکه در قوانین ایران همه پرسى پیش‌بینی نشده است. دوم اینکه معلوم نیست چه مقامی صلاحیت انجام همه پرسى را دارد. سوم اینکه رأی دهندگان باید معلوماتشان به اندازه‌ای باشد که بفهمند به چه رأی می‌دهند. چهارم اینکه باید رأی دادن در محیط آزاد و بدون هیچ گونه فشار، زور، تهدید و تطمیع باشد. بدین ترتیب، اعلامیه تحریم همه پرسى امام (ره)، در تهران و شهرستانها پخش شد و امام از مردم خواست که در آن شرکت نکنند. همچنین اعلامیه مشترک تحریم از سوی آیت الله خوانساری و آیت الله بهبهانی در تهران منتشر شد و تظاهراتی نیز برپا گردید که منجر به درگیری با نیروهای دولتی شد.^۱

شاه که «اسدالله علم» را مأمور نخست‌وزیری و اجرای انقلاب سفید کرده بود، دستور سرکوبی تظاهرات مردم تهران و دانشجویان را به وی داد. «علم» با ترتیب مصاحبه مطبوعاتی، مخالفت‌ها را کوچک جلوه داده، اعلام کرد که دولت قوای مخالف را بشدت سرکوب خواهد کرد.^۲

شاه دو روز قبل از انجام همه پرسى به قم مسافرت کرد که با تحریم استقبال از سوی امام با خیابانهای خالی رو به رو شد که این امر باعث خشم بیشتر او از علما گشته و در سخنرانی خود در قم به آنها اهانت کرد و آنان را وابسته به بیگانگان بویژه جمال عبدالناصر دانست.^۳

سرانجام، در تاریخ ششم بهمن ۱۳۴۱ ه. ش، همه پرسى انقلاب سفید شاه با تمام مخالفتها، تظاهرات و تحریمها با حضور نیروهای نظامی و انتظامی در خیابانها انجام شد. دولت بی‌درنگ پس از اتمام آن و باگستاخی تمام اعلام کرد که اصول پیشنهادی ششگانه شاه با ۵۶۰۰۰۰ رأی موافق به تصویب ملت رسید. یک روز پس از همه پرسى که مصادف با اولین روز ماه مبارک رمضان بود، امام خمینی (ره) پیشنهاد کرد که برنامه‌های اختصاصی ماه رمضان در این سال به نشانه اعتراض تعطیل شود. هر چند این اعتصاب پس از چند روز از سوی عناصر ناآگاه و خائن شکسته شد، اما تعطیلی چند روزه، اتحاد و پیوستگی روحانیت و مردم و قدرت رهبری و آسیب‌پذیری رژیم وابسته شاه را بروشنی آشکار کرد.^۴

شاه که با مخالفت شدید روحانیت در مقابله با انجمنهای ایالتی و ولایتی و لویج ششگانه و تحریم همه پرسى آن رو به رو شده بود، نسبت به آنها کینه شدیدی در دل پیدا کرده بود به همین دلیل، منتظر فرصت بود تا این خشم خود را آشکار کرده و آنها را مجازات کند از این رو ضمن یک

۱. همان، ص ۱۳-۱۴.

۲. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۴۵۲.

۳. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۷.

۴. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۴۵۲-۴۵۳.

سخنرانی در پایگاه هوایی وحدتی دزفول، پرده از چهره فریبکارانه خود برداشت و بطور رسمی با روحانیت و بویژه رهبری آن اعلام جنگ کرد و آنها را به مرگ تهدید نمود.^۱

به دنبال اعلام موضع سرکوبی شاه که در حقیقت پاسخ به تحریکات روحانیت در مقابل برنامه‌های اصلاحی و ضد دینی او بود، موجی از محدودیتهای غیر قانونی، شکنجه، زندان و تبعید در سراسر کشور علیه قشر روحانی به وجود آمد که این خود باعث اوج‌گیری مبارزات به رهبری امام خمینی (ره) شد.^۲

عزای عمومی نوروز ۱۳۴۲ ه. ش

قبل از فرارسیدن نوروز، امام امت (ره) با فرستادن نامه‌ها و پیامهای خصوصی برای روحانیون مراکز استانها و شهرستانها، قصد خود را مبنی بر اعلام عزای عمومی نوروز بیان کرده، آنها را نسبت به خطرهای موجود از ناحیه رژیم آگاه ساخت. به همین علت نیز در آن سال عده زیادی از مردم سراسر ایران جهت تحویل سال نو و آگاه شدن از موضع روحانیت و بویژه امام (ره) راهی قم شدند. همچنین شهادت امام جعفر صادق (ع) که مصادف با دوم فروردین همان سال بود، باعث تجمع بیشتر مردم در صحن مطهر حضرت معصومه (ع) شده بود و بطور کلی نوروز آن سال با توجه به مسائل مذکور با سالهای دیگر تفاوت داشت.^۳

امام خمینی (ره) با استفاده از زمینه‌های قبلی که فراهم شده بود، اعلامیه انقلابی خود را مبنی بر اعلام عزای عمومی نوروز سال ۴۲ منتشر کرد. امام (ره) در این اعلامیه، مردم را نسبت به مصیبت‌های وارده بر اسلام و مسلمانان هشدار داده و ضمن اخطار شدید به دولت خواستار برکناری آن شد. علمای تهران نیز به پیروی از امام (ره) عید را عزای عمومی اعلام کرده و از مردم خواستند که بر سر درهای خود بیرق سیاه برافرازند.^۴

هنگام تحویل سال، انبوه جمعیت که در حرم حضرت معصومه (ع) و اطراف آن موج می‌زد، عده‌ای از طلبه‌های جوان دست به ابتکاری جدید زدند و هنگامی که چراغهای حرم در موقع تحویل سال خاموش شد هزاران اعلامیه و تراکت که در میان آنها اعلامیه امام (ره) از همه مهم‌تر بود،

۱. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۴۵۲. ۲. همان، ص ۴۵۳.

۳. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۳۱۵.

۴. همان، ص ۳۲۹.

پخش کردند. مردم با مطالعه آن اعلامیه‌ای از موضع روحانیت و بویژه امام آگاه شده و نسبت به خطرهایی که امام (ره) از سوی امریکا و اسرائیل برای مسلمانان گوشزد کرده بودند، هوشیار شدند و در تداوم قیام و مخالفت با رژیم شاه تحرک جدیدی پیدا کردند و قیام وارد مرحله جدیدی شد.^۱

فاجعه خونین فیضیه

دوم فروردین سال ۱۳۴۲ ه. ش، مصادف با ۲۵ شوال، سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع) بود و به همین مناسبت در مدرسه فیضیه مراسم سوگواری برپا شده بود. انبوه مردم قم و زائران حضرت معصومه (ع) در آن شرکت کرده بودند و مأموران امنیتی و شاه دوستان نیز از قبل وارد قم شده و در اطراف و داخل جمعیت پراکنده بودند. ناگهان در وسط سخنرانی، صلواتهای نابجای شاه دوستان باعث قطع سخنرانی شده، درگیری آغاز شد و مأموران امنیتی که در خارج مدرسه بودند، وارد میدان نبرد شدند و با سلاح گرم و سرد به مردم و طلبه‌های بی دفاع حمله کردند و عده زیادی از آنها را کشته، کتابها و وسائل شخصی آنها را به آتش کشیدند. این صحنه تا پاسی از شب ادامه داشت تا سرانجام، مأموران دولتی با خوشحالی از جنایتی که انجام داده بودند، آنجا را ترک کردند.^۲

فاجعه مدرسه فیضیه که با حضور انبوه مردم صورت گرفته بود، بی درنگ در سراسر ایران منتشر شد. امام خمینی (ره) پس از این مسأله با حرام کردن «تقیه» توطئه سکوت در مقابل اعمال رژیم شاه را از دست آنها گرفت و مبارزه را وارد مرحله جدیدی کرد و اظهار حقایق را هر چند با زندان و شهادت همراه باشد، واجب کرد. فتوای امام دستور جدیدی بود که مردم و بخصوص روحانیت را به جنبش بی سابقه‌ای وادار کرد که در درس بعد به آن اشاره خواهد شد.^۳

پرسش

۱. علل مطرح شدن و تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در این زمان چه بود؟
۲. دلایل مخالفت امام (ره) در مقابل لایحه را بنویسید.
۳. مواد لوایح ششگانه یا انقلاب سفید شاه و واکنش امام (ره) در مقابل آن را بنویسید.
۴. فاجعه خونین مدرسه فیضیه در چه سالی بود؟ چگونگی وقوع آن را شرح دهید.

۱. تاریخ سیاسی معاصر، ج ۲، ص ۲۰-۲۱.

۲. همان، ص ۲۴.

۳. همان، ص ۲۶.

درس سیزدهم

قیام پانزده خرداد (۲)

موج اعتراضات و مخالفت‌هایی که به مناسبت جنایت رژیم شاه در حمله به مدرسه فیضیه ایجاد شده بود، نباید خاموش می‌شد، بلکه می‌بایست بر دامنه آن افزوده شود. به دنبال این حادثه، رژیم شاه با صدور دستور جلب طلاب و اعزام آنها برای خدمت سربازی، قصد داشت که روحانیون را به خود مشغول کرده تا از امور سیاسی دوری کنند. این اقدام رژیم نه تنها باعث جلوگیری از قیام نشد، بلکه با هوشیاری رهبر باعث شد که افکار انقلابی و بیدارکننده او به داخل پادگانها نیز رسوخ کند.

ادامه مراسم چهلم شهدای فاجعه مدرسه فیضیه برای رژیم، قابل تحمل نبود و به مراسمی که به همین مناسبت در مسجد ارک تهران و به وسیله نماینده آیت الله حکیم برگزار شده بود، حمله کرده، درگیری بین مردم و نیروهای رژیم رخ داد. رهبری قیام که در فکر تداوم آن تا نابودی شاه بود، در فرصتهای مناسب اعتراضهای خود را علیه شاه، نشان می‌داد و خواستار شرکت اقشار مختلف مردم جهت مبارزه با رژیم شاه شد. شروع ماه محرم فرصت مناسبی برای این کار بود.

حوادث محرم ۱۳۸۳ ه.ق. / ۱۳۴۲ ه.ش.

محرم جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ شیعه دارد، زیرا این ماه یادآور دلاوریها و رشادتهای امام حسین(ع) با اصحابش از یکسو و جنایت، بی‌رحمی و ظلم و ستم یزید و یارانش از سوی دیگر است. قیام و شهادت امام حسین(ع) همواره راهنما و مشعلی فروزان برای قیامها و نهضت‌های شیعه در طول تاریخ بوده است. آن حضرت با ایستادگی و مقاومت بی‌نظیرش در مقابل مظهر ظلم و جور، به پیروان راستین خود آموخت که چگونه در مقابل یزیدیان زمان به پا خاسته، بانثار جان

خویش در راه اسلام قیام کنند. شیعیان هر سال به یاد امام و پیشوای شهید خود دگر بسته، خون او را حیات بخش نهال آزادی و عدالت می دانند.^۱

شروع این ماه بعد از کشتار فجیع مدرسه فیضیه، سرآغاز مرحله جدیدی از مبارزات امت قهرمان ایران علیه رژیم شاه شد. نیروهای امنیتی رژیم که می دانستند مردم در ماه محرم خاطره شهدای فیضیه را زنده خواهند کرد، سعی نمودند تدابیر لازم را فراهم کنند؛ به همین مناسبت، طی اطلاعیه‌ای از مردم درخواست شد که سوگواری آنها همراه با دعا برای تاج و تخت شاه باشد. مردم که از فلسفه قیام حسین بن علی (ع) در ماه محرم بخوبی آگاه بودند، قصد داشتند همانند او در مقابل حاکم ستمگر زمان قیام کنند.^۲

امام خمینی (ره) رهبر قیام در اعلامیه‌ای وعاظ و اهل منبر را که با همه مردم از دورترین نقطه تا مرکز تهران در تماس بودند، دعوت کرد تا همراه ذکر مصیبت‌ها گذشته، از مصیبت‌های امروز نیز سخن گویند و موضع حسینی و یزیدی زمان حاضر را به مردم معرفی کنند. معظم له علاوه بر اینها، به هیأت‌های حسینی و دسته‌های سینه‌زنی توصیه کرد که در این ایام وظیفه خود را در اجتماعات انجام دهند، زیرا خطر حاکم امروز بر اسلام، کمتر از خطر بنی امیه نیست.^۳

مبارزات در این سال و در ماه محرم در سراسر کشور گسترش یافت و تمام مجلسها و مسجدها و حسینیه‌ها به کانون ضد رژیم تبدیل شد. دولت ایران، در این سال عده‌ای از خطبا و وعاظ را به سازمان امنیت فرا خوانده و تهدید کرده بود که از سه موضوع حرف نزنند و غیر از این سه هر چه که بگویند آزاد هستند. اینها عبارت بودند:

«۱- از شاه بدگویی نکنند.

۲- به اسرائیل حمله نکنند.

۳- نگویند اسلام در خطر است.»^۴

اما امام خمینی (ره) تأکید کردند که تمام گرفتاریها و اختلافات ما در همین سه موضوع است و خطاب به روحانیون فرمود: بدون ترس و واهمه، خطر اسرائیل و عمال آن را برای مردم ایران توضیح دهید. اگر به واسطه سکوت شما (روحانیون) به اسلام لطمه‌ای وارد آید نزد خداوند متعال و ملت مسلمان ایران مسؤول خواهید بود.

۱. تاریخ سیاسی معاصر، ج ۲، ص ۳۲. (با تصرف اندک)

۲. همان.

۳. تفسیر آفتاب، محمد رضا حکیمی، ص ۱۰۹-۱۱۰، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی جا، بی تا.

۴. همان، ص ۱۱۱.

در دهم و یازدهم محرم این سال در تهران راهپیمایی وسیع و گسترده‌ای صورت گرفت. در روز عاشورا دهها هزار نفر از مردم تهران با در دست داشتن عکسهایی از رهبر قیام و با شعارهایی نظیر خمینی خدا نگهدار تو، ملت طرفدار تو، به خیابانها ریختند و پس از اینکه عزاداری مردم به محاصره پلیس در آمد، تبدیل به راهپیمایی و شعارهای ضد رژیم شد. مردم پس از پیمودن میدان بهارستان و خیابان فردوسی به سمت دانشگاه تهران حرکت کردند. هنگام بازگشت وقتی که به مقابل «کاخ مرمر» رسیدند، ناگاه برای اولین بار فریاد «مرگ بر دیکتاتور» را سر دادند. تظاهرات این روز سرانجام، در ساعت سه بعد از ظهر بدون درگیری پایان یافت.^۱

در روز یازدهم محرم نیز تظاهرات گسترده‌ای در تهران صورت گرفت. در این روز پس از اینکه توده‌های انبوه مردم در مسجد شاه (امام خمینی (ره) فعلی) گرد آمدند، مسیر راهپیمایی روز قبل را طی کردند. در محل دانشگاه تهران، دانشجویان این دانشگاه کلاسه‌های درس را تعطیل کرده، به مردم پیوستند و تظاهرات با شور و هیجان بیشتری دنبال شد. راهپیمایان در این روز که مصادف با چهاردهم خرداد ۱۳۴۲ ه. ش بود، برای دومین بار در مقابل کاخ شاه - کاخ مرمر - شعار «مرگ بر شاه» را سر دادند.^۲

سخنرانی امام (ره) در روز عاشورا (قم)

اجتماعات ماه محرم این سال قم که مرکز روحانیت و محل سکونت امام خمینی (ره) بود، نسبت به شهرهای دیگر از شور و هیجان خاصی برخوردار بود. امام هر شب در یکی از محله‌های قم حضور یافته، و اوضاع سیاسی کشور را برای مردم تشریح می‌کرد. همچنین ایشان پیشنهاد کرده که در روز عاشورا به مدرسه فیضیه رفته، برای مردم که از سراسر ایران می‌آیند، سخنرانی کند. پیشنهاد امام از سوی علما پذیرفته شد و همه آنها آن را به عنوان یک خبر دست اول در سراسر ایران به گوش مردم رساندند. به همین دلیل، سیل جمعیت به سوی قم سرازیر شد. دستگاه امنیتی رژیم شاه با شایعه پراکنی مبنی بر کشتار مردم از یکسو و با پا درمیانی روحانیون درباری از سوی دیگر، سعی کرده که امام را از تصمیم خود منصرف کنند، اما امام خمینی (ره) فرمود: من تصمیم خود را گرفته و با شایعه پراکنی و تهدید رژیم نمی‌توانم از آن صرف نظر کنم.^۳

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۳۴. ۲. همان، ص ۳۵.

۳. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۴۴۶-۴۴۸.

نیروهای امنیتی شاه که غیر مستقیم نتوانسته بودند، امام را از راهی که در پیش گرفته بود، باز دارند، صبح روز عاشورا بطور مستقیم و به وسیله رییس ساواک قم در منزل به اطلاع ایشان رساندند که در صورت ایراد سخنرانی در مدرسه فیضیه، کماندوهای شاه وارد عمل می‌شوند و آنجا را به خاک و خون می‌کشند. امام در جواب فرمود:

«ما هم به کماندوهای خود دستور می‌دهیم که فرستادگان اعلیحضرت را تأذیب نمایند»^۱
 سرانجام، روز و ساعت موعود فرا رسید. عصر عاشورا جمعیت در مدرسه فیضیه و اطراف آن به منظور گوش دادن به سخنان رهبر خود موج می‌زد. امام خمینی (ره) از منزل خارج شده و در میان انبوه مردم از در خانه تا مدرسه فیضیه با احساسات مردم رو به رو شد. فضای غم‌انگیز عصر عاشورا که یادآور شهادت امام حسین (ع) و یارانش بود، آماده سخنرانی فرزند آن حضرت در مقابل یزید زمان بود. مردم خود را آماده کرده بودند که در صورت حمله نیروهای امنیتی شاه به مقابل پیردازند و به همین دلیل همه چیز را زیر نظر داشتند.^۲

رهبر قیام پس از یادآوری جنایات بنی امیه و دستگاه یزید، فرمود که آنها با خاندان پیامبر (ص) یعنی بنی هاشم مخالف بودند، از این رو بر اساس کار داشتند و همین طور رژیم شاه نیز با اساس اسلام یعنی قرآن و روحانیت کار دارد. معظم له بار دیگر خطر اسرائیل را یادآوری کرده و فرمود که آنها با قرآن، روحانیت و مراکز دینی که اساس دین است، مخالفند. امام گفتند: من به شاه نصیحت می‌کنم و نمی‌خواهم که او همانند پدرش باشد که وقتی که از این کشور برود مردم خوشحال بوده، شکرگزاری کنند. از پدرت عبرت بگیر، کمی فکر کن. چرا این قدر مردم را تهدید می‌کنی - شاه - چه رابطه‌ای بین شاه و اسرائیل است که می‌گویند از اسرائیل سخن نگویند. آیا به نظر سازمان امنیت، شاه اسرائیلی یا یهودی است؟! امام همچنین فرمود:

«... هیچ کدام از اینها که اکنون دور تو را گرفته‌اند، با تو رفیق نیستند، اینها رفیق دلارند، اینها دین ندارند، اینها وفا ندارند، دارند همه چیز را به گردن توی بیچاره می‌گذارند...»^۳

دستگیری امام و قیام سراسری پانزده خرداد

سخنان امام در عصر عاشورا خطاب به شاه با عبارات ساده و همه فهم، موجی از خشم و نفرت مردم را علیه شاه برانگیخت. برای اولین بار بود که یک روحانی با صراحت و قاطعیت کامل و با

۱. همان، ص ۴۵۰-۴۵۱.

۲. همان، ص ۴۵۲-۴۵۴.

۳. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۴۵۶-۴۶۰.

لحنی خردکننده در مقابل شاه موضعگیری می‌کرد. به همین دلیل، نیروهای امنیتی رژیم به تلافی مخالفت و مبارزه سرسختانه معظم له در مقابل اقدامات ضد دینی شاه در سپیده دم پانزده خرداد ۱۳۴۲ ه. ش، با کمک نیروهای کماندو و سربازان مسلح وارد قم شدند و از دیوار و بام خانه به منزل رهبر سازش ناپذیر انقلاب یورش برده، ایشان را دستگیر و در تهران زندانی کردند.^۱

خبر دستگیری و حبس رهبر قیام، بی‌درنگ در شهر مقدس قم پخش شد و مردم مسلمان این شهر با غم و اندوه فراوان پس از اجتماع در برابر منزل ایشان، به طرف صحن مطهر حضرت معصومه (س) حرکت کرده و از طریق بلندگو اقدام به شعار دادن کردند. همچنین گروهی از مراجع و علمای حوزه علمیه قم در منزل آیه الله العظمی گلیایگانی اجتماع کرده، بیانیه‌ای مبنی بر تقبیح توقیف امام صادر کرده و خواستار آزادی فوری ایشان شدند و در این راستا مسلمانان ایران را به مبارزه و استقامت علیه رژیم پلیسی شاه دعوت کردند.^۲

به دنبال درخواست علما، مردم روستاهای قم کار خود را تعطیل کرده، وارد شهر شدند و پس از تجمع در صحن حضرت معصومه (س) در حالی که پیشاپیش آنها زنان در حال حرکت بودند؛ به راهپیمایی پرداختند، ولی هنوز لحظاتی از شروع راهپیمایی نگذشته بود که با یورش دژخیمان شاه رو به رو شدند و با رگبار مسلسل آنها گروهی از زنان و مردان مبارز قم به شهادت رسیدند و خون پاک آنها سنگفرشهای خیابانهای قم را رنگین کرد.^۳

همچنین به دنبال خبر دستگیری و زندانی کردن امام (ره)، مردم سراسر ایران بویژه تهران دست از کار کشیده و با تعطیلی محل کار و کسب خود به راهپیمایی و تظاهرات پرداختند. سیل خروشان جمعیت تهران در خیابانها فریاد «یا مرگ یا خمینی» را سر دادند. مردم تهران که قصد مسلح شدن را داشتند، به اداره تسلیحات ارتش و پایگاههای پلیس، میدان ارک و کاخ شاه یورش بردند، اما مأموران نظامی و محافظ این مکانها با بی‌رحمی مردم را به رگبار گلوله بستند و عده زیادی از آنان را به خاک و خون کشیدند.^۴

سیل خروشان مردم و دهقانان کفن پوش و رامین به دنبال حبس رهبر قیام به سوی تهران حرکت کردند. مأموران رژیم شاه به محض اطلاع از چنین اقدامی به طرف ورامین حرکت کرده،

۱. حماسه‌های اسلامی ملت به رهبری امام، ولی الله فوزی، ص ۹-۱۰، چاپخانه علمیه قم، بی‌تا.

۲. همان، ص ۱۰-۱۱.

۳. حماسه‌های اسلامی ملت به رهبری امام، ولی الله فوزی، ص ۱۱-۱۲.

۴. تاریخ معاصر ایران، آموزش و پرورش، ص ۲۰۷-۲۰۸، سال سوم دبیرستان.

در بین راه و در سر پل باقرآباد راه را بر روی مردم بسته و با شلیک گلوله، مردم خشمگین را به طرز فجیعی به قتل رساندند و لکه ننگ دیگری بر دامن خود افزودند.^۱

همزمان با قیام مردم تهران، قم و ورامین، بسیاری از مراجع، علما و مردم شهرهای ایران، از جمله شیراز، مشهد و ... نیز به پاخاسته و با تعطیل عمومی و شرکت در تظاهرات خیابانی و برپایی مراسم یادبود، با مردم تهران، ورامین و قم احساس همدردی کرده و با هجرت به تهران و تجمع در آن شهر خواستار آزادی امام شدند و پس از اطمینان از عدم آسیب معظم له از سوی رژیم شاه، تهران را ترک کردند.^۲

ویژگیهای قیام پانزده خرداد

الف - اخلاص و قاطعیت رهبری

در این قیام، امام(ره) برای همیشه به جدایی دین از سیاست خاتمه داد، اما انگیزه او هیچ گونه شباهتی با انگیزه‌های سایر سیاستمداران نداشت. هدف امام قیامی الهی بود که از سر اخلاص و برای انجام وظیفه و تکلیف شرعی صورت گرفت. امام همواره در طول تاریخ مبارزات خویش تأکید کرده‌اند که ما مثل رسول خدا(ص) و سایر انبیای الهی موظف به تکلیف الهی هستیم. آنچه برای ما در مرتبه اول مهم و دارای اهمیت است، همین ادای تکلیف است نه پیروزی. در حقیقت پیروزی واقعی ما این است که بتوانیم به وظیفه و تکلیف دینی خود عمل کرده باشیم.^۳

ب - مردم و سراسری بودن قیام

قیام پانزده خرداد یک اقدام مردمی و سراسری بود و متعلق به هیچ گروه یا صنف خاصی نبود. همه مردم از پیر و جوان، دانشگاهی و بازاری، روستایی و شهری در آن شرکت داشتند؛ آنچه همه آنها را به یکدیگر پیوند می‌داد مکتب اسلام بود که از طریق علما و مراجع تقلید با مردم ارتباط همیشگی داشت و رابطه رهبری قیام و توده‌های میلیونی مردم به وسیله روحانیون برقرار می‌شد.^۴

ج - اسلامی بودن

قیام مردم در پانزده خرداد ۱۳۴۲ ه. ش، یک امر صد در صد اسلامی بود. اسلامی بودن این قیام از رهبری و خاستگاه آن مشخص است. رهبر این قیام، از مراجع تقلید و فقیه عالیقدر حوزه‌های

۱. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۴۶۰. ۲. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ص ۴۹۲-۴۹۴.

۳. تاریخ معاصر ایران، آموزش و پرورش، ص ۲۱۳. ۴. همان.

علمیه بود. همچنین نقطه شروع آن حوزه‌های علمیه و مراکز دینی، به رهبری روحانیت بود و هیچ یک از گروه‌های ملی و غیر مذهبی در آن شرکت نداشتند.^۱

د - شرکت زنان

زنان ایران که در مکتب اسلام، درس شهادت و دلیری را از حضرت زینب (س) شیرزن شجاع کربلا آموخته‌اند، همواره در طول تاریخ مبارزات ملت ایران، در کنار مردان، حماسه آفریده‌اند. ورود و حرکت زنان در صفوف مردان، بیشتر باعث تحریک آنها شده، شعله‌های مبارزه را افروخته‌تر می‌کند. در قیام پانزده خرداد، زنان در همه شهرها و بویژه قم، از خانه‌ها بیرون ریخته و در کنار مردان به تظاهرات خیابانی پرداختند. آنها با شرکت در مبارزات ضد رژیم و راهپیمایی، در یورش نیروهای انتظامی به تظاهرکنندگان در شهر مقدس قم، جز اولین کسانی بودند که خون سرخشان به زمین ریخته شد.^۲

ه - مخالفت با شاه

ویژگی دیگر این قیام آن بود که برخلاف نهضتها و قیامهای دیگر، شاه را هدف اصلی قرار داده و او را مقصر و مسؤول می‌دانست. پیش از این، مبارزان سیاسی جرأت مخالفت با اصل رژیم را نداشته و معتقد به براندازی آن نبودند، بلکه با مخالفت با افراد پایین‌تر نظام، بویژه نخست‌وزیران به شاه نوعی مشروعیت می‌دادند، اما، امام برخلاف آنها متوجه ریشه و اصل نظام شد. ایشان در سخنرانی مشهور خود در عصر عاشورا، شاه را بطور مستقیم مورد حمله قرار داده، او را مقصر اصلی و عامل همه فسادهای داخلی و خیانت‌های بیگانگان دانست. در واقع، امام هدف مبارزه خود را متوجه علت کرد نه معلول.^۳

و - حضور روحانیت در صحنه

یکی دیگر از ویژگیهای بارز این قیام، حضور فعال و همه جانبه روحانیت بود. امام که برخلاف بیشتر مراجع تقلید معاصر که در مقابل شاه با تسامح رفتار می‌کردند، با آمیختن دین و سیاست وارد مبارزه شد. بیشتر روحانیون قم و سایر شهرهای ایران که جزء شاگردان یا مقلدان امام بودند، با الگو قرار دادن او رهبری قیام در شهرهای ایران را به دست گرفته و با حضور وسیع در صحنه،

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ص ۵۳. ۲. حماسه‌های اسلامی ملت به رهبری امام، ص ۱۱-۱۲.

۳. تاریخ معاصر ایران، آموزش و پرورش، ص ۲۱۴، سوم دبیرستان.

مبارزات مردم را هدایت و رهبری کردند و برای اولین بار روحانیت بطور گسترده‌ای در مبارزه علیه رژیم شاه شرکت کرد.^۱

پرسش

۱. در محرم سال ۱۳۴۲ ه. ش، سازمان امنیت رژیم وعاظ و خطبا را تهدید کرده بود که از چه چیزهایی سخن نگویند؟
۲. وقایع دهم و یازدهم محرم این سال در تهران را شرح دهید.
۳. بخشهای مهم سخنرانی امام(ره) در عصر عاشورا را توضیح دهید.
۴. چگونه دستگیری و زندانی کردن امام(ره) را در پانزده خرداد ۴۲ بنویسید.
۵. واکنش مردم ایران در مقابل زندانی کردن رهبر قیام چگونه بود؟
۶. ویژگیهای قیام پانزده خرداد را بطور خلاصه شرح دهید.

درس چهاردهم

رهبری امام خمینی (ره) در دوره اختناق

بطور کلی هدایت و رهبری نهضت اسلامی از سوی امام را به سه دوره می‌توان تقسیم کرد. دوره اول از اعتراض به لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی شروع شده و تا تبعید امام به ترکیه ادامه دارد. دوره دوم از تبعید به ترکیه و عراق آغاز شده و تا ورود به ایران در دوازده بهمن ۱۳۵۷ ه. ش، است. دوره سوم از ورود امام به تهران آغاز شده و تا هنگام رحلت ایشان در سال ۱۳۶۸ ه. ش، ادامه دارد. در این درس فقط به دوره دوم رهبری امام (ره) و نقش ایشان را در اعتراض به تصویب لایحه کاپیتولاسیون تا آغاز شعله‌های جدید انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ ه. ش، مورد بررسی قرار می‌دهد. هر چند امام در این سالها دور از کشور و پیروان خود و در ترکیه و عراق به سر می‌بردند، ولی از همان‌جا به رهبری و هدایت مردم علیه رژیم ادامه داده و در مراحل مختلف با پیامها و رهنمودهای روشنگر خود، مردم را از آنچه در پشت پرده سیاست ایران می‌گذشت، آگاه می‌کردند.

تصویب لایحه کاپیتولاسیون و آغاز مرحله جدید مبارزه

لایحه مصونیت مستشاران نظامی امریکا و خانواده‌های آنها، ابتدا در سال ۱۳۴۲ ه. ش، و در زمان نخست‌وزیری «اسدالله علم» به تصویب رسیده بود و در سال ۱۳۴۳ ه. ش، و در زمان نخست‌وزیری «حسنعلی منصور» دوباره در مجلس شورای ملی و سنا به تصویب رسید. به موجب این لایحه، مستشاران نظامی امریکا و تکنسینهای وابسته و اعضای خانواده و خدمه آنها اعم از نظامی و شخصی از شمول قوانین قضایی ایران معاف شده و با آنها همانند دیپلماتها و اعضای سیاسی سفارت‌خانه‌های خارجی رفتار می‌شد. تصویب این لایحه در مجالس ایران که به معنای قانونی شدن سند اسارت و بندگی ملت و دولت ایران به دست امریکا بود، مورد اعتراض شدید امام قرار گرفت.^۱

۱. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۴۴۶.

امام خمینی (ره) در چهارم آبان ۱۳۴۳ ه. ش، به محض اطلاع از تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجالس ایران، سخنان کوبنده‌ای را ایراد کرد و رسوایی جدید رژیم شاه را برای مردم ایران تشریح کرد. معظم له طی سخنان شدیدالحن خود نفوذ گسترده آمریکا در ایران را به همه اعلام خطر کرده و گفت که امروز تمام گرفتاریهای ما از آمریکا و اسرائیل است.^۱

به دنبال سخنرانی تند امام، اعلامیه‌ای نیز از سوی ایشان در تیراژ بالا و در سطح وسیعی پخش شد. امام (ره) در این اعلامیه، تصویب کاپیتولاسیون را نشانه مستعمره بودن ایران نامید و رأی مجالس ایران را خلاف اسلام و قرآن شمرده، آن را از اعتبار قانونی ساقط دانست. وی بیگانگان را تهدید کرد که اگر بخواهند از این رأی سوءاستفاده کنند، تکلیف ملت ایران را در برابر آنها مشخص خواهد کرد. ایشان تأکید کرد که تمام گرفتاریهای مردم ایران و سایر ملت‌های جهان بر اثر دخالت بیگانگان و بویژه امریکاست و از ملت ایران خواست که اجازه اجرای چنین کاری را در ایران ندهند.^۲

سخنان شدید و تند امام در حضور گروه‌های زیادی از مردم قم و اعلامیه هیجان‌انگیز ایشان که با تیراژ وسیع و بی‌درنگ در سراسر ایران پخش شد، بار دیگر موجی از اعتراض‌های شدید امت مسلمان ایران را علیه رژیم شاه برانگیخت. شاه که از نفوذ شگفت‌انگیز سخنان امام در توده‌های مختلف مردم به وحشت افتاده و وجود مبارک رهبر نهضت اسلامی ایران را سد بزرگی بر سر راه مقاصد ضد دینی خود می‌دانست، بار دیگر به فکر بازداشت و تبعید امام افتاد. به همین منظور، نیروهای امنیتی شاه در شب سیزدهم آبان ۱۳۴۳ ه. ش، به منزل معظم له یورش برده، پس از دستگیری شبانه ایشان را به تهران منتقل کردند. چون بازداشت امام در داخل موجب اعتراض شدید قرار می‌گرفت، ایشان را در همان روز به ترکیه تبعید کردند.^۳

به دنبال دستگیری و تبعید امام (ره)، موجی از اعتراض‌ها و اعتصابات در سراسر کشور آغاز شد. مردم قم و تهران که سابقه شقاوت و بی‌رحمی نیروهای شاه را در پانزده خرداد مشاهده کرده بودند، دست به مبارزه منفی زده و با بستن مغازه‌ها و بازار، نفرت و انزجار شدید خود را از شاه اعلام داشتند. همچنین سیل تلگراف‌ها، اعلامیه و طومار از سوی مراجع تقلید و مردم ایران به سوی قم و ترکیه سرازیر شد و بدین وسیله اقشار مختلف مردم پیوند مستحکم و ناگسستنی خود را با معظم له اعلام داشتند.^۴

۲. همان.

۱. همان، ص ۴۶۷.

۳. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۵، ص ۲۴-۲۵، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، بی‌جا، بی‌تا.

۴. همان، ص ۲۶.

استمرار رهبری از تبعیدگاه

وضع بحرانی و در حال انفجار ایران که از ادامهٔ تبعید رهبر نهضت اسلامی ایران ناشی می‌شد از یکسو، و عدم تمایل کشور ترکیه به حالت تبعید ماندن امام در آن کشور از سوی دیگر، باعث شد که رژیم شاه محل تبعید امام را تغییر دهد. در همین راستا و به دنبال مذاکراتی که با رژیم عراق انجام گرفت، امام در تاریخ سیزدهم مهر ماه ۱۳۴۴ ه. ش، از ترکیه به عراق تبعید شده و مورد استقبال گرم و پرشور مردم و علمای نجف قرار گرفت و از آنجا رهبری نهضت اسلامی ایران را با شیوه‌ای خاص به دست گرفت. هدف رژیم از تغییر محل تبعید امام این بود که به مردم ایران وانمود کند که ایشان دیگر در حال تبعید نیست. همچنین حکومت شاه تصور می‌کرد که امام(ره)، با آغاز درس حوزوی از سیاست کناره‌گیری کرده یا در میان علمای فراوان نجف حذف می‌شود.^۱

رهبر قیام اسلامی ایران، متجاوز از سیزده سال در عراق به حالت تبعید به سر برد. در این مدت سراسر ایران را اختناق و استبداد خشن فرا گرفته، ترس و وحشت در همه جا سایه افکنده بود. ساواک و سایر دژخیمان رژیم، عرصه را بر مردم تنگ کرده، زندانها و سیاه‌چالها پر از مبارزان مسلمان بود. جلادان و شکنجه‌گران ساواک هر روز عدهٔ زیادی را با وسایل مدرن شکنجه‌های اهدایی از اربابان خود به قتل رسانده، یا معیوب و ناقص‌العضو می‌کردند. با این حال، امام هیچ‌گاه دست از مبارزه با رژیم برنداشته و در موقعیتهای مناسب با پیامهای روشنگر خود به هدایت و رهبری مردم و افشاگری رژیم می‌پرداخت.^۲

طرح تئوری، حکومت اسلامی (ولایت فقیه)

رهبری قیام که پس از حوادث اسفار پانزده خرداد و مسأله کاپیتولاسیون، مُصمم به سرنوشتی رژیم شاه و تشکیل حکومت اسلامی شده بود، تصمیم گرفت که ابتدا طرح تئوریک حکومت اسلامی را ارائه داده و بر مبنای آن اقدام به تشکل و سازماندهی و رهبری نیروهای طرفدار حکومت اسلامی کند، چرا که برای انجام هر کار ساده‌ای نیاز به طرح و برنامه دقیق می‌باشد و براندازی ساختار سیاسی موجود و ارزشهای حاکم بر آن و پی‌ریزی یک نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر مبنای ارزشها و اصول حاکم بر اسلام ناب محمدی (ص) خود ایجاب می‌کرد که

۱. حماسه‌های اسلامی ملت به رهبری امام خمینی، ص ۳۴.

۲. همان، ص ۳۸.

بررسی دقیق و همه جانبه‌ای صورت گیرد تا به کمک آنها بتوان اسلام را به عنوان یک راه و روش سودمند اجتماعی و سیاسی و مفیدتر از طرح‌های محصول تفکر انسانها، نشان داد.^۱

تبعید در نجف و شروع درس حوزه، فرصت مناسبی برای امام (ره) پیش آورد تا در بحث فقهی «مکاسب» به موضوع اصلی و زیر بنایی «ولایت فقیه» پرداخته، طرح نظری حکومت اسلامی را بیان کند. این بحث علمی در دوران اختناق و خفقان محمد رضا پهلوی نه تنها حوزه‌های علمیه و محافل روحانیت را با بیانی مستند و فقهی به اصل تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست متوجه کرد، بلکه محیط‌های دانشگاهی را با نظام سیاسی اسلام به عنوان طرح تئوریک حکومت اسلامی آشنا کرد، تا روح خودباختگی روشنفکران مسلمان و متعهد را در برابر فرضیه‌های غربی تشکیل حکومت، از بین ببرد و آنها احساس بی‌نیازی فکری و سیاسی نسبت به بیگانگان داشته باشند.^۲

نظرات فقهی امام درباره ولایت فقیه یا تشکیل حکومت اسلامی، پس از جمع‌آوری و تدوین به صورت کتاب در آمده و در ایران در سطح وسیعی توزیع شد تا پیروان و مریدان ایشان آن را به عنوان یک الگو و راهنمای تشکیل حکومت در آینده در اختیار دیگران قرار داده، اقدام به تشکیلات و سازماندهی نیروهای مسلمان و مذهبی کنند. این نظرات امام (ره)، رهنمود مناسبی برای طرفداران حکومت الله در ایران شد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ه. ش، به صورت واقعیت در کشور اسلامی ایران به تبلور و عینیت رسید و نظام مقدس جمهوری اسلامی بر مبنای ولایت فقیه تشکیل شد.

نقش امام در رهبری و تشکیل گروه‌های مسلمان

تجربه سرکوبی قیام پانزده خرداد، نشان داده بود که برای سرنگونی رژیم شاه نیاز به اتحاد و ارتباط و سازماندهی گروه‌های مختلف مسلمان است. در فاصله بین زندان و تبعید، گروه‌هایی از دانشجویان و بازاریان که با امام در ارتباط بودند، رهبر نهضت اسلامی آنها را به هم نزدیک ساخته و «هیأت‌های مؤتلفه» تشکیل شد. هدف از تشکیل این گروه‌ها از سوی امام (ره)، این بود که در مقابل اقدامات ضد دینی شاه، واکنش فوری نشان داده، اعلامیه‌ها و سخنرانیها بطور

۱. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۴۹۴.

۲. همان، ص ۴۹۵-۴۹۸.

همزمان در سراسر ایران پخش شوند و اقدامات شاه و رژیم او را بی‌اثر سازند. پس از تبعید امام(ره) به عراق، این گروه شاخه نظامی نیز تشکیل داده، و به فعالیت خود تحت هدایت و رهبری امام ادامه داد.^۱

یکی دیگر از گروه‌هایی که در دوران اختناق و تبعید امام تشکیل شد و زیر نظر ایشان به فعالیت پرداخت، حزب «ملل اسلامی» بود. این حزب که از عده‌ای از جوانان دبیرستانی و دانشگاهی تشکیل شده بود، دست به اقدامات مسلحانه علیه رژیم زد. هدف از تشکیل این گروه مسلح، براندازی رژیم شاه و برقراری حکومت توحیدی به رهبری امام بود. هر چند عدهٔ زیادی از اعضای این دو گروه دستگیر، زندانی یا اعدام شدند، اما گروه‌هایی از آنان به صورت مخفی به فعالیت‌های خود تحت رهبری امام(ره) ادامه دادند.^۲

رژیم شاه با تبعید رهبری قیام به عراق و سرکوب گروه‌های مسلحانه، تبعید و زندانی کردن گروه‌های زیادی از مردم، جوانان و روحانیون، تصور می‌کرد که با خیال راحت به دیکتاتوری خود ادامه خواهد داد، ولی عدهٔ زیادی از شاگردان و مریدان امام، هر کدام به شیوه‌ای خاص با ارتباط با رهبر خود، ادامه مبارزه جدیدی را برای سرنگونی رژیم آغاز کردند. افرادی مانند آیه‌الله طالقانی، مرحوم ربانی شیرازی، آیه‌الله مشکینی، آیه‌الله منتظری، و آیت‌الله آذری قمی و شهدای بزرگوار همچون بهشتی، مطهری، باهنر و مفتاح، هر کدام در گوشه‌ای مانند حوزه، مسجد، مدرسه و دانشگاه به روشنگری و آگاه‌سازی مردم می‌پرداختند و با پخش نوارهای سخنان افشاگرانه و بیدارکنندهٔ امام(ره) در جهت تضعیف و فروپاشی رژیم تلاش می‌کردند.^۳

پیامهای مهم امام از نجف

نخستین پیام امام در سال ۱۳۴۶ ه. ش، پس از تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر اصول ۳۸، ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی و اعطای عنوان «نایب السلطنه» به «فرح پهلوی» همسر شاه، به وسیلهٔ اعلامیه‌ای از نجف، خطاب به حوزه‌های علمیه صادر شد. در این هنگام که رژیم شاه در حال برگزاری مراسم جشنهای تاجگذاری بود، امام خطاب به طلاب حوزه‌های علمیه و مردم ایران فرمود:

«... نقشه آن است که قدم به قدم پیشروی کنند هر قدر شما عقب‌نشینی کنید آنها پیشروی

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۰۰-۱۰۲. ۲. همان، ص ۱۰۵.

۳. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۹۴-۲۰۰.

می‌کنند آنها کمر به نابودی شما بسته‌اند گمان نکنید با ملایمت و تسلیم دست‌بردار هستند بلکه با استقامت و ایستادگی و اظهار عقاید و فریاد مظلومانه عقب می‌نشینند...»^۱

امام (ره) به دنبال سخنان خود اظهار داشت اینها رفتنی هستند و شما باقی خواهید ماند. سر نیزه در مقابل عواطف یک ملت دوام نخواهد داشت. به دنبال این پیام معظم له نامه سرگشاده‌ای خطاب به هویدا فرستاد و در این نامه پرده از جنایت رژیم برداشته، دلایل عقب ماندگی ایران را یک به یک بیان کرد و آنها را متوجه خیانت‌های رژیم شاه دانست و در پایان تهدید کرد که از خدا و ملت ایران بترسید.^۲

پیام امام به دانش‌آموزان و دانشجویان و بسیج آنها

از سال ۱۳۴۸ ه. ش، رهبر نهضت اسلامی ایران، توجه بیشتری به بسیج جوانان و طبقه تحصیلکرده نمود و پیامهایی چه برای داخل و چه برای اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا فرستاد. ایشان در یکی از نامه‌های خود خطاب به آنها فرمود:

«این جانب اکنون روزهای آخر عمر را می‌گذرانم و امیدوارم که خداوند تعالی به شما طبقه تحصیل کرده توفیق دهد که در راه مقاصد اسلامی که یکی از آن، قطع ایادی ظلمه و برانداختن ریشه استبداد و استعمار است، کوشش کنید.»^۳

پیامهای امام (ره) به قشر تحصیلکرده باعث بیداری و جنبش این گروه از مردم ایران شده بود و به همین دلیل در روز اول مهر ماه ۱۳۴۹ ه. ش، دانش‌آموزان سال ششم دبیرستانهای تهران به بهانه اعتراض به آیین نامه جدید امتحانی تصمیم به اعتصاب گرفتند و در روز ۲۶ همان ماه دست به راهپیمایی زده، به سوی دانشگاه تهران حرکت کردند و در آنجا دانشجویان نیز به آنها پیوستند. درگیری دانش‌آموزان و دانشجویان با مأموران رژیم باعث تیراندازی آنها به سوی دانش‌آموزان و دانشجویان شد و در نتیجه عده زیادی از آنها زخمی شده یا دستگیر و راهی زندان شدند.^۴

دانشجویان دانشگاه تهران در آذرماه همین سال به بهانه تقلیل مدت امتحانات آخر ترم، دست به راهپیمایی و اعتراض زده، تظاهرات بزرگی را در محوطه دانشگاه به نمایش گذاشتند. آنها در پایان راهپیمایی خود، قطعنامه‌ای قرائت کردند و در آن خواستار آزادی دانشجویان زندانی شدند.

۱. همان، ص ۲۰۲-۲۰۳.

۲. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۴۷۴-۴۷۵.

۳. همان، ص ۴۸۲-۴۸۳.

۴. همان، ص ۴۸۷.

رژیم شاه پس از این اقدام به مدت یک هفته دانشگاه تهران را تعطیل کرد، اما پس از بازگشایی دوباره آن، یک بار دیگر با تظاهرات و اعتراضهای دانشجویان رو به رو شد که با درگیری و دخالت پلیس پایان یافت. فردای آن روز تظاهرات دیگری انجام شد که در آن دانشجویان شعارهایی مبنی بر «درود بر خمینی بت شکن» «مرگ بر جلاد»، «مرگ بر حکومت فاشیستی»، «مرگ بر امریکا»، «مرگ بر اسرائیل» و «خمینی بت شکن خدا به همراه تو»، سر دادند. حکومت شاه دوباره دانشگاه را تعطیل کرده، عده‌ای از دانشجویان را زندانی یا به سربازخانه‌ها فرستاد.^۱

رهبر قیام در این زمان به مناسبت پیامی که به مراسم حج فرستادند، سرکوبی تظاهرات دانش‌آموزان و دانشجویان را محکوم کرده، آن رانمونه دیگری از نقشه‌های استعمارگران دانست.

پیام امام به مناسبت جشنهای شاهنشاهی

سالهای ۱۳۵۰ ه. ش تا ۱۳۵۴ ه. ش، تراکم برپایی جشنهای شاهنشاهی بود. در این زمان چندین جشن با هزینه‌های گزاف برپا شد و میلیونها تومان از بودجهٔ عمرانی کشور صرف این مراسم شد. هزاران نفر از خارج با هزینه سنگین جهت شرکت در این جشنها به ایران آمدند و در مراسم بزم شاهنشاهی شرکت کردند. ۱۳۵۰ ه. ش، سال کورش نام گرفت و یک سال برای آن جشن گرفتند. سال ۱۳۵۱ ه. ش، یکمین سال جشنهای ۲۵۰۰ ساله، جشنهای نخستین دههٔ انقلاب سفید، پنجاهمین سال سلطنت پهلوی و صدمین سال تولد رضاخان و جشن تاجگذاری از جمله این جشنها بود.^۲

در آستانهٔ این عیاشیها، امام خمینی(ره) اعلامیه‌ای را از نجف برای مردم فرستاد و اعلام کرد:

«آیا ملت ایران باید برای کسی که به اسلام و اساس اسلامی خیانت می‌کند جشن برپا کند؟ ... جنایت پادشاهان تمام تاریخ را سیاه کرده است... از نظر پیامبر اسلام(ص) کلمه شاهنشاه نفرت‌انگیزترین کلمه است. اصول اسلامی با سلطنت مخالف است... سلطنت از شرم‌آورترین و زشت‌ترین ارتجاع‌هاست...»^۳

پیام امام به مناسبت تشکیل حزب واحد رستاخیز

در سالهای پایانی عمر رژیم شاه که جوّ وحشت و اختناق همه جا را فرا گرفته بود و بیشتر مبارزان در زندان و حبس به سر می‌بردند، رژیم شاه دست به ابتکار جدیدی زده، در سال ۱۳۵۴ ه. ش.

۱. همان، ص ۴۸۸-۴۸۹. ۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۲۸.

۳. ایران: انقلاب به نام خدا، کلریریر پیر بلانشه، ترجمهٔ قاسم صنعوی، ص ۱۲-۱۴، سحاب کتاب.

حزب واحد رستاخیز را تشکیل داد. به دنبال تشکیل آن اعلام کردند که همه مردم باید به عضویت آن درآیند و هرکسی که نخواهد به عضویت آن در بیاید می‌تواند مراجعه کرده، پاسپورت خود را دریافت کند و به خارج برود. هدف رژیم از این کار، آن بود که ژست دموکراسی غربی به خود گرفته و اعلام کند که ما نیز در ایران حزب سیاسی داریم.^۱

رهبر نهضت اسلامی هنگام تشکیل این حزب که همزمان با سالگرد قیام پانزده خرداد بود، پیامی از تبعیدگاه خود برای ملت ایران فرستاد. ایشان در این پیام، پرده از روی بازی سیاسی رژیم برداشته و شرکت در آن را تحریم و آن را مقدمهٔ بدبختی‌هایی دانست که اثراتش بعدها روشن خواهد شد. امام خمینی (ره) در پیام خود فرمود:

«نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلم، شرکت در آن برای عموم ملت حرام و کمک به ظلم و استیصال مسلمین است و مخالفت با آن از روشن‌ترین موارد نهی از منکر است...»^۲

به دنبال پیام امام (ره) اساتید و طلاب مدرسه فیضیه به مناسبت بزرگداشت شهدای پانزده خرداد تظاهراتی را در سال ۵۴ علیه رژیم شاه برپا کردند که منجر به تحصن و درگیری آنها با نیروهای امنیتی شاه شد. این تظاهرات و درگیری‌ها به مدت سه روز ادامه داشت و سرانجام مأموران رژیم با حمله به مدرسه فیضیه و ضرب و شتم طلاب متحصن، عده‌ای از آنها را به سربازی فرستاده و عده‌ای دیگر را راهی سیاه‌چال‌های رژیم کردند.^۳

پرسش

۱. واکنش امام در مقابل تصویب کاپیتولاسیون در دولت حسنعلی منصور چگونه بود؟
۲. اقدام رژیم شاه در مقابل اعتراض امام (ره) را توضیح دهید.
۳. امام طرح حکومت اسلامی (ولایت فقیه) را از چه زمانی آغاز کرد؟
۴. نقش امام درتشکل و سازماندهی گروه‌های مسلمان را قبل و بعد از تبعید شرح دهید.
۵. چند مورد از پیام‌ها و رهنمودهای مهم امام از نجف را بطور خلاصه بنویسید.

۱. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ص ۴۹۷. ۲. همان، ص ۴۹۸.

۳. هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، زیر نظر غلامرضا کرباسچی ص ۶۳۲-۶۳۳، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۱.

درس پانزدهم اوج‌گیری مبارزات

نهضتی که در سال ۴۱ به رهبری امام خمینی (ره) از درون حوزه علمیه قم آغاز شد، هر چند بظاهر در پانزده خرداد ۱۳۴۲ به وسیله رژیم شاه سرکوب شد، ولی هرگز نابود نشد، بلکه همانند آتش زیر خاکستر در حال رشد و شکل‌گیری بود. حکومت پلیسی شاه و اربابش امریکا فکر می‌کردند که می‌توانند با خشونت و سرکوبی، نهضت پانزده خرداد را ریشه‌کن کرده و با تبعید امام (ره) رابطه او را با مردم ایران قطع کنند و از وقوع انقلاب جلوگیری نمایند، اما امام با رهبری مدبرانه خود در دوران تبعید در ترکیه و عراق همواره ارشاد و هدایت خود را تداوم بخشیده و به راهنمایی و سازماندهی گروه‌ها و مردم پرداخت.

تداوم رهبری امام از تبعیدگاه خود از یکسو و مقاومت و پایداری مردم و شاگردان او در داخل کشور از سوی دیگر، سرانجام منجر به برانگیختن شعله‌های خشم مردم در سال ۵۶ علیه حکومت پهلوی شده و در نهایت، بر اثر اوج مبارزات مردم، شاه در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ از کشور گریخته، طلوع فجر پیروزی در سپیده دم ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نمایان شد و رژیم شاهنشاهی برای همیشه به زباله دان تاریخ رفت.

جرقه‌های انقلاب در سال ۵۶

الف - مقاله «احمد رشیدی مطلق»

شهادت مشکوک و ناگهانی حاج سید مصطفی خمینی فرزند بزرگ امام (ره) در اواخر آبان سال ۱۳۵۶ بهانه‌ای شد که مردم در مراسم آن مرحوم یاد رهبر و پیشوای بزرگ خود را دوباره بر سر زبانها جاری کنند. رژیم شاه که سالها تلاش کرده بود، نام ایشان به فراموشی بسپارد، تحمل چنین وضعی را نداشته و به همین دلیل تصمیم گرفت به ساحت مقدس امام (ره) توهین کند. در همین راستا به مزدوران خود دستور داد که مقاله‌ای را آماده کرده و به چاپ برسانند.^۱

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲۴۲-۲۴۵.

در تاریخ هفده دی ماه ۱۳۵۶ روزنامه اطلاعات مقاله‌ای را با نام مستعار «احمد رشیدی مطلق» منتشر کرد که سرتاسر آن توهین و اهانت به امام خمینی (ره) بود. رژیم شاه که درک کرده بود، خطر اصلی کجاست و رهبری مردم مبارز از کدام نقطه سرچشمه می‌گیرد، می‌خواست به این وسیله خدشه‌ای به محبوبیت و شهرت امام وارد کند تا به قول خودش بتواند از وقوع شورش و انقلاب به رهبری ایشان جلوگیری کند، اما غافل از این بود که مریدان او تحمل چنین توهینی را نخواهند داشت و مخالفت را آغاز خواهند کرد.^۱

ب - قیام نوزده دی قم

مقاله اطلاعات علیه رهبر انقلاب در سراسر ایران واکنش شدیدی داشت و موجی از اعتراضات مردم را برانگیخت، اما در قم نتیجه فوری داشت. مردم و طلبه‌ها و مراجع بزرگ که تحمل چنین اهانتی را نداشتند، فردای آن روز درس و منبر را تعطیل کرده، در منازل آیات عظام تجمع کردند و در پایان شب در مسجد اعظم به دادن شعار پرداختند، اما قیام اصلی، روز نوزده دی بود.

در روز دوشنبه نوزده دی مردم با تعطیل دوباره محل کسب و کار و درس خود در میدان آستانه قم اجتماع کرده و به راهپیمایی پرداختند. مأموران رژیم در زمان راهپیمایی برای مردم مزاحمت فراهم کردند تا اینکه سرانجام در بعدازظهر این روز درگیری مأموران رژیم با تظاهر کنندگان به وقوع پیوست. نیروهای رژیم با سلاح گرم و تیراندازی مستقیم در مقابل مردم قرار گرفته و آنها را به خاک و خون کشیدند و بعد از حدود چهارده سال که از قیام خونین پانزده خرداد گذشته بود، دوباره خون گرم مردم خیابانها را رنگین کرد.^۲

قیام و کشتار مردم قم در این روز که با پشتیبانی مراجع تقلید از مردم همراه بود، آغاز روند جدیدی از مبارزه مردم علیه رژیم شاه شد. به دنبال این قیام بود که اعتصابات، و تظاهرات و یورش به مراکز دولتی و انتظامی کشور آغاز شده، موج اعتراضهای داخلی و خارجی علیه رژیم در مطبوعات ایران و جهان گسترش پیدا کرد.^۳

ج - جنبش ۲۹ بهمن تبریز

مردم خطه آذربایجان که همواره در مبارزات آزادی خواهی ملت ایران پیشقدم بوده‌اند، این بار نیز در چهل شهدای قم شجاعت خود را به اثبات رساندند. در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ ه. ش، در سراسر

۱. همان، ص ۲۴۵.

۲. همان، ص ۲۴۶.

۳. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲۴۷.

ایران به مناسبت چهلّم حوادث قم درگیری‌هایی اتفاق افتاد که از میان همه آنها قیام مردم تبریز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. رژیم شاه با تماسهایی که با شریعتمداری برقرار کرده بود، فکر نمی‌کرد که تبریز محل اصلی انفجار باشد، اما برخلاف تصور دست‌اندرکاران رژیم، چنین شد.^۱ در این روز که عزای عمومی اعلام شده بود، مردم تبریز از تمام اقشار روانه مسجد شدند تا در مجلس ختمی که به همین مناسبت از طرف آیه الله شریعتمداری و آیه الله قاضی برگزار شده بود، شرکت کنند، اما پلیس از ورود مردم به مسجد جلوگیری کرده و برای پراکنده شدن آنها شروع به تیراندازی نمود. مردم در مقابل آنها مقاومت کرده و به مأموران هجوم آوردند و با شعار مرگ بر شاه راهپیمایی را آغاز کردند و با عصبانیت مراکز دولتی، سینما و مشروب فروشها را به آتش کشیدند.^۲ سرانجام، ارتش شاه به کمک پلیس آمده، به سوی مردم آتش گشود و عده زیادی را به شهادت رساند. درگیری و کشتار مردم تا نیمه‌های شب ادامه داشت تا اینکه حکومت نظامی برقرار شده، بیمارستانهای تبریز لبریز از کشته‌ها و مجروحان گشت.^۳

د - یزد خونین در چهلّم شهدای تبریز

در اربعین شهدای تبریز که همزمان با نهم فروردین ۱۳۵۷ ه. ش، بود، مردم بسیاری از شهرهای ایران خود را آماده کرده بودند تا یاد عزیزان از دست رفته تبریز را گرامی دارند. دست مزدوران رژیم شاه که پس از قیامهای خونین قم و تبریز به خون مردم آلوده شده بود، این بار حادثه دیگر آفرید و مردان و زنان انقلابی یزد را به رگبار گلوله بست. مردم یزد در نهم فروردین ۱۳۵۷ ه. ش، پس از برگزاری اربعین شهدای تبریز به خیابانها ریخته و دست به تظاهرات زدند و شیشه‌های چند بانک و سینما و مشروب فروشی را شکستند. در روز بعد با اعلام تعطیل عمومی از طرف شهید محراب آیه الله صدوقی (ره) مردم در مسجد شهر گرد آمده، خواستار بازگشت امام از تبعید و آزادی زندانیان سیاسی شدند. پس از پایان سخنرانی به خیابانها ریخته و دست به تظاهرات زدند که با دخالت پلیس و ارتش عده زیادی به شهادت رسیدند.^۴

سال ۵۷، سال سرنوشت

هر چند ایران در طول تاریخ چند هزار ساله، حوادث و فراز و نشیبهای زیادی به خود دیده است،

۱. از سید ضیاء تا بختیار، مسعود بهنود، ص ۷۴۷، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۹، چاپ چهارم.

۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲۴۷. ۳. همان، ص ۲۴۸.

۴. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲۴۸.

اقا سال ۵۷ از ویژگی خاصی برخوردار بوده و با هیچ سال دیگری قابل مقایسه نیست، چرا که ملت قهرمان ایران در این سال به وحدت بی سابقه‌ای دست یافته بود، حوادث بسیاری را خلق کرده و سرانجام رژیم پوسیده پادشاهی را سرنگون کرد. اتحاد و اتفاق امت شهید پرور ایران که از ایمان مذهبی تبلور پیدا کرده بود، توانست رژیم تا دندان مسلح شاهنشاهی را که متکی به بزرگترین قدرتهای دنیا نیز بود، روانه موزه تاریخ کند.^۱

الف - رمضان ۵۷ و صدور منشور انقلاب

ماه رمضان در این سال فرصت مناسبی بود تا مردم صفوف و شور انقلابی خود را در ماه خودسازی، بیشتر و تظاهرات و اعتراضها را کوبنده تر کنند. امام خمینی (ره) از فرصت به دست آمده در این ماه استفاده کرده و به منظور بسیج همه نیروها به پا خاسته، نخستین منشور انقلاب اسلامی را توسط یک پیام هشت ماده‌ای به اطلاع امت مسلمان ایران رساند و ضمن تکیه بر همبستگی و وحدت همه مردم برای مبارزه با رژیم شاه، جنایات آن رژیم را طی چند ماه اخیر بر شمرده، خواستار تداوم قیام تا محو کامل آثار ظلم و نابودی دستگاه جبار پهلوی شد. همچنین امام در این پیام، وظایف اصلی سخنرانان و مبلغهای مذهبی و شنوندگان آنها را در ماه محرم مشخص کرد.^۲

رهبر انقلاب در این پیام، نیروهای مسلح ایران را از حمایت رژیم باز داشته و از آنان خواسته بود که از ستمگران اطاعت نکنند و از برادر کشی دست برداشته، به ملت بپیوندند و دین خود را به اسلام و مسلمانان ادا کرده و تن به ذلت و خواری ندهند.^۳

ب - اولین حکومت نظامی

به دنبال پیام هشت ماده‌ای امام در اول رمضان، شهرهای ایران بویژه شیراز و اصفهان به جوش و خروش افتاد. اصفهان حالت غیر عادی پیدا کرد و مردم ضمن تظاهرات، سینماها، بانکها و ادارات دولتی را به آتش کشیدند و عده زیادی کشته شدند. به دنبال این حادثه، دولت آموزگار در ۲۵ مرداد ۱۳۵۷ ه. ش، در اصفهان، نجف آباد، شهرضا و همایون شهر حکومت نظامی و منع رفت و آمد اعلام کرده، سرلشکر رضا ناجی را به فرمانداری نظامی آنجا منصوب کرد.^۴

ج - فاجعه سینما رکس آبادان و سقوط دولت آموزگار

یکی از مهمترین حوادث سال ۵۷ که باعث سرعت انقلاب اسلامی شد، فاجعه به آتش کشیدن سینما

۱. همان، ص ۲۵۱.

۲. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۵۰۹.

۳. همان، ص ۱۲.

۴. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۶.

رکس آبادان بود. در این جنایت بی سابقه حدود چند صد نفر از زن، مرد، پیر و جوان بی گناه در داخل سینما سوخته و به ذغال تبدیل شدند. رژیم شاه ابتدا سعی کرد که این جنایت را کار انقلابیون مسلمان قلمداد کند، اما بزودی مردم ایران فهمیدند که این فاجعه به دست مزدوران رژیم اتفاق افتاده است.^۱ رسوایی چنان آشکار بود که مردم هیچ گونه توضیحی را از سوی رژیم قبول نمی کردند. به دنبال این حادثه، مردم به واقعیتهای جدید آشنا شدند و هر حادثه ای را از سوی رژیم تلقی کردند. مردم خوزستان که از داغ عزیزانشان ماتم زده بودند، یکپارچه به انقلاب پیوستند و اعتراض و تظاهرات علیه رژیم را گسترش دادند. افزایش خشم مردم در مقابل این فاجعه چنان چشمگیر بود که بی درنگ پس از آن دولت آموزگار سقوط کرد.^۲

د - نماز عید فطر و جمعه سیاه

پس از سقوط دولت آموزگار، رژیم شاه به آخرین مهره کهنه کار و فراماسون خود متوسل شد تا با فریب نزدیکی خود به روحانیون، دولت به اصطلاح آشتی ملی خود را برای نجات شاه تشکیل دهد. شریف امامی ابتدا قول داد که سوء استفاده کنندگان را مجازات، مطبوعات را آزاد و همه را آشتی دهد و در این راستا و برای انحراف افکار مردم تاریخ شاهنشاهی را لغو و قمارخانه ها را تعطیل کرد، ولی نماز چند میلیونی عید فطر به امامت شهید دکتر مفتاح، تلاش خستگی ناپذیر و وحدت و همبستگی مردم را یک بار دیگر نشان داد.^۳

موفقیت در راهپیمایی آرام عید فطر (سیزده شهریور) باعث شد که راهپیمایی دیگری ترتیب داده شود. مردم در صبح هفده شهریور به راهپیمایی پرداختند. دولت، شش صبح آن روز در تهران و دوازده شهر دیگر حکومت نظامی اعلام کرد و بی درنگ مأموران حکومت نظامی تجمع مردم را در میدان شهدا - ژاله سابق - به خاک و خون کشیدند و صدها نفر را به شهادت رسانده و ننگ دیگری بر رژیم شاه و دولت آشتی ملی شریف امامی وارد ساختند و این اولین نتیجه حکومت نظامی شاه بود که از صبح زود آن روز برقرار شده بود و مردم اطلاعی از قوانین آن نداشتند.^۴ هفده شهریور روز تجلی ایمان و اراده ملت و روز حماسه و فداکاری و افتخار اسلام و مسلمانان شد؛ روزی که به صورت نقطه عطفی در تاریخ انقلاب درآمد و سرآغاز مرحله جدیدی از اوج انقلاب و سرآشوبی سقوط نظام شاهنشاهی شد.

۱. انقلاب اسلامی در ایران، حامد الگار، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیدری، ص ۱۳۶، قلم، بی جا، ۱۳۶۰.

۲. همان، ص ۱۳۷.

۳. تاریخ سیاسی معاصر، ج ۲، ص ۲۵۹ - ۲۶۰.

۴. انقلاب اسلامی و ریشه های آن، ص ۵۱۴.

ه- هجرت تاریخی امام(ره) به پاریس

در این زمان رژیم عراق در یک اقدام هماهنگ با حکومت شاه، تصمیم به ایجاد محدودیتهایی برای امام در نجف گرفت. سازمان امنیت عراق منزل امام(ره) را محاصره و از ارتباط مردم و روحانیون با ایشان جلوگیری کرد. این فشارها و محدودیتهای امام را ناچار به ترک عراق و عزیمت به سوی کویت کرد. دولت کویت مانع ورود امام(ره) به کشورش شد و به همین دلیل، رهبر انقلاب اسلامی در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۵۷ ه. ش، در سفر تاریخی خود به فرانسه رفت و در دهکده‌ای به نام «نوفل لو شاتو» در نزدیکی پاریس اقامت گزید.^۱

سفر تاریخی امام به پاریس انقلاب را وارد مرحله تازه‌ای کرد و صدای انقلاب اسلامی از قلب اروپا به گوش مریدان آن رهبر مبارز، در سراسر جهان رسید و هر روز سیل مشتاقان وی راهی فرانسه می شدند.

و- اعتصابان کارمندان و کارگران

از حوادث مهم دیگر این سال پیوستن کارمندان و کارگران حقوق بگیر دولت و بخش صنعتی از جمله کارگران صنعت نفت به جمع انقلابیون بود. اعتصاب کارکنان صنعت نفت که به قطع استخراج و صدور نفت به خارج منجر و دولت با خشونت نیز نتوانست آنها را به سرکار بازگرداند، موجب تحسین رهبر انقلاب شد، امام(ره) به همین منظور در پیام خاصی این عمل آنها را پر ارزش و باعث رو سفیدی ملت خواند و از مردم خواست که هنگامی که کارکنان مؤسسات دولتی دست به اعتصاب می زنند از آنان حمایت کنند.^۲

ز- سیزده آبان و سقوط دولت شریف امامی

دانش آموزان و دانشجویان در سیزده آبان ۵۷ که مصادف با سالروز تبعید امام(ره) در سال ۴۳ از ایران به ترکیه بود، در دانشگاه تهران اجتماع کرده و دست به تظاهرات زدند. تظاهرات و همبستگی این دو قشر جوان در دانشگاه، نوید شرکت وسیعتر آنها در صحنه انقلاب بود که به شکل وحشیانه‌ای توسط مزدوران رژیم به خاک و خون کشیده شد و درگیری به خیابانهای اطراف دانشگاه نیز گسترش پیدا کرد و باکشته شدن چندین نفر، این گروه تحصیلکرده، روز پُر افتخاری را پشت سر گذاشتند.^۳

۱. ریشه‌های انقلاب ایران، نیکی آر. کدی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۳۶۹، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۶۹.

۲. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۵۱۶. همان، ص ۵۱۹.

به دنبال کشتار دانشگاه، دولت شریف امامی که در عمر دو ماهه خود هزاران نفر از مردم ایران را به شهادت رسانده بود، دیگر نمی توانست دوام داشته باشد و سقوط کرد و راه برای حکومت نظامی هموار شد. حکومت شاه که تحمل تظاهرات و راهپیمایی گروه تحصیل کرده و آگاه جامعه ایران را نداشت، در تاریخ پانزدهم آبان مدارس و دانشگاهها را تعطیل کرد.^۱

ح - کابینه نظامی ارتشبد از هاری

بعد از حادثه دانشگاه در روز پانزده آبان، شاه با صدای لرزان خود به مردم گفت که صدای انقلاب شما را شنیدم و در عین حال دولت نظامی ارتشبد از هاری را به مردم معرفی کرد. ارتشبد از هاری در نخستین گام خود، روزنامه های خبری را به اشغال نظامی درآورد و به همین دلیل روزنامه نگاران دست به اعتصاب زدند و به مدت ۶۱ روز یعنی تا پایان حکومت نظامی به سرکار خود بازنگشتند.^۲

یکی از حوادث مهم دوره حکومت نظامی که تا آن زمان سابقه نداشت و مأموران حکومت نظامی را نیز گیج کرده بود، فریاد «الله اکبر» و «لا اله الا الله» شبانه مردم بود. امت مسلمان ایران که روزها به علت حضور نیروهای نظامی کمتر می توانستند به تظاهرات و راهپیمایی بپردازند، در اول محرم این سال دست به این عمل تبلیغی و روانی زدند تا صدای خود را شبانه از فراز بامها به گوش مزدوران رژیم برسانند. مأموران رژیم هر چند قصد داشتند با تیراندازی شبانه این اقدام مردم را خنثی کنند، اما از این حرکت خود مانند سایر شیوه ها نتوانستند نتیجه بگیرند و ملت همانند سایر اقدامات خود پیروز بود.^۳

ط - امواج خروشان تاسوعا و عاشورا

تاسوعا و عاشورا و بطور کلی محرم برای شیعیان، یادآور دلاوریها و رشادتهای یاران امام حسین (ع) از یکسو و ظلم و بی رحمی یزید و یاران او از سوی دیگر است. شیعیان همیشه حکومت های ظالم را با یزید تطبیق داده، نفرت و انزجار خود را از آن بیان می کنند.

در سال ۱۳۵۷ ه. ش، روزهای تاسوعا و عاشورا بهترین موقعیت برای محکوم کردن ظلم و جور یزید زمان بود و به همین مناسبت مردم به دعوت روحانیت و بویژه آیه الله طالقانی (ره) راهپیمایی چندین میلیون نفری را آغاز کردند. رژیم شاه که قصد داشت جلوی سیل خروشان مردم به پا خاسته را

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۲۹۱. ۲. همان، ص ۲۹۵.

۳. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۹، ص ۶-۷.

سد کند، در آخرین ساعت عقب نشینی کرده و امواج خروشان مردم سرانجام در میدان آزادی اجتماع کرده، قطعنامه هفده ماده‌ای را انتشار دادند که در صدر آن سقوط و برچیده شدن حکومت سلطنتی و برقراری حکومت عدل اسلامی خواسته شده بود. همچنین عزاداری و راهپیمایی بزرگ مردم سراسر ایران در روز تاسوعا و عاشورا ضربه سرنوشت سازی بر رژیم شاه وارد کرد. به دنبال این راهپیماییها امام(ره) در یازدهم محرم این راهپیماییهای میلیونی و سراسری را به عنوان تجدید عهد با سید مظلومان و به منزله رفراندومی شمرد که برای هیچ کس ابهامی باقی نگذاشت.^۱

ی - دولت سوسیال دموکرات بختیار

شاه که از دولت نظامی از هاری نتیجه‌ای نگرفته بود و در پی خروج از بن بست بود، دست به دامن ملّی گراها و ذخیره‌های امپریالیست زد تا شاید با ماسک ملّی و مردمی بتواند تاج و تخت خود را نجات دهد. به همین دلیل «شاهپور بختیار» از یاران دکتر مصدق و از رهبران قدیمی جبهه ملّی را به نخست وزیری برگزید، اما غافل از این بود که عقب نشینی او عزم راسخ امت اسلامی و رهبری آنان را در سرنوشت رژیمش محکمتر خواهد کرد.^۲

ک - فرار شاه

پس از اینکه بختیار از مجلسین رأی تمایل گرفت، شورای سلطنت به ریاست «سید جلال تهرانی» تشکیل شد و شاه با خانواده‌اش در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ به بهانه بیماری و با چشم گریان ایران را ترک کرد. با خروج شاه از کشور موجی از شادی و خوشحالی، تظاهرات و راهپیمایی سراسر ایران را فراگرفت، مجسمه‌های او و پدرش به پایین کشیده شد و پرچم‌های «الله اکبر» به جای آنها به اهتزاز درآمد. مردم با رفتن شاه، به شادی پرداخته و صحنه‌های وصف‌ناپذیری را به وجود آوردند و روز رفتن شاه را «بهار آزادی» نامیدند.^۳

ل - بازگشت امام(ره) به وطن

هنوز مدت کوتاهی از فرار شاه نگذشته بود که رهبر انقلاب اعلام کرد که بزودی به وطن باز خواهیم گشت و در کنار شما خواهیم بود. خبر برگشت امام(ره) برای پیروان او که سالها چنین آرزویی را داشتند، مؤدّه بزرگی بود، اما این خبر به همان اندازه که برای ملّت خوشحال کننده بود،

۱. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۵۲۲.

۲. همان، ص ۵۲۳.

۳. همان، ص ۵۲۶.

برای بختیار ناخوشایند بود. به همین دلیل، بختیار ابتدا با بستن فروگاههای کشور مانع ورود رهبر انقلاب شد، اما وقتی که با فشار سراسری مردم رو به رو شد، تسلیم گردید.^۱ سرانجام، امام خمینی (ره) در تاریخ دوازده بهمن ۵۷ با یک پرواز اختصاصی وارد تهران شد. هزاران نفر از مردم ایران که از سراسر کشور برای استقبال رهبر خود به تهران آمده بودند، بی نظیرترین استقبال تاریخ خود را به وجود آوردند و از فرودگاه تا بهشت زهرا موجی از انسانهای خروشان، مقدم مبارک مقتدای خود را گرامی داشتند.^۲

م - تشکیل دولت موقت و پیروزی انقلاب اسلامی

امام پس از چند روز که از ورودش به ایران می گذشت، با مشورت شورای انقلاب که از قبل به وسیله ایشان در تهران تشکیل شده بود، مهندس مهدی بازرگان را در پانزده بهمن ۵۷ به نخست وزیری موقت برگزید تا با تشکیل دولت موقت مقدمات تغییر نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی را فراهم کرده، انتخابات برای برگزیدن نمایندگان مردم را برگزار کند.^۳ سرانجام، در روز ۲۱ بهمن به دنبال درگیری در پادگان نیروی هوایی و حمله لشکرگارد به پرسنل انقلابی، مردم به یاری انقلابیون آنجا شتافتند و با فرمان امام حکومت نظامی را نادیده گرفته و با سلاحهای گرم یکی پس از دیگری، سنگرهای باقیمانده رژیم شاه را به تصرف خود درآوردند و در سپیده دم ۲۲ بهمن فجر پیروزی دمید و دولت بختیار به همراه سلطنت پهلوی و نظام شاهنشاهی در ایران به موزه تاریخ رفت و نظام اسلامی برقرار شد.

پرسش

۱. جرقه های انقلاب اسلامی در سال ۵۶ را به اختصار توضیح دهید.
۲. اولین حکومت نظامی در چه شهر و در زمان نخست وزیری چه کسی برگزار شد؟
۳. نماز عید فطر و جمعه سیاه چگونه و در زمان کدام دولت بود؟
۴. آخرین کسی که برای نجات پهلوی به نخست وزیری انتخاب شد چه کسی بود؟ حوادث زمان نخست وزیری آن را توضیح دهید.
۵. هجرت تاریخی امام از عراق به فرانسه در چه تاریخی انجام شد و چه نقشی در روند انقلاب اسلامی داشت؟

۲. همان، ص ۳۳۲.

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۳۳۲.

۳. انقلاب اسلامی و ریشه های آن، ص ۵۳۱.

درس شانزدهم انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران شروع عصر تازه‌ای در تاریخ ایران به شمار می‌رود. کشوری که چندین هزار سال تحت سلطه شاهان و استعمارگران قرار داشت از بند زنجیر اسارت رها شده و سرنوشت آن را مردم مسلمان و انقلابی رقم زدند. در یک کلام، ظهور انقلاب اسلامی ایران حاصل زحمتهای اولیای دین برای اجرای قوانین اسلام و برپایی حکومت عدل الهی بود.

ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران که بدون وابستگی به شرق و غرب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ه. ش، به پیروزی رسیده بود، معادلات سیاسی استکبار جهانی را بر هم ریخت. انقلابی نوپاکه کانون توجه سیاستمداران و عموم مردم جهان شد.

«انقلاب سالهای ۱۹۷۸، ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) و پیامدهای آن برای نخستین بار در خلال ۲۵ سال، توجه وسیع همگانی، همراه مقدار زیادی سرگردانی و ابهام را نسبت به ایران جلب نمود. این انقلاب حتی با الگوها و انتظارات کسانی که به نسبت خوبی از اوضاع ایران مطلع بودند، نیز سازگار نبود.»^۱

بی‌شک، چنین حادثه‌ای بزرگ، مسائل بی‌شماری در پی داشت، چنان که برخی، روزهای انقلاب را در مقابل تحولات سالهای اولیه بعد از پیروزی ناچیز می‌شمارند. انقلاب اسلامی ایران در عمر کوتاه خود مراحل متعدّد و سرنوشت سازی را سپری کرده است. برای آشنایی بیشتر، این روزها را در دورانه‌های زیر مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱. ریشه‌های انقلاب ایران، ص ۱۵.

از پیروزی انقلاب تا استعفای دولت موقت

دولتی که با حکم امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۵ به نخست وزیری مهندس «مهدی بازرگان» تشکیل شده بود، با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن، با عنوان «دولت موقت انقلاب اسلامی» اداره کشور را به دست گرفت.^۱ فرمان نخست وزیری مهندس بازرگان شامل مأموریتها و مسؤولیتهای زیر بود.

۱- در انتصاب مسؤولین دولتی روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص در نظر گرفته نشود.

۲- انجام رفتارندم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی.

۳- تشکیل مجلس خبرگان جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید.

۴- انتخابات مجلس نمایندگان ملت.^۲

دولت موقت به دلیل گرایشهای لیبرالیستی و میانه روی، نه تنها در جهت انجام فرمان حضرت امام گام بر نمی داشت، بلکه بر موضع حزبی اصرار می ورزید. به عنوان نمونه می توان به ترکیب کابینه دولت موقت و برخورد با نهادهای انقلابی اشاره کرد.

همه پرسی جمهوری اسلامی در روزهای دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸ ه. ش، برای تعیین نظام حکومتی ایران اسلامی برگزار شد و ۹۸/۲ درصد افرادی که واجد شرایط بودند، به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند. امام خمینی (ره) در اعلامیه ای به این مناسبت فرمود:

«صبحگاه دوازده فروردین که روز نخستین حکومت الله است از بزرگترین اعیاد مذهبی و ملی ماست. ملت ما باید این روز را عید بگیرند و زنده نگهدارند. روزی که کنگره های قصر ۲۵۰۰ ساله حکومت طاغوتی فرو ریخت و سلطه شیطان برای همیشه رخت بر بست و حکومت مستضعفین که حکومت خداست به جای آن نشست.»^۳

عرصه سیاسی ایران در فاصله پیروزی انقلاب تا استعفای دولت موقت شاهد حوادث گوناگونی بود. از فردای پیروزی، دهها دسته و گروه در مناطق مختلف خودنمایی کرده، هرکس برای خود ایدئولوژی و آرمانی را اعلام کرد. گروههای معارض انقلاب - گروهکها - با الهام از استکبار جهانی در صدد سرنگونی نظام نوپای جمهوری اسلامی بودند. عملکرد «حزب دموکرات» و «کومله» در کردستان، «منافقین» (سازمان مجاهدین خلق) در تهران و شهرهای

۱. تاریخ معاصر ایران، آموزش و پرورش، ص ۲۵۵، تهران، ۱۳۷۰.

۲. صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۷.

۳. همان، ص ۲۳۲.

بزرگ، حزب «خلق مسلمان» در تبریز، گروههای چپ در ترکمن صحرا و فعالیتهای گروه تروریستی «فرقان» از آن جمله بود.^۱

کمیته انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران و جهاد سازندگی از مهمترین نهادهایی بودند که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تأسیس شدند. پاسداران انقلاب، به عنوان بازوی مسلح انقلاب و رهبری، به علت ضعف قوای انتظامی و ارتش و فقدان امنیت اجتماعی، اسلحه به دست گرفته، به حراست از انقلاب پرداختند. جهاد سازندگی نیز با ارائه انواع خدمات کشاورزی، آبرسانی، برق رسانی و راه سازی را در مناطق محروم بویژه بخشها و روستاهای دور افتاده آغاز کردند.^۲

الف - انقلاب دوم

روز سیزده آبان ۱۳۵۸ ه. ش، به مناسبت سالگرد تبعید حضرت امام (ره) مراسمی در دانشگاه تهران برگزار شد. در پایان این مراسم، به عنوان اعتراض به پناه دادن شاه به امریکا، راهپیمایی باشکوهی به طرف سفارت امریکا در تهران انجام گرفت. در این میان عده ای از دانشجویان به نام «دانشجویان پیرو خط امام» با یک برنامه از پیش تعیین شده، در یک اقدام انقلابی و متهورانه سفارت امریکا، (معروف به لانه جاسوسی) را که زیر چتر مصونیت دیپلماتیک در ایران مشغول کار بود، به اشغال خود درآورده، کارکنان آن را به گروگان گرفتند.^۳ امام خمینی (ره) حرکت دانشجویان را تأیید کردند و مردم با اجتماع و تظاهرات در خیابانهای اطراف لانه جاسوسی، پشتیبانی خود را از این اقدام اعلام کردند.

اشغال لانه جاسوسی، ضربه مهلکی بر ایادی امریکا و بخصوص لیبرالها و دولت موقت بود. سرانجام، دولت موقت که نمی توانست خود را با شرایط جدید تطبیق دهد، مجبور به استعفا شد و بدین ترتیب، عمر نه ماهه آن به پایان رسید.^۴

از استعفای دولت موقت تا آغاز جنگ تحمیلی

این دوره یکی از دوره های پرحادثه و سخت تاریخ انقلاب اسلامی است. «شورای انقلاب»^۵ پس از استعفای دولت موقت اداره امور کشور را به دست گرفت و اولین انتخابات ریاست

۱. تاریخ معاصر ایران، آموزش و پرورش، ص ۲۵۸. ۲. همان، ص ۲۵۶.

۳. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، ص ۱۴۷، امیرکبیر.

۴. همان.

۵. این شورا در تاریخ ۲۲/ ۱۰/ ۵۷ طی پیامی از سوی امام و مرکب از: آیه الله خامنه ای، شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید باهنر، حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی و آیه الله موسوی اردبیلی تشکیل شد.

جمهوری در بهمن ماه ۱۳۵۸ ه. ش، برگزار شد و ابوالحسن بنی‌صدر در این انتخابات به ریاست جمهوری برگزیده شد. در اسفندماه همان سال، مردم در سراسر کشور برای انتخاب نمایندگان اولین دوره مجلس به پای صندوقهای رأی رفتند و افراد مورد نظر خود را برای امر خطیر وضع قوانین برگزیدند. این مجلس در خرداد ماه سال ۱۳۵۹ ه. ش، افتتاح شد.^۱

الف - انقلاب فرهنگی

بعد از پیروزی انقلاب، به علتهای مختلف که مهمترین آنها ضعفهای بی حد و حصر دولت موقت بود، گروههای سیاسی بسرعت شکل گرفته، با تبلیغات گسترده‌ای علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی وارد میدان مبارزات سیاسی شدند دانشگاه نیز به عنوان یک مرکز فرهنگی و مولد متخصصین جامعه، جولانگاه گروههای سیاسی مختلف شد.^۲

از نتایج فعالیتهای گروههای مخالف با آرمانهای انقلاب اسلامی، ایجاد جو مسموم سیاسی در دانشگاه و در میان قشرهای روشنفکر جامعه بود، بگونه‌ای که مبانی ارزشی و اسلامی انقلاب به مسخره گرفته می‌شد. با ادامه این روند سرانجام، دانشجویان متعهد از درون دانشگاهها با یک حرکت انقلابی دانشگاهها را تعطیل کرده، خواهان اصلاح وضع موجود شدند. این حرکت دانشجویان مورد تأیید شورای انقلاب نیز قرار گرفت.^۳ سپس از سوی رهبر انقلاب اسلامی، «ستاد انقلاب فرهنگی» شروع به کار کرد. حضرت امام (ره) از این ستاد خواستند تا:

«برای برنامه‌ریزی رشته‌های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاهها بر اساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده سازی اساتید شایسته، متعهد و آگاه و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی اقدام نمایند.»^۴

ب - حادثه طبس

حمله نظامی امریکا به قصد آزادی گروگانها در تاریخ پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ ه. ش، به وقوع پیوست. این حمله با عنایت خداوند متعال به علت توفان شن در طبس شکست خورد. نیروهای نظامی امریکا بدون نیل به اهداف عملیات خود با ناکامی و رسوایی و با به جا گذاشتن تعدادی کشته و تلف شدن چند هواپیما و هلیکوپتر و مقداری وسائل دیگر در کویر طبس مجبور به فرار

۱. تاریخ معاصر ایران، آموزش و پرورش، ص ۲۵۹. ۲. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص ۱۵۶.

۳. تاریخ معاصر ایران، آموزش و پرورش، ص ۲۶۱. ۴. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۷۷.

شدند. البته با اقدام خیانت آمیز بنی صدر، اسناد سری مهّم و بسیار محرمانه در بمباران هلیکوپترهای باقیمانده از بین رفت.^۱

ج - کودتای نوژه

امریکا همزمان با حمله نظامی به طیس، از طریق «شاهپور بختیار» در تدارک کودتای نوژه بود. تجاوز نظامی طیس و کودتای نوژه دو حلقه یک زنجیر بودند که باید منجر به براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران می شد.^۲ کودتاچیان که عده ای از آنها از افسران طرفدار رژیم شاه بودند، قصد داشتند با هواپیما بیت امام (ره) را در «جماران» بمباران کرده، به کمیته ها و مراکز سپاه نیز حمله نمایند. این کودتا با هوشیاری نیروهای «حزب الله»، بموقع کشف و خنثی شد. عاملین کودتا دستگیر و محاکمه شدند و اعتراف کردند که برنامه کودتا را از دولتهای خارجی گرفته اند.^۳

د - نخست وزیری شهید رجایی

بنی صدر که از ابتدا ملّی گرا، لیبرال و غرب زده بود، در دوران ریاست جمهوری بتدریج روش خود را تغییر داده، اختلافات بسیاری با شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی پیدا کرد. یکی از اختلافها، انتخاب نخست وزیر بود. بنی صدر برای انتخاب دولت متمایل به خود تلاش می کرد، در حالی که مجلس با تکیه به رهنمودهای حضرت امام (ره) در انتخاب نخست وزیر متعهد و مکتبی پافشاری می نمود. سرانجام، بعد از مدّتی تلاش و تعیین هیأتی مشترک، شهید رجایی به عنوان نخست وزیر انتخاب شد.^۴

از آغاز جنگ تا ریاست جمهوری آیه الله خامنه ای^۵ مدّ ظلّه العالی

امپریالیسم غرب، زخم خورده از اُمت بیدار و مسلمان ایران، از امواج رو به گسترش انقلاب اسلامی احساس خطر کرده، از راههای گوناگون در صدد ضربه زدن به انقلاب و سرانجام، نابودی جنبش اسلامی در منطقه بود. یکی از این راهها، ایجاد جنگ در منطقه و تجاوز به جمهوری اسلامی به شمار می رفت. از این رو، جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، در ادامه

۱. حادثه طیس، چارلی بکویت، ترجمه دفتر انتشارات اسلامی، ص ۴، دفتر انتشارات اسلامی.

۲. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص ۱۵۵. ۳. تاریخ معاصر ایران، آموزش و پرورش، ص ۲۶۱.

۴. همان، ص ۲۶۲.

۵. از این به بعد مطالب بطور کلی از کتاب تاریخ معاصر، آموزش و پرورش با اندک تلخیص و اضافه آورده شده است.

توطئه‌های استکبار جهانی در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ آغاز شد.^۱

رژیم عراق به زعم داشتن اطلاعات کافی از وضع نابسامان ارتش ایران، تصوّر نارضایتی مردم از جمهوری اسلامی و با احتساب نیروهای منسجم خود و داشتن امکانات نظامی کافی فکر می‌کرد در مدّت کوتاهی فاتح جنگ خواهد بود، ولی پیشروی نیروهای عرّقی، بعد از گذشت چند هفته متوقف و آنها در خاک ایران زمینگیر شدند. مقاومت دلیرانه و دفاع مقدس ملت قهرمان و شهید پرور ایران که هشت سال به طول انجامید، نشان داد که مردم به فرمان رهبر خود تا پای جان در راه حفظ اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی ایستاده‌اند.^۲

از مهمترین مسائل داخل این دوره می‌توان به حل مسأله گروگانها، عزل «بنی صدر» از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری ایران و فرارش به دامن غرب، شهادت دکتر «مصطفی چمران»، شهادت «آیت الله بهشتی» با جمعی از یاران امام در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، انتخاب «محمد علی رجایی» به ریاست جمهوری، نخست وزیری دکتر «محمد جواد باهنر» و شهادت این دو بزرگوار در حادثه بمب‌گذاری ساختمان نخست وزیری اشاره کرد.^۳

از ریاست جمهوری آیه الله خامنه‌ای مدّ ظلّه تا ارتحال حضرت امام(ره)

مردم انقلابی و همیشه در صحنه ایران، یک ماه بعد از شهادت رجایی و باهنر، برای بار سوم به پای صندوقهای رأی رفتند و «آیت الله سید علی خامنه‌ای» را به ریاست جمهوری انتخاب کردند. مهندس «میر حسین موسوی» از سوی رییس جمهوری به نخست وزیری انتخاب شد و کابینه جدید از مجلس رأی اعتماد گرفت. در این دوره، با حاکمیت حزب الله در کشور، نوعی ثبات سیاسی پدید آمد که مسؤولین نظام در سایه آن توانستند کشور را در طول سالهای سخت جنگ اداره کنند.^۴

در آغاز این دوره، گروهکها بویژه منافقین، همچنان به بمب‌گذاری و ترور ادامه می‌دادند، بگونه‌ای که آیه الله «مطهری» آیه الله «قدوسی»، آیه الله «قاضی طباطبایی» آیه الله «مدنی»، آیه الله «دستغیب»، آیه الله «صدوقی» و آیه الله «اشرفی اصفهانی» و شهید هاشمی نژاد و ... از روحانیون و ائمه جمعه انقلابی و مورد احترام مردم و عده‌ای از نیروهای حزب اللهی به دست

۱. همان، ص ۲۶۳.

۲. همان، ص ۲۶۴.

۳. همان، ص ۲۶۶.

۴. همان، ص ۲۶۷.

این گروه‌ها به شهادت رسیده و ترورهای ناموفق نسبت به آیت الله خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی و... انجام دادند.

بازگشایی دانشگاه‌ها در آذرماه ۱۳۶۲ ه. ش، انتخابات مجلس خبرگان، کشف توطئه حزب توده، مبارزه گسترده با مواد مخدر، انتخابات دوره دوم مجلس در سال ۶۳ و انتخابات ریاست جمهوری در سال ۶۴، ماجرای «مک فارلین»، فاجعه «حج خونین»، تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به فرمان حضرت امام در زمستان سال ۶۶، انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی در سال ۶۷، نامه تاریخی امام به گورباچف، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، حکم ارتداد سلمان رشدی از سوی امام (ره) و بازنگری قانون اساسی از مهمترین حوادثی است که تا اوایل سال ۶۷ در این دوره به وقوع پیوست.^۱

امام خمینی (ره) در حالی که کار شورای بازنگری هنوز پایان نیافته بود، در سیزدهم خرداد ماه ۶۸، پس از یک بیماری کوتاه مدت، در سن ۸۷ سالگی دارفانی را وداع گفت و به معبود و محبوبی که سراسر عمر خود را به مجاهدت در راه او و کسب رضای او طی کرده بود، پیوست. رحلت حضرت امام (ره) همگان را در اندوهی بی پایان فرو برد. حضور دریای موج میلیون‌ها نفر از مردم در مراسم وداع و تشییع پیکر پاک امام خمینی (ره)، به دوستان و دشمنان فهماند که انقلاب اسلامی بر پایه‌های اعتقادی و اجتماعی محکمی استوار است.^۲

رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای مدظله العالی

مجلس خبرگان رهبری، بی‌درنگ پس از ارتحال حضرت امام (ره) تشکیل شد و در فاصله کمتر از یک روز، «حضرت آیت الله خامنه‌ای» را به رهبری کشور انتخاب کرد؛ کسی که به داشتن تقوا، اجتهاد، آگاهی عمیق از اندیشه‌ها و سیره امام، مبارزه در راه انقلاب و تجربه سیاسی و اجرایی شهرت داشت.^۳

رهبری جدید انقلاب با بیان این نکته مهم که «راه ما راه امام خمینی است» به جهانیان اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران همچنان آرمانهای رهبر فقید انقلاب اسلامی را سرمشق و هدف خود قرار خواهد داد.

۲. همان، ص ۲۶۹.

۱. همان، ص ۲۶۴.

۳. همان، ص ۲۶۴.

در فاصله کوتاهی پس از ارتحال حضرت امام(ره) همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد. حجت الاسلام و المسلمین «اکبر هاشمی رفسنجانی»، یار دیرین امام و روحانی انقلابی و آگاه به ریاست جمهوری کشور انتخاب شد. دولت جدید نیز با تدوین برنامه پنج ساله و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی، بیشترین فعالیت خود را در راستای بازسازی و نوسازی اقتصادی کشور متمرکز کرد.^۱

پرسش

۱. آیا دولت موقت انقلاب اسلامی در انجام امور محوله از سوی امام موفق بود؟
۲. انقلاب دوم یادآور چه روزی است؟ اهمیت آن را توضیح دهید.
۳. حمله نظامی امریکا به چه منظور و در چه تاریخی انجام گرفت؟
۴. علت‌های شروع جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران را بیان کنید.
۵. مهمترین حوادثی را که از ریاست آیت الله خامنه‌ای تا رحلت امام(ره) اتفاق افتاد، نام ببرید.

درس هفدهم

مروری بر آنچه گذشت

نتیجه‌گیری کلی از حرکت‌های سیاسی تاریخ معاصر

ایران از دیرباز، شاهد جلوس پادشاهان و حکومت سلسله‌های مختلف بود. روزگاری داریوش هخامنشی، قلمرو حکومت خود را از جیحون در شرق و نیل در غرب گسترش داده بود. میهن ما در تاریخش حوادث تلخ و شیرینی را تجربه کرده است، زمانی به اوج قدرت صعود کرده و گاهی در نهایت خواری و ذلت به سر برده است، گاه در غرور پیروزی و گاه در سرافکندگی شکست، گاه به عنوان امپراتوری قدرتمند و گاه در زیر سُم ستوران دشمن قرار داشته است.

سیاست داخلی سلسله‌های قاجار و پهلوی

سلسله قاجاریه در سال ۱۲۰۹ ه. ق، به دست ستمگری به نام «آغا محمد خان» قاجار روی کار آمد. شاهان قاجار که منافع ملی کشور را در حفظ تاج و تخت و رفاه و آسایش خود و درباریان خلاصه کرده بودند، به هر اقدامی دست می‌زدند.

بیشتر مردم ایران در آن زمان روستانشین و کشاورز بودند و حکومت ارباب رعیتی قاجار بیشترین فشار را بر این طبقه وارد می‌کرد. بیشتر دسترنج کشاورزان و دهقانان به مالیاتهای سنگین و سهم ارباب اختصاص می‌یافت. نظام فئودالی قاجار آب و زمین را که عامل کشاورزی است در انحصار خود داشت و از این رو، دهقانان و کشاورزان همیشه در مقابل حاکمان و شاهزادگان کوتاه می‌آمدند و معاش خود را با تلاش فراوان و طاقت فرسا تأمین می‌کردند.

شاهان قاجار که بقای خود را در گرسنگی، بی‌سوادی و جهل مردم یافته بودند، ضمن سرکوب هر حرکت ضد حکومتی، برای جلب قدرتهای بیگانه از بذل زمین، اموال، نفت، معادن و سایر ذخایر کشور به آنان دریغ نمی‌کردند.

دولت مرکزی با نبود یک نیروی نظامی منسجم، قوی و فقدان ارتباط سریع بین شهرهای مختلف، کشور را با شیوه‌های نادرست اداره می‌کرد. در نتیجه، شعله‌فتنه و اختلاف همیشه افروخته بود، رشوه‌خواری رواج کامل داشت و سران قبیله‌ها در مرکز زیر نظر بودند.

روحانیت و رهبران مذهبی از قدرت و نفوذ بالایی برخوردار بوده، شاهان قاجار را تهدید می‌کردند. مراکز خدمات عمومی، نظیر مدارس و محاکم قضایی، جزو مسئولیتهای رهبران مذهبی بود که درآمدهای مذهبی مثل اوقاف را در این راه خرج می‌کردند.

در این دوره، افراد مُصلح و دلسوز مجال انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی را نیافتند، افرادی مثل قائم مقام فراهانی، میرزا تقی خان امیرکبیر، سید جمال الدین اسدآبادی، هر یک به نوعی از صحنه اجتماعی-سیاسی ایران کنار زده شدند.

کودتای ۱۲۹۹ ه. ش رضا خان، به حکومت قاجاریه پایان داد و خاندان پهلوی را به قدرت رسانید. رضا خان مجری سیاستهای استعماری بیگانگان بود. استعمار در این دوره به فکر نفوذ و تسلط بر کشورهای جهان سوم با شیوه‌های جدیدتری برآمده بود. در این راستا، دیکتاتور دست‌نشانده در ایران سیاستهای از خود بیگانگی فرهنگی، جدایی دین از سیاست، پذیرش تجدد و تمدن غربی و دوری از ارزشهای ملی و سنتی را تعقیب می‌کرد.

رضا خان در شهریور ۱۳۲۰ که ایران در اشغال نیروهای درگیر در جنگ جهانی دوم بود، به دستور اربابش تخت سلطنت را به ولیعهد جوان و بی تجربه خود محمد رضا، که بیست سال بیشتر نداشت واگذار کرد. شاه جدید در مقایسه با پدرش در ظاهر خشونت و دیکتاتوری کمتری داشت و با محاکمه چند تن از عاملین جنایت دوران تاریک استبداد می‌خواست مرهمی بر زخمهای مردم از بند رهیده بگذارد. در این دوره، سیاستهای توسعه و به اصطلاح پیشرفت و ترقی رضا شاه که در واقع سیاستهای دیکته شده استکبار جهانی بود، ادامه یافت. شیوه تولید، نوع کشاورزی و الگوی مصرف بتدریج تغییر کرد و صنایع سنگین و مونتاژ، همراه با جاه طلبی شاه، توسط خارجیها بنا شد.

رژیم شاه، پس از یک دوره دوازده ساله، با نهضت ملی شدن صنعت نفت نزدیک به سقوط بود که با حمایت مجدد انگلیس و امریکا با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش، به حیات سیاسی خود ادامه داد. پس از کودتا، دیکتاتوری واقعی شاه آغاز شد. مجلس قانونگذاری، دست‌نشانده قوه مجریه گردید و دستگاه اجرایی با نخست وزیرانی مطیع، به آلتی در دست شاه تبدیل شدند.

قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ ه. ش، توفانی بود که اقتدار حکومت شاه را متزلزل کرد. شاه پس از ۲۲ سال سلطنت و تجربه دوره‌های مختلف با سرکوب قیام و تبعید حضرت امام خمینی (ره) خود را یک‌ه تاز میدان دید. پایه‌های قدرت رژیم با حمایت خارجی، پول و نفت و توسعه و تجهیز ارتش و ساواک روز به روز استحکام می‌یافت. تمام مطبوعات، انجمنها، اصناف، احزاب سیاسی و رادیو تلویزیون به خدمت شاه در آمده بودند.

انقلاب سفید، اصلاحات ارضی، برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله و تاجگذاری، جشن هنر شیراز و ترویج فرهنگ غربی از سیاستهای اقتصادی و فرهنگی شاه بود که به دستور امریکا به اجرا در می‌آمد. سرانجام تشدید وابستگی، گسترش فساد و بی‌بند و باری، اقتصاد بدون برنامه‌ریزی و استبداد مطلق از عواملی بودند که روح آزادی خواهی مردم را در سال ۱۳۵۶ ه. ش، منفجر کرد.

روابط خارجی در دوران قاجاریه و پهلوی

ایران در عصر استعمار، مورد توجه سه قدرت استعماری انگلیس، روسیه و فرانسه قرار گرفت. انگلیس از ایران به عنوان سپر بلا و حافظ منافع خود در هندوستان استفاده می‌کرد. روسیه تزاری پیرو وصیت نامه پترکبیر برای دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس چشم طمع به زمینهای ایران داشت. فرانسه نیز که قصد تنبیه رقیب سرسخت خود، انگلیس را داشت ایران را به عنوان پُلی برای رسیدن به هندوستان می‌نگریست.

روابط خارجی ایران در زمان قاجار با جنگهای ایران و روس آغاز شد. جنایتهای «آغا محمد خان» قاجار در فتح «تفلیس»، آغاز روابط خصمانه قاجاریه با روسیه است که در زمان «فتحعلیشاه» با دو دوره جنگ طولانی به اوج خود رسید. این دو جنگ با امضای معاهده گلستان در سال ۱۲۲۸ ه. ق، و معاهده ترکمنچای در سال ۱۲۴۳ ه. ق، پایان یافت. به موجب این عهدنامه‌ها، بخش زیادی از زمینهای حاصلخیز ایران جدا شد، ضمن آنکه استقلال و عزت ایرانیان نیز از بین رفت.

رقابت انگلیس و روس در زمان «ناصرالدین شاه» با گرفتن امتیازهای مختلف همراه بود. با تبانی این دو قدرت بزرگ و به قیمت از دست رفتن ثروت ملی کشور، حکومت قاجاریه تثبیت شد و سلطنت «ناصرالدین شاه» پنجاه سال به طول انجامید. هماهنگی روس و انگلیس در سال

۱۹۰۷ م، سبب شد که ایران به سه منطقه تقسیم گردد؛ گرچه حوادث بعدی و مهمتر از همه انقلاب روسیه فرصت این کار را به آنها نداد.

بیداری ایرانیان و نهضت مشروطه با دخالت بیگانگان به انحراف کشیده شد و چند سال بعد با انقراض سلسله قاجاریه، «رضا خان» به عنوان مهره جدید انگلیس برای حفظ منافع آن کشور با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه. ش، به قدرت رسید.

روابط خارجی حکومت پهلوی از همان آغاز بر وابستگی تمام به قدرتهای بیگانه استوار بود، چنانکه رضا شاه به خاطر ناسپاسی به انگلیس و گرایش به آلمان، در سال ۱۳۲۰ ه. ش، تاج و تخت خود را از دست داد. در دوران «محمد رضا شاه» نیز سیاست انگلیس در حمایت از حکومت ایران ادامه داشت. همزمان با غروب قدرت امپراتوری بریتانیا، امریکا به عنوان قدرت جدید و فاتح جنگ جهانی دوم بتدریج وارد صحنه سیاسی ایران شد. حاکمیت مطلق امریکا بر ایران با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش، و تحمیل کنسرسیوم نفتی آغاز شد و به مدت ۲۵ سال ادامه یافت. ایران در این دوره متحد واقعی امریکا بوده، به عنوان ژاندارم منطقه عمل می کرد رژیم شاه در همه سیاستهای نظامی، اقتصادی، فرهنگی و روابط خارجی تابع امریکا بود و در راستای اهداف و منافع آن کشور عمل می کرد.

نهضتها و مقاومتهای مردمی در دویست سال اخیر ایران

فساد، استبداد، بی لیاقتی و عدم صلاحیت شاهان قاجار در اداره کشور، کینه و خشم مردم مسلمان را می انباشت. فتوای معروف «میرزای شیرازی» در تحریم تنباکو، موجی از اعتراض و تظاهرات را به دنبال داشت. این جنبش که ناشی از بغض چندین ساله مردم نسبت به سران نالایق قاجاریه بود، قدرت مذهبی روحانیت و اراده مردم مسلمان را در کسب استقلال و آزادی نشان داد.

حرکتهای و جنبشهای استقلال طلبانه در آسیا و آفریقا، انتشار روزنامه و ترویج افکار آزادی خواهی، ارتباط بیش از پیش مردم ایران با سایر کشورهای جهان و مشاهده پیشرفت آنها، اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی، از دست رفتن ایالات و سرزمینهایی از خاک کشورمان، تسلط و دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران و عوامل دیگر با تجربه ای که مردم از نهضت تنباکو کسب کرده بودند، در آمیخت و این بار به صورت مشروطه خواهی و قیام عمومی جهت کسب حقوق از دست رفته تبلور یافت.

نهضت مشروطه ایران در زمان مظفرالدین شاه با هدف محدود کردن اختیارات شاه، تهیه قانون اساسی و تأسیس مجلس شورا صورت گرفت. اگر چه در پیروزی این نهضت، روحانیت نقش رهبری و مهمی داشت، ولی اعدام آیه الله شهید «شیخ فضل الله نوری» به دست فاتحین تهران، نشان داد که این نهضت از اهداف اولیه خود منحرف شده است.

در شمال کشور مردانی دلاور به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی با شعار «اتحاد مسلمین»، رفع فساد و اصلاحات اساسی در کشور حماسه نهضت جنگل را آفریدند. در جنوب دشتستانها و تنگستانها در برابر تجاوز نیروهای نظامی انگلیس مقاومت می کردند. در آذربایجان شیخ «محمد خیابانی» با اعتراض به قرارداد خائنانه و ثوق الدوله، علم مبارزه را برافراشت. در خطه خراسان نیز سرهنگ گلنل - «محمد تقی خان پسیان» با مقاومت دلیرانه در مقابل جاه طلبیهای «قوام السلطنه» و دولت مرکزی، قیام خود را در تاریخ به ثبت رسانید.

استبداد «رضا خانی» و فساد و وابستگی بیش از حد پسرش، مردم را به ستوه آورده بود و این بار نهضت ملی شدن صنعت نفت تیلوری از خشم و کینه مردم علیه حکومت پهلوی شد. از مهمترین ثمرات این نهضت، ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ه. ش، بود که خط پایانی برای غارت این ثروت ملی توسط بیگانگان محسوب می شد.

در حالی که رژیم شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش، پایه های سلطنت خود را محکم می کرد، قیام خونین پانزده خرداد ۱۳۴۲ ه. ش، آغاز توفانی بود که می رفت بساط ستم شاهی را برچیند.

انقلاب اسلامی ایران

قیام خونین پانزده خرداد ۱۳۴۲ ه. ش، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به شمار می رود. این قیام با حرکتها و جنبشهای قبل از آن تفاوت بسیاری داشت. تفاوت عمده و مهم آن با دیگر نهضتها و قیامها این بود که با رهبری مذهبی، اهداف مشخص و ریشه ای را تعقیب می کرد.

حضرت امام خمینی (ره) از همان ابتدا لبه تیز حملات خود را متوجه شاه و دربار کرد و در واقع این مفهوم را داشت که هدف نهضت اصلاحات موردی و مقطعی نیست، بلکه تغییر رژیم و نابودی بنیاد ظلم و فساد از اهداف اصلی نهضت است.

در سال ۱۳۵۶ ه. ش، در حالی که رژیم شاه از سرکوبی ظاهری نهضت پانزده خرداد و تبعید حضرت امام خرسند بود، با یک اقدام جنایتکارانه آیه الله حاج سید مصطفی خمینی را به شهادت

رساند و در مقاله‌ای توهین آمیز، رهبری حضرت امام خمینی (ره) را به مسخره گرفت. اینها جرقه‌هایی بود که آتش زیر خاکستر را شعله ور کرد و روح قیام پانزده خرداد را به قیام نوزده دی قم، متصل ساخت.

از این پس، رژیم شاه خود را با قیامی مردمی و بزرگ رو به رو دید. قیامها و تظاهرات زنجیر وار ادامه یافته، حلقه محاصره رژیم را تنگتر می ساخت. حکومت نظامی، تعویض کابینه‌ها و جابه جایی نخست وزیران سودی نبخشید. رژیم از کشتار و قتل عام مردم نیز بهره‌ای نبرد و شهادتها و جانبازیه‌ها، صفوف ملت را فشرده ساخت و حضرت امام خمینی (ره) پس از پانزده سال تبعید و دوری از وطن در دوازده بهمن ۱۳۵۷ ه. ش، به آغوش گرم ملت بازگشت. سرانجام، نهال پانزده خرداد به ثمر نشست و انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ حکومت جمهوری اسلامی با رأی اکثریت قاطع مردم جایگزین رژیم ستمشاهی شد. این نظم نوپا از همان ابتدا مورد خشم استکبار جهانی واقع گردید و توطئه‌های فراوانی علیه انقلاب اسلامی طرح ریزی شد که با هوشیاری رهبر انقلاب و ایستادگی امت شهید پرور، یکی پس از دیگری خنثی گردید.

با رحلت حضرت امام خمینی (ره) گرچه ملت ایران رهبری بی نظیر را از دست داد، اما راه او را با صلابت و استواری ادامه داد. انقلاب اسلامی ایران با رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای و ایثار و فداکاری یاران باوفای امام، مشکلات را یکی پس از دیگری سپری کرده است، امید آنکه با پیروزی در صحنه‌های بین المللی زمینه را برای انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) آماده سازد.

پرسش

۱. سیاستهای داخلی سلسله‌های قاجاریه و پهلوی را به اختصار توضیح دهید.
۲. روابط خارجی در زمان قاجار و پهلوی چگونه بود؟
۳. خلاصه‌ای از نهضتها و قیامهای دویست ساله اخیر را بنویسید.
۴. خلاصه‌ای از روند انقلاب اسلامی را شرح دهید.

منابع

۱. از سید ضیاء تا بختیار، مسعود بهنود، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۹.
۲. استقرار دیکتاتوری رضا خان در ایران، ا. س. ملیکف، ترجمه سیروس ایزدی، شرکت کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۵۸.
۳. انقلاب اسلامی در ایران، حامد الگار، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیدری، نشر قلم، بی م، ۱۳۶۰.
۴. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عباسعلی عمید زنجانی، نشر کتاب سیاسی، تهران، ۱۳۶۷.
۵. انقلاب مشروطیت، عبدالله جاسبی، انتشارات حزب جمهوری اسلامی، بی جا، بی تا.
۶. ایران انقلاب به نام خدا، کبر بریر بلانشه، ترجمه قاسم صنعوی، سحاب کتاب، تهران، ۱۳۵۸.
۷. ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ دوم جهانی، ایرج ذوقی، انتشارات پازنگ، تهران، ۱۳۶۷.
۸. بازیگران عصر طلایی، ابراهیم خواجه نوری، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۸.
۹. بررسی تاریخی تنباکو، جمال الدین حسینی، بی نا، بی جا، بی تا.
۱۰. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، سید حمید روحانی، انتشارات راه امام، تهران، ۱۳۶۱.
۱۱. بیست و پنج سال حاکمیت امریکا در ایران، جواد منصوری، بی نا، بی جا، ۱۳۶۴.
۱۲. پژوهشی در تاریخ معاصر ایران، مریم میر احمدی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸.
۱۳. پنجاه سال نفت ایران، مصطفی فاتح، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۸.
۱۴. پیکار پیروز تنباکو، محمد نهالوندیان، بی نا، بی جا، بی تا.
۱۵. تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، سعید نفیسی، ج ۱، انتشارات بنیاد ۱۳۶۱.
۱۶. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مهدی ملک زاده، ج ۱، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۵۸.
۱۷. تاریخ ایران، سر پرسی سایکس، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، شرکت انتشارات کتب ایران، بی تا.
۱۸. تاریخ ایران در دوره قاجاریه، کلمنت مارکام، ترجمه میرزا رحیم فرزانه، چاپ آسمان، بی جا، ۱۳۶۴.
۱۹. تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، ج ۱، بی جا، بی تا.

۲۰. تاریخ بیست و پنج ساله ایران، حسین مکی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.
۲۱. تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، جلال الدین مدنی، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۹.
۲۲. تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران، گریگوری لوویچ بوندارفسکی، ترجمه موسسه انتشاراتی نووستی، نشر توده، تهران، ۱۳۵۸.
۲۳. تاریخ روابط خارجی ایران، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۹.
۲۴. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، محمود محمود، ج ۱، اقبال، تهران، ۱۳۵۳.
۲۵. تاریخ روضه الصفا ناصری، رضا قلی خان متخلص به هدایت، ج ۹، چاپ حکمت قم، ۱۳۳۹.
۲۶. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، غلامرضا نجاتی، مؤسسه فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۱.
۲۷. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال الدین مدنی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۲۸. تاریخ معاصر ایران، پاپیتر آوری، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، ج ۱، چاپ حیدری، تهران، ۱۳۶۹.
۲۹. تاریخ معاصر ایران، آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۷۰.
۳۰. تاریخ معاصر ایران، سال سوم دبیرستان، آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۶۷.
۳۱. تحریم تنباکو، محمد رضا زنجانی، بی نا، بی جا، بی تا.
۳۲. تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران ابراهیم تیموری، شرکت کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۶۱.
۳۳. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵.
۳۴. تجربه ۲۸ مرداد، ف. م، جوانشیر، انتشارات حزب توده، تهران، ۱۳۵۹.
۳۵. تشیع و مشروطیت در ایران، عبدالهادی حائری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.
۳۶. تفسیر آفتاب، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی جا، بی تا.
۳۷. تنبیه الامة و تنزیه المله، محمد حسین نائینی با توضیحات سید محمود طالقانی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۱.
۳۸. جنبش مشروطیت در ایران، رسول جعفریان، انتشارات توس، قم، ۱۳۶۹.
۳۹. جنگ قدرت‌ها در ایران، باری روبین، ترجمه محمود مشرفی، انتشارات آشتیانی، بی جا، ۱۳۶۳.
۴۰. حادثه طیس، چارلی بکویت، ترجمه دفتر انتشارات اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۷.
۴۱. حماسه‌های اسلامی ملت به رهبری امام، ولی‌الله فوزی، چاپخانه علمیه قم، بی تا.
۴۲. خاطرات نور الدین کیانوری، موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰.
۴۳. خلع ید (کتاب سیاه)، حسین مکی، ج ۳، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.
۴۴. روابط سیاسی ایران و آمریکا، آبراهام یسلسون، ترجمه محمدباقر آرام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸.
۴۵. ریشه‌های انقلاب ایران، نیکی آر. کدی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۶۹.

۴۶. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، طرح نو، تهران، ۱۳۷۲.
۴۷. سالهای نهضت ملی، حسین مکی، ج ۳، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.
۴۸. صحیفه نور، ج ۱۲.
۴۹. طلای سیاه یا بلای جان ایران، ابوالفضل لسانی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.
۵۰. عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات ایران، ابراهیم تیموری، چاپ اقبال، تهران، ۱۳۳۲.
۵۱. قیام تنباکو، یعقوب آژند، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
۵۲. مدرس، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ج ۱، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، بی جا، ۱۳۶۶.
۵۳. مدرس شهید نابغه ملی ایران، علی مدرسی، بنیاد فرهنگی و انتشاراتی بدر، اصفهان، ۱۳۵۸.
۵۴. مدرس قهرمان آزادی، حسین مکی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۸.
۵۵. مصدق و نبرد قدرت، همایون کاتوزیان، ترجمه احمد تدین، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۱.
۵۶. مصدق، نفت و کودتا، محمود تفضلی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸.
۵۷. مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی، جمیز بیل، ویلیام راجر لوئیس، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، کاوه بیات، نشر نو، تهران، ۱۳۶۸.
۵۸. مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، عبدالرحیم ذاکر حسین، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۸.
۵۹. ناسخ التواریخ سلاطین قاجاریه، محمدتقی لسان‌الملک سپهر، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۳.
۶۰. نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجاریه، غلامرضا ورهرام، انتشارات معین، تهران، ۱۳۶۷.
۶۱. نهضت امام خمینی، عمید روحانی، ج ۲، واحد فرهنگی بنیاد شهید، تهران، ۱۳۶۴.
۶۲. نهضت تنباکو، اداره سیاسی عقیدتی ارتش، بی جا، بی تا.
۶۳. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۵، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، بی جا، بی تا.